



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیمة

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

تفسیر قرآن مہر

ڈاکٹر علی محمد عظیمی و شاہین اصفہانی و جمعیۃ از علماء اہل سنت و جماعت

ویسٹ جوائنٹن



جلد ۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳
۷	مشخصات کتاب
۷	درآمد
۹	سیمای سوره توبه
۱۰	لغو تعهد و پیمان با مشرکان پیمان شکن
۱۴	پیشوایان کفر را بکشید
۱۶	آزمایش الهی و اهداف آن
۱۹	تقدم پیوند مکتبی بر پیوند خویشاوندی
۲۰	جریان جنگ سخت حنین
۲۱	وظایف مسلمانان در برابر کافران
۲۴	جهانی سازی مهدوی
۲۵	ممنوعیت گنج اندوزی
۲۸	بسیج برای جهاد
۳۰	نشانه های منافقان
۳۴	رابطه سرنوشت و کوشش های ما
۳۵	نشانه های دیگر منافقان
۳۷	موارد مصرف زکات
۳۸	نشانه های دیگر منافقان
۴۲	از سرنوشت گذشتگان عبرت آموزید
۴۳	ویژگی های مومنان
۴۸	جایی که استغفار پیامبر (ص) نیز سودی ندارد
۵۱	چه کسانی از جنگ معاف هستند؟

۵۵	اقسام پیروان اسلام
۶۰	ماجرای مسجد ضرار
۶۷	ماجرای متخلفان از جنگ تبوک
۷۰	گروهی برای جنگ و گروهی برای علم
۷۲	تائیرات قرآن
۷۸	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور: تفسیر قرآن مهر: سوره توبه ویژه جوانان/ محمدعلی رضایی اصفهانی؛ با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر: قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ۲۶۱ ص. شابک: ۱۴۰۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۴۹] - ۲۶۱؛ همچنین به صورت زیرنویس. موضوع: تفاسیر (سوره توبه) رده بندی کنگره: BP۱۰۲/۲۹۵/۶ت ۷ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۸ شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۳۷۰۵۳

درآمد

بسم الله الرحمن الرحيم قرآن کریم چشمه سار زلال و نورانی حق است که قرن‌هاست زمزم معارفش احیاگر دل‌هاست و هر کس به اندازه ظرفیت خود، از آن بهره می‌برد. از آنجا که قرآن به زبان عربی می‌باشد و برخی عبارات آن نیازمند توضیح است «۱»، لازم است که قرآن به زبان‌های دیگر ترجمه و تفسیر شود. در این راستا، در طول تاریخ اسلام ترجمه‌ها و تفسیرهای متعددی از قرآن صورت گرفته است؛ که هر کدام روش خاصی را دنبال کرده‌اند و نظر مخاطبان ویژه‌ای را جلب نموده‌اند و تلاش همه آنان قابل تقدیر و ارزشمند است. اما قرآن کریم در هر عصر بلکه در هر سال نیازمند تفسیر جدید است. «۲» ما نیز براساس نیاز عصر بویژه جوانان بر آن شدیم تا با همکاری برخی اساتید و دوستان به نگارش ترجمه و تفسیر جدیدی اقدام کنیم. در این زمینه حجج اسلام آقایان: حسین شیرافکن، غلامعلی همائی، محمد امینی، محسن اسماعیلی و محسن ملاکاظمی ما را یاری کردند. این کار بزرگ با عنایت الهی از عید غدیر ۱۴۲۰ ق (فروردین ۱۳۷۸ ش) شروع شد و تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۲ همزمان توسط رادیو قرآن «۱» و برخی سوره‌ها توسط سیمای قرآن، پخش شد. و نیز بخش‌هایی از آن در حوزه و دانشگاه ارائه و تدریس گردید و بازخوردها گرفته و اصلاحات اعمال شد. ویرایش نخست این دوره تفسیری، در سال ۱۳۸۳ ش به اتمام رسید سپس از نظرات اساتید حوزه و دانشگاه بویژه حضرت آیت الله العظمی معرفت، در تکمیل آن استفاده کردیم، و ویرایش دوم برخی مجلدات آماده گردید، که اکنون با درخواست طلاب عزیز درس تفسیر مدرسه مبارکه فیضیه، سوره توبه و یوسف آن به صورت آزمایشی منتشر می‌شود. ساختار تفسیر: الف: نمای کلی هر آیه: این نما به صورت مقدمه‌ای یک سطر، قبل از هر آیه بیان می‌شود که موضوع یا موضوعات اصلی آیه را بیان می‌کند. ب: ترجمه‌ای دقیق و برابر از قرآن: ترجمه‌ای که براساس روش جمله به جمله (هسته به هسته) و در کمال دقت است و تلاش شده، که حتی حرفی از قرآن بدون ترجمه نماند و در همان حال پیام رسانی و روانی مطلب حفظ شود. در این زمینه به حدود ۲۰ ترجمه مشهور توجه شده و از واژگان آن‌ها استفاده شده است. «۳» ج: شأن نزول: (در صورتی که آیه شأن نزول داشته باشد). تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۳ مقصود از شأن نزول (: سبب نزول) واقعه یا حادثه یا پرسشی است که به دنبال آن، آیه یا آیاتی فرود آمده است. از آنجا که معمولاً شأن نزول‌ها سند روایی معتبر ندارد، از آن‌ها به عنوان مؤید و شاهد برای روشن شدن فضای تاریخی و جغرافیایی نزول آیه، استفاده می‌شود. البته یادآوری این نکته لازم است که معمولاً شأن نزول‌ها موجب انحصار معنای آیه در مورد خاص نمی‌شود. (مگر در مواردی اندک همچون آیه تطهیر). د: نکات و اشارات: مقصود از این عنوان، «نکات» استفاده شده از الفاظ و ترکیبات آیه با توجه به لغت، سیاق، شأن نزول، تاریخ، احادیث، آیات دیگر قرآن، قرائن عقلی، علوم قطعی تجربی و علوم قرآن است. این عنوان را از حدیث امام سجاد علیه السلام و امام صادق علیه السلام الهام گرفتیم که از ایشان حکایت شده: «کتاب الله عزوجل علی اربعة اشياء: علی العبارة والاشارة واللطف والحقائق،

فالعبارة للعوام والاشارة للخواص واللطائف للأولياء والحقائق للأنبياء. «۱» «کتاب خدا (قرآن) بر چهار چیز است: عبارت، اشاره، لطایف، حقایق؛ و عبارات (قرآن) برای عموم مردم است، و اشارات (قرآن) برای خواص مردم است، و لطایف (قرآن) برای اولیای (الهی) است، و حقایق (قرآن) برای پیامبران است.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۴ البتّه در این مورد از آراء مفسران شیعه و اهل سنت استفاده کرده‌ایم و به مهم‌ترین تفاسیر مراجعه کرده و نکات و نظرات آنان را مورد دقت، توجه و استفاده قرار داده‌ایم. لازم به یادآوری است از آنجا که مخاطبان ما جوانان و دانشجویان هستند از نکات عرفانی (ویژه از امام خمینی قدس سره) و اشعار متناسب با موضوع آیات استفاده کرده‌ایم، تا بر لطافت آن افزوده شود. ه: آموزه‌ها و پیام‌ها: مقصود از این عنوان، بیان اهداف اصلی آیه برای نسل‌های بعدی است، که از سنخ دلالت التزامی کلام است. یعنی جدا نمودن و مجرد کردن آیه از زمان و مکان و شخصیت‌ها و مخاطب خود، و برداشت قاعده کلی از آیه، که قابل انطباق بر زمان‌ها و مکان‌ها و افراد و مصادیق جدید باشد، به طوری که مفاد آیه بازندگی مخاطب ارتباط پیدا کند و بتواند از آن پیام‌ها، در زندگی شخصی و اجتماعی خود استفاده کند. البتّه این کار با توجه به بطون قرآن (براساس رهنمودهای اهل بیت علیهم السلام) و قاعده «الغاء خصوصیت» صورت گرفته و با تدبّر و تفکر در الفاظ آیه (با توجه به همان نکاتی که در شماره د گفته شد) بدست آمده است. از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمودند: «ظهره تنزیه و بطنه تأویله منه قد مضی ومنه ما لم یکن یجری کما تجری الشمس والقمر.» «ظاهر قرآن همان چیزی است که نازل شده است، اما باطن قرآن تأویل آن است، که برخی از آن‌ها گذشته و برخی هنوز نیامده است. قرآن مثل تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۵ خورشید و ماه جریان دارد (وهر زمان مصادیق جدید پیدا می‌کند.) «۱» و نیز از امام باقر علیه السلام حکایت شده که حضرت فرمودند: «ولو ان الآیة اذا نزلت فی قوم ثم مات اولئک القوم، ماتت الآیة ولما بقی من القرآن شیء.» «هنگامی که آیه‌ای در مورد ملتی نازل می‌شود، اگر با مرگ آن مردم، آیه نیز بمیرد چیزی از قرآن باقی نمی‌ماند.» «۲» و امام صادق علیه السلام فرمودند: «لأن الله تبارک وتعالی لم یجعل لزمان دون زمان ولاناس دون ناس فهو من کل زمان جدید وعند کل قوم غض الی یوم القیامة.» «۳» امام صادق علیه السلام (در پاسخ پرسشی در مورد قرآن) فرمودند: «خدای تبارک و تعالی قرآن را برای یک زمان و مردمی خاص، قرار نداده است، بلکه آن در هر زمانی جدید و نزد هر ملتی تازه و شیرین است.» «۴» روش تفسیر: در این تفسیر از روش‌های متعدد و معتبر استفاده کرده‌ایم یعنی روش ما یک «روش جامع» بوده که شامل «روش قرآن به قرآن، روایی، تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۶ عقلی، علمی، باطنی» می‌شود. البتّه از روش «تفسیر به رأی» کاملاً پرهیز شده است، در این راه براساس مبانی تفسیر معتبر و ضوابط اصول الفقه و قواعد روش‌های صحیح تفسیر عمل شده است. «۱» منابع: مهم‌ترین تفاسیر شیعه و اهل سنت که مورد توجه ما بوده‌است عبارتند از: مجمع البیان، ابو الفتوح رازی، شبر، صافی، نور الثقلین، البرهان، المیزان، نمونه، الدر المنثور، کشف، کشف الاسرار، راهنما، نور، من وحی القرآن و ... در واژه‌شناسی از مفردات راغب، مقایس اللغة، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مجمع البحرین و ... استفاده شده است. «۲» تذکر: در تفاسیر دیرین مرسوم نبوده است که منبع مطالب را ذکر کنند، از این رو بسیاری از مطالب هر تفسیر از تفسیرهای قبلی گرفته شده بدون آنکه منبع اصلی ذکر شود، ولی ما در این نوشتار تلاش نمودیم هر کجا از منبع خاصی، مستقیم یا غیرمستقیم استفاده کردیم نشانی آن را در پاورقی بیاوریم. مخاطبان: مخاطبان تفسیر قرآن می‌توانند گروه‌های زیر باشند: الف: کودکان ب: نوجوانان تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۷ ج: جوانان (با سطح علمی حدود دیپلم تا کارشناسی) د: میان سالان فرهیخته ه: کهنسالان مخاطب این تفسیر جوانان (گروه ج) در نظر گرفته شده است. بنابراین مطالب با نثری روان و رسا، و به دور از اصطلاحات علمی و فنی، بیان شده است و در ضمن دقت علمی فدای پیرایه‌های ادبی نشده است و هرگاه مطلب سنگین یا مشکل بوده آن را به پاورقی منتقل کرده‌ایم «۱» یا ارجاع داده‌ایم تا علاقمندان، مطالب را در منابع دیگری پی‌گیری کنند. توجه به ویژگی‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی جوانان مخاطب، به این تفسیر رنگ خاصی بخشیده است، یعنی از ادبیات خاص آنان (ویژه در حوزه شعر و نکات عرفانی و علمی)

استفاده کرده‌ایم. برای مخاطبان گروه «الف» و «ب» تفسیر ویژه‌ای لازم است و همچنین برای مخاطبان گروه «د» و «ه» نیز تفسیری تخصصی و عمیق همراه با نقد و بررسی آراء مفسران قرآن، لازم است. قرائت: قرآن کریم به صورت متواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله نسل به نسل نقل شده است. بنابراین مبنای این تفسیر، همین قرآن متواتر بین مسلمانان است که در میان قرائات مشهور، بیشترین تطابق را با قرائت حفص از عاصم دارد. یادآوری: هر چند که برخی از بخش‌های این تفسیر چندین بار در حوزه و دانشگاه تدریس شده، و ویرایش نخست آن از طریق «رادیو قرآن» پخش تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۸ شده، و تفسیر برخی سوره‌ها از «سیمای قرآن» ارائه گردیده و بازخوردها گرفته شده و اعمال شده است اما باز هم، از انتقادات قرآن پژوهان دلسوز و منصف استقبال می‌کنیم و از نظرات و پیشنهادات آنان جهت تکمیل کار استفاده خواهیم کرد. والحمد لله رب العالمین قم - ۲۱ / ۱ / ۸۴ در آستانه تولد پیامبر صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۹

سیمای سوره توبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خدای مهر گستر مهرورز شمارگان سوره توبه در مدینه فرود آمد و دارای ۱۲۹ آیه و ۴۰۹۸ کلمه و ۱۰۴۸۸ حرف است. نزول این سوره صد و سیزدهمین سوره نازل شده بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛ یعنی بعد از سوره مائده و در اواخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده و در ترتیب فعلی قرآن نهمین سوره به شمار رفته است. مفسران آغاز نزول سوره توبه را در سال نهم هجری می‌دانند، و مطالعه آیات آن نشان می‌دهد که قسمتی از آن پیش از جنگ تبوک و قسمتی پس از مراجعت از جنگ نازل شده است، و ۲۸ آیه آغاز این سوره به وسیله علی علیه السلام در مراسم حج به مردم ابلاغ شد. «۱» نام‌ها نام‌های این سوره عبارت‌اند از: توبه، براءت، فاضحه، خافره، العذاب، سیف، مُخزبه، مُنکله، المُنقره و المُششقه. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۰ واژه «توبه» به معنای «بازگشت» است و سبب نام‌گذاری این سوره به این نام، آیات ۱۱۷ و ۱۱۸ آن است که جریان پذیرفته شدن توبه یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و متخلفان از جنگ تبوک را بیان کرده است و به طور کلی، در این سوره درباره توبه سخن فراوانی رفته است. واژه «براءت» به معنای «بی‌زاری جستن» است و به خشم خدا و پیامبرش نسبت به مشرکان اشاره دارد که در روز حج اکبر به همه مردم اعلان شد و در آیه یکم تا سوم این سوره آمده است. نام‌های دیگر این سوره، اغلب بدین جهت است که اسرار منافقان در این سوره افشا شده و رسوایی و ذلت آنان را به دنبال آورده است. فضایل درباره فضیلت خواندن این سوره از امام صادق علیه السلام روایت شده است: هر کس سوره براءت و انفال را در هر ماه بخواند، روح نفاق در او داخل نمی‌شود و از پیروان راستین علی علیه السلام خواهد بود. «۱» تذکر: همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، تأثیرها و ثواب‌های هر سوره، برای قرائت و عمل به مفاد آن است و رابطه این سوره با امام علی علیه السلام در این است که ۲۸ آیه اول این سوره توسط آن حضرت در مراسم حج به مردم ابلاغ شد. ویژگی‌ها این سوره تنها سوره قرآن کریم است که با «بسم الله الرحمن الرحيم»، آغاز نمی‌شود، و در این سوره ۱۶ آیه درباره توبه است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۱ اهداف اهداف اساسی که در سوره توبه پی‌گیری شده است عبارت‌اند از: الف- بیان قوانین اساسی ارتباطات مسلمانان با مشرکان که شالوده حکومت اسلامی بر آن نهاده شده است. ب- افشاگری در مورد حالات روانی و درونی منافقان و پیروان سست‌عنصری که در لابه‌لای صفوف مؤمنان رخنه کرده بودند. مطالب الف- عقاید بیان انحراف اهل کتاب از حقیقت توحید و فرزند قرار دادن برای خدا (آیات ۳۰-۳۱). ب- اخلاق ۱. سرزنش افراد تنبل و سست‌عنصری که با بهانه‌های مختلف به جهاد نمی‌روند؛ ۲. مدح و ستایش مؤمنان راستین و مهاجران نخستین (آیات ۲۰ و ۱۰۰). ج- احکام و قوانین ۱. بیان الغای پیمان با مشرکان و قطع رابطه با آنان و ممنوعیت حج انجام دادن مشرکان (آیات ۱-۲۷)؛ ۲. دستور به دادن زکات و پرهیز از تراکم ثروت (آیه ۱۰)؛ ۳. بیان لزوم تحصیل علم (آیه ۱۲۲)؛ ۴. بیان ممنوعیت جنگ در ماه‌های حرام (آیه ۳۶)؛ ۵. بیان حکم گرفتن جزیه (مالیات) از اهل کتاب.

تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۲ د- داستان‌ها ۱. داستان جنگ تبوک و توبه متخلفان از جنگ (آیات ۴۱ و ۱۱۸)؛ ۲. اشاره‌ای به جنگ حنین (آیه ۲۵)؛ ۳. اشاره‌ای به قوم نوح، عاد، ثمود، ابراهیم، مدین و مؤتفکات (آیه ۷۰). ه- مسایل فرعی ۱. بیان نشانه‌های منافقان و سرنوشت آنان (آیات ۴۵ به بعد)؛ ۲. هشدار به مسلمانان در مورد توطئه دشمنان در مسجد ضرار (آیه ۱۰۷)؛ ۳. دعوت مسلمانان به اتحاد؛ ۴. ترسیم خطمشی حکومت اسلامی با گروه‌ها و جناح‌های مخالف؛ ۵. بیان اهمیت جهاد در راه خدا (آیه ۴۱)؛ ۶. تشویق مردم برای تعمیر مساجد (آیه ۱۸). ***

لغو تعهد و پیمان با مشرکان پیمان شکن

خدای متعال در نخستین آیه این سوره از مشرکان اعلام بیزاری کرده و می‌فرماید: ۱. «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ (این آیات، اعلام) عدم تعهدی است، از طرف خدا و فرستاده‌اش نسبت به کسانی از مشرکان که [با آنان پیمان بسته‌اید]» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. بر طبق نقل بسیاری از مفسران و محدثان و مورخان اسلام، هنگامی که آیه فوق و بیست و هفت آیه بعد از آن فرود آمد و پیمان‌های مشرکان را لغو کرد، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این فرمان را برای ابلاغ، به ابوبکر داد تا در مراسم حج بر مردم بخواند؛ سپس آن را به فرمان جبرئیل باز پس گرفت و ابلاغ آن را به تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۳ علی علیه السلام واگذار کرد تا در روز حج اکبر برای مردم بخواند و فرمود: «ابلاغ این سوره تنها باید به واسطه کسی باشد که او از من است و من از او هستم.» این ماجرا به عنوان فضیلت بزرگی برای امام علی علیه السلام ثبت و در بسیاری از کتاب‌های شیعه و اهل سنت از راه‌های مختلفی حکایت شده است. «۱» ۲. این آیه به سال هشتم هجری مربوط است که مکه فتح شده بود؛ اما مشرکان همچنان برای انجام مراسم عبادی خود که آمیخته با خرافات و انحرافات بود، به مکه می‌آمدند و گاهی برهنه به طواف کعبه می‌پرداختند. این وضع برای مسلمانان تحمل‌ناپذیر بود، آیه فوق و آیات بعد از آن فرود آمد و به این وضع نامطلوب خاتمه داد. ۳. در محیط دعوت اسلام، در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله گروه‌های مختلفی وجود داشتند که برخی با مسلمانان پیمانی نداشتند، و برخی دیگر پیمان موقت با تعیین مدت معینی داشتند، و برخی نیز پیمان‌های دائمی داشتند، ولی در صدد پیمان‌شکنی و یافتن فرصتی برای حمله به مسلمانان بودند. «۲» این آیه پیمان مسلمانان با گروه اخیر را لغو و عدم تعهد نسبت به آنان را اعلام کرد، «۳» تا فرصت پیمان‌شکنی، توطئه و شیخون به مسلمانان را پیدا نکنند. ۴. با این که اسلام به وفای عهد بسیار اهمیت می‌دهد، از آیه فوق استفاده تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۴ می‌شود که هرگاه نشانه‌هایی از توطئه و نقض پیمان مشاهده شد، مسلمانان حق دارند، پیمان را یک‌جانبه لغو کنند، ولی باید جوانمردانه لغو پیمان را اعلام نمایند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا و رسول نسبت به مشرکان (پیمان‌شکن) تعهدی ندارند. ۲. از مشرکان بیزاری بجوید و برائت خود را اعلام کنید. *** خدای متعال در آیه ۲ به مشرکان چهار ماه برای تفکر و گردش فرصت داده و می‌فرماید: ۲. «فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَلِّمُوا أَنْكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ؛ پس چهار ماه (مهلت دارید که آزادانه) در زمین گردش کنید، و بدانید که شما عاجز کننده خدا نیستید، و (بدانید) که خدا رسوا کننده کافران است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در این آیه به مشرکان بت‌پرست چهار ماه مهلت داده شد، تا در زمین گردش «۲» و سیر و سیاحت و تفکر کنند و تصمیم بگیرند که پس از انقضای چهار ماه یا از آیین بت‌پرستی دست بردارند و یا برای پیکار آماده شوند. از این مطلب استفاده می‌شود که اسلام می‌خواسته اصول انسانی و تربیتی رعایت گردد و مسلمانان بدون مقدمه به دشمن حمله نکنند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۵ ۲. اسلام در برابر کافران دو گونه برخورد دارد: گروهی از کافران اهل کتاب مانند یهودیان و مسیحیان را تحمیل می‌کند و پیمان آنان را- در صورتی که توطئه نکنند- محترم می‌شمارد و آنان می‌توانند در پناه حکومت اسلامی زندگی کنند. اما با گروهی از کافران، مانند بت‌پرستان، به شدت برخورد می‌کند و با لغو پیمان، به آنان اخطار می‌نماید که بین جنگ و تسلیم یکی را انتخاب کنند؛ زیرا بت‌پرستی یک مذهب و

دین نیست، بلکه یک روش خرافی و موهوم است که با منطق و عقل ناسازگار نمی‌باشد؛ از این رو، برای اسلام تحمل‌ناپذیر بوده و بساط آن را بر می‌چیند. ۳. اعلام برائت توسط امام علی علیه السلام در روز دهم ذی الحجه یعنی عید قربان بود؛ بنابراین، پایان مهلت، روز دهم ماه ربیع الثانی سال بعد بوده «۱» و در تفاسیر آمده است که بسیاری از بت‌پرستان از این مهلت چهار ماهه استفاده کردند و با مطالعه بیشتر در تعالیم اسلام، مسلمان شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. به دشمنان اسلام فرصت تفکر و تصمیم‌گیری دهید (تا شاید هدایت شوند). ۲. اسلام اجازه نمی‌دهد مسلمانان ناجوانمردانه و بدون اعلام قبلی به دشمن حمله کنند. ۳. فرار از حکومت الهی و ناتوان کردن خدا ممکن نیست. ۴. آیه به مشرکان اعلام می‌کند دست از کفر بردارید که فرجام کافران، خواری و رسوایی است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۶ خدای متعال در آیه ۳ بار دیگر بر بیزاری از مشرکان تأکید کرده و می‌فرماید: ۳. «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُمْ حَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ و (این آیات)، اعلامی است از طرف خدا و فرستاده‌اش به مردم، در روز [عید قربان حج بزرگ] به اینکه: خدا و فرستاده‌اش نسبت به مشرکان تعهدی ندارند! و اگر توبه کنید، پس آن برای شما بهتر است؛ و اگر روی برتابید، پس بدانید که شما عاجز کننده خدا نیستید؛ و کسانی را که کفر ورزیدند، به عذابی دردناک مژده ده!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. اعلام عمومی برائت و بیزاری از مشرکان در ایام حج و در روز عید قربان به واسطه امام علی علیه السلام صورت پذیرفت «۱» تا همه مسلمانان و غیرمسلمانان از آن آگاهی یابند و راه بهانه جویان بسته شود و از این رو است که فرمود: به همه مردم اعلام می‌شود و نفرمود: فقط به مشرکان اعلام می‌شود. ۲. در اعلامیه عمومی که به واسطه امام علی علیه السلام قرائت شد، مواد چهارگانه ذیل اعلام گردید: الف- الغای پیمان مشرکان؛ ب- ممنوعیت شرکت مشرکان در مراسم حج سال آینده؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۷ ج- ممنوعیت طواف افراد برهنه به دور کعبه؛ د- ممنوعیت ورود مشرکان در خانه خدا «۱».

۳. مقصود از «الحج الاکبر» در آیه فوق همان روز عید قربان سال هشتم هجری است. در احادیث اسلامی آمده است که در آن سال مسلمانان و مشرکان در مراسم حج شرکت کرده بودند؛ از این رو، به آن حج بزرگ گفته شد، و یا به خاطر آن که مراسم حج بزرگ‌تر از مراسم عمره است، به آن «حج اکبر» گفته می‌شود «۲». ۴. قبول آیین توحید در دنیا و آخرت به سود مردم است، و تمام نابسامانی‌ها در پرتو آن سامان می‌یابد؛ یعنی پذیرش اسلام برای خدا و پیامبر سودی ندارد، بلکه سود آن به خود افراد باز می‌گردد.

۵. قرآن کریم در آیه فوق از روش «تشویق و تهدید» استفاده کرده است تا مردم را هدایت کند و این یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن کریم است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. بهترین زمان و مکان و حضور همگانی را برای اعلام عمومی انتخاب کنید (تا تاثیر بیشتری داشته باشد و زمینه بهانه جویی‌ها برداشته شود). ۲. این آیه به رهبران الهی و مبلغان دینی می‌آموزد که برای تربیت و هدایت مردم از شیوه هشدار و تشویق در کنار هم استفاده کنند. ۳. خدا و رهبران الهی نسبت به مشرکان پیمان شکن، تعهدی ندارند. ۴. راه بازگشت و توبه به سوی مخالفان اسلام باز است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۸ خدای متعال در آیه ۴ پیمان گروهی از مشرکان را محترم شمرده و می‌فرماید: ۴. «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَوْ إِتَمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدُهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ مگر کسانی از مشرکان که [با آنان پیمان بستید، سپس هیچ چیزی (از تعهدات خود را) نسبت به شما فروگذار نکرده‌اند، و هیچ کس را بر ضد شما پشتیبانی ننموده‌اند؛ پس پیمان آنان را تا پایان مدتشان، نسبت به آنان محترم شمردید؛ [چرا] که خدا پارسایان (خود نگهدار) را دوست دارد.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. الغای یک‌جانبه پیمان‌های مشرکان، مخصوص کسانی بوده که نشانه‌هایی از آمادگی آنان برای پیمان‌شکنی ظاهر شده بود؛ اما کسانی که بر پیمان خود استوار بودند، پیمانشان محترم شمرده شد. ۲. از گزارش‌های مورخان و مفسران استفاده می‌شود که مقصود از کسانی که پیمان مدت‌دار داشتند و بر مواد پیمان خود وفادار ماندند، طایفه‌های «بنی کنانه»، «بنی ضمره» «۱» و احتمالاً «بنی خزاعه» «۲» بوده‌اند که پیمان آتش بس با پیامبر داشتند و نه ماه آن باقی مانده بود و پیامبر تا پایان مدت نسبت به پیمانشان وفادار ماند. ۳. از این آیه

استفاده می‌شود که وفاداری به پیمان با تقوا و پارسایی ارتباطی تنگاتنگ دارد و یکی از نشانه‌های تقواست. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۹ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. هر کس پیمانش را با شما رعایت کرد، پیمان او را محترم بشمارید. ۲. وفاداری به پیمان لازم است، اگرچه طرف مقابل مشرک باشد. *** خدای متعال در آیه ۵ به لزوم برخورد شدید با مشرکان و باز بودن راه توبه اشاره کرده و می‌فرماید: ۵. «فَإِذَا نَسَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَخْصِرُواهُمْ وَأَقْعِدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و هنگامی که ماه‌های حرام سپری شد، پس مشرکان را هر کجا آنان را یافتید به قتل رسانید؛ و آنان را (به اسارت) بگیرید؛ و آنان را بازداشت کنید؛ و در هر کمینگاه، بر [سر راه آنان] بنشینید. و اگر توبه کنند، و نماز را به پا دارند، و [مالیات زکات را بپردازند، پس رهایشان سازید؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «ماه‌های حرام» در این آیه همان چهار ماه مهلتی است که در ابتدای سوره برای مشرکان قرار داده شده بود که از دهم ذی الحجه سال نهم هجری آغاز شد و دهم ربیع الثانی سال دهم هجری پایان یافت. به این مطلب در احادیث متعددی نیز اشاره شده است «۱». ۲. در این آیه چهار دستور شدید در مورد مشرکان پیمان‌شکن صادر تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۳۰ شده است که عبارت‌اند از: «بستن راه‌ها بر آنان، محاصره کردن، (۱) اسیر ساختن و کشتن آن‌ها در هر مکان و زمان.» «۲» انتخاب یکی از این چهار دستور به صورت اختیاری نیست، بلکه بر اساس شرایط زمانی و مکانی و به تناسب اشخاص مورد نظر عمل می‌شود تا مشرکان به طور کامل در فشار قرار گیرند. ۳. اسلام به آزادی مذهبی و ترک اجبار پیروان ادیان اهمیت می‌دهد، ولی این مطلب منحصر به پیروان ادیان آسمانی همچون آیین‌های یهود و مسیحیت است؛ بنابراین، برخورد شدید اسلام با مشرکان بدین جهت است که بت‌پرستی و شرک، از نظر اسلام یک برنامه خرافی و نوعی بیماری بشریت است که باید ریشه کن شود. ۴. آیه فوق در همان حال که با مشرکان به شدت برخورد می‌کند، راه بازگشت را می‌گشاید و اشاره می‌کند که اگر مشرکان توبه کردند و به وظایف اسلامی خود عمل نمودند، در امنیت هستند و از نظر حقوق و احکام با سایر مسلمانان تفاوتی ندارند. ۵. در آیه فوق بر دو وظیفه بزرگ اسلامی یعنی نماز و زکات تاکید شده است؛ زیرا ادای این دو وظیفه بزرگ، نشانه‌ای از اسلام و توبه افراد مشکوک به شمار می‌آید. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۳۱ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مشرکان را (پس از طی مراحل دعوت و استدلال و پیمان بستن، اگر باز توطئه کردند) به شدت سرکوب کنید. ۲. در پی دشمن بروید و راه‌ها را کنترل کنید و در کمین توطئه‌گران پیمان‌شکن باشید. ۳. توبه مشرکان پذیرفتنی است، به شرط آن که همراه با عمل باشد (نه فریبکارانه). ۴. نماز و زکات نشانه توبه است و کسی که به این شعائر دینی می‌پردازد، از تعرض مسلمانان در امان است. ۵. تنها راه برخورد با مشرکان کشتن آن‌ها نیست، بلکه محاصره و اسارت نیز از راه‌های دیگر است. *** خدای متعال در آیه ۶ به دشمنان اسلام نیز حق پناهندگی و فرصت شنیدن و تفکر و انتخاب آزادانه داده و می‌فرماید: ۶. «وَإِن أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أُلْغِهِ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی خواست، پس به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود؛ سپس او را به محل امنش برسان؛ این بدان سبب است که آنان گروهی هستند که نمی‌دانند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. حکایت شده که پس از الغای پیمان مشرکان، یکی از بت‌پرستان از حضرت علی علیه السلام پرسید: اگر کسی از ما بعد از گذشتن این چهار ماه بخواهد تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۳۲ پیامبر را ملاقات کند و مسائلی را با او در میان گذارد و یا سخن خدا را بشنود، در امنیت خواهد بود؟ حضرت پاسخ داد: آری؛ سپس آیه فوق را گواه آورد «۱». ۲. برخی مورخان حکایت کرده‌اند که پس از فتح مکه، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مشرکان جنایت کار نیز فرصت بازگشت به مکه و مطالعه داد، و به «عمیر بن وهب» که از آن حضرت دو ماه فرصت مطالعه می‌خواست، چهار ماه مهلت داد؛ البته معمولاً این افراد پس از تفکر و آشنایی با تعالیم حیات بخش اسلام، مسلمان می‌شدند «۲». ۳. در آیات پیشین دستور سخت‌گیری در مورد مشرکان داده شد، ولی در این آیه مطلب تعدیل و به نرمی با مشرکان برخورد شده است، و این روشی تربیتی است که شدت عمل را با نرمش

بیمیزند تا نسخه‌ای شفاف‌بخش به دست آید. ۴. هدف اسلام از برخورد با مشرکان گسترش حق، عدالت و توحید است؛ از این رو، به مخالفان پناهندگی و فرصت می‌دهد تا آزادانه در سرزمین اسلام رفت و آمد کنند و سخنان حق را بشنوند و به مطالعه و تفکر پردازند، تا شاید هدایت شوند. ۵. عامل مهم بی‌ایمانی و شرک، ناآگاهی است؛ همان‌گونه که سرچشمه اصلی ایمان، علم و آگاهی است؛ بنابراین، برای ارشاد مردم لازم است امکانات کافی برای مطالعه و اندیشه فراهم شود، تا به راه حق رهنمون شوند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۳۳ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. افراد دشمن حق پناهندگی مطالعاتی دارند. ۲. ریشه شرک، ناآگاهی است (پس سطح آگاهی افراد را بالا ببرید تا توحیدگرا شوند). ۳. به دشمنان اسلام فرصت مطالعه، تفکر و انتخاب آزادانه بدهید و در مدت مطالعه، سلامتی و امنیت آن‌ها را تضمین نمایید. *** خدای متعال در آیه ۷ به دلیل الغای پیمان مشرکان و موارد استثنای آن اشاره کرده و می‌فرماید: ۷. «كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَيْقَمُوا لَكُمْ فَاسْتَغْنُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و نزد فرستاده‌اش خواهد بود؟! مگر کسانی که کنار مسجد الحرام (با آنان) پیمان بسته‌اید، و تا هنگامی که با شما (بر عهد خود) پایدارند، پس (شما نیز بر عهد) آنان پایدار باشید؛ [چرا] که خدا پارسایان (خود نگهدار) را دوست دارد.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق اشاره شده که مشرکان نباید انتظار داشته باشند خدا و فرستاده‌اش پیمان آنان را لغو نکنند، در حالی که آنان بارها در عمل نشان داده بودند که هرگاه دستشان برسد، ضربه‌ای بر مسلمانان وارد می‌سازند. ۲. مقصود از نزد مسجد الحرام، همان منطقه حرم یعنی منطقه‌ای تا فاصله ۴۸ میلی اطراف مکه است که صلح حدیبیه و پیمان‌های پیامبر صلی الله علیه و آله با قبایل عرب در این منطقه بسته شد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۳۴. مقصود از گروهی که در این آیه به آن‌ها اشاره شده که اطراف مسجد الحرام با پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان بستند و بر پیمان خود وفادار ماندند، طوایفی مانند «بنو ضمره» بودند که ذیل آیه چهارم درباره آن‌ها سخن گفته شد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. وفای به عهد با دشمنان اسلام نیز لازم است؛ البته تا هنگامی که آنان به پیمان خود وفادارند. ۲. خدا انسان‌های پارسا را دوست دارد. ۳. خدا و فرستاده‌اش، پیمان مشرکان عهدشکن را به رسمیت نمی‌شناسند. *** خدای متعال در آیه ۸ به پیمان شکنی و فریبکاری مشرکان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸. «كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يُقْبَلُ فِيكُمْ إِلَّا وَالًا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ؛ چگونه (برای مشرکان پیمانی باشد) و حال آنکه اگر بر شما غالب شوند، درباره شما هیچ خویشاوندی و هیچ تعهدی را رعایت نمی‌کنند؟! شما را با دهان (و سخنان) شان خشنود می‌کنند، و حال آنکه دل‌هایشان امتناع می‌ورزد؛ و اکثر آنان نافرمان‌بردارند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مشرکان قریش اگرچه با پیامبر صلی الله علیه و آله و گروهی از مسلمانان خویشاوند تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۳۵ بودند «۱»، به این موضوع اعتنایی نمی‌کردند؛ همان‌گونه که پیمان خود را با پیامبر در عمل رعایت نمی‌کردند. «۲» ۲. در آیه فوق اشاره شده که دل‌های مشرکان با زبان‌شان همسان نیست؛ زیرا دل‌های آن‌ها پر از کینه و انتقام جویی و سنگدلی و بی‌اعتنایی به پیمان و رابطه خویشاوندی است، هر چند با زبان‌شان اظهار دوستی کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اکثریت مشرکان انسان‌هایی فاسق، فرمان‌گریز و دو چهره هستند. ۲. عمق کینه دشمن را در هنگام قدرت‌ش شناسید، نه در هنگام ضعف. ۳. فریب ظاهرسازی و تبلیغات دشمن را نخورید؛ آنان اگر بر شما تسلط یابند، اصول انسانی را رعایت نمی‌کنند. *** خدای متعال در آیه ۹ به مخالفت مشرکان با راه خدا و بدکاری آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۹. «اسْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ تَمَنَّا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۳۶ (مشرکان) آیات خدا را به بهای اندکی فروختند؛ و (مردم را) از راهش بازداشتند؛ برآستی چه بد است، آنچه را آنان همواره انجام می‌دادند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. حکایت شده که «ابو سفیان» غذایی تهیه کرد و گروهی را به مهمانی فراخواند، تا از این طریق دشمنی آنان را در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله بر انگیزد. برخی مفسران آیه فوق را اشاره به جریان یاد شده دانسته‌اند، ولی مفهوم آیه وسیع است و شامل موارد مشابه نیز می‌شود که افرادی برای حفظ منافع مادی خود از آیات الهی چشم‌پوشی کنند «۱». ۲. مشرکان، آیات الهی را با بهای ناچیز مادی معاوضه

کردند و از آنجا که آیات الهی ارزش زیادی دارد، متاع دنیوی در برابر آن بسیار ناچیز است؛ پس در هر صورت این افراد زیان کار شده‌اند. ۳. بدکرداری مشرکان بدین جهت بود که هم خود را از سعادت و هدایت الهی محروم ساختند و هم مانع سعادت دیگران شدند، و چه عملی از این بدتر است که انسان بار گناه خود و دیگران را بدوش کشد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. در برابر از دست دادن آیات الهی هر چه به دست آورید، اندک است. ۲. مشرکان را از مخالفت آنان با راه خدا و بدکرداری و دین‌فروشی آنها بشناسید. *** خدای متعال در آیه ۱۰ به تجاوزکاری و عهدشکنی مشرکان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۰. «لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ؛ درباره هیچ مؤمنی، هیچ خویشاوندی و تعهدی را رعایت نمی‌کنند؛ و تنها آنان تجاوزکارانند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۳۷ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق در حقیقت تأکید مطالب آیه هشتم همین سوره است، با این تفاوت که در آیه هشتم سخن از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بود، ولی این آیه از هر فرد با ایمان سخن می‌گوید. ۲. آیه فوق اشاره دارد که مشرکان با همه افراد با ایمان دشمنی دارند، و این مطلب می‌رود به مسلمانان نیست؛ بنابراین، اینان دشمنان حق، آیین توحید و همه مؤمنان هستند (۱). آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پیمان شکنی نوعی تجاوزگری است. ۲. مشرکان، حرمت و پیمان هیچ مومنی را محترم نمی‌شمارند. ۳. مشرکان را از پیمان شکنی و تجاوزگری آنان بشناسید. *** خدای متعال در آیه ۱۱ بار دیگر راه بازگشت را برای مخالفان اسلام می‌گشاید و می‌فرماید: ۱۱. «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفُصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛ و اگر توبه کنند، و نماز را به پا دارند، و [مالیاتِ زکات را بپردازند، پس برادران دینی شما هستند؛ و آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند، تشریح می‌کنیم.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۳۸ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه پنجم این سوره نیز مضمون آیه فوق آمده که در این‌جا مورد تأکید قرار گرفته است، و این خود از فنون فصاحت و بلاغت به شمار می‌رود که مطالب پر اهمیت با تعبیرهای گوناگون تکرار شود، و از آنجا که مسئله بت‌پرستی و ضربه نهایی بر پیکر آن در محیط اسلام و برچیدن آخرین آثار آن از مسائل بسیار مهم می‌باشد، قرآن این مطلب را با عبارتی جدید و نکاتی تازه تکرار کرده است. ۲. در آیه پنجم سوره توبه آمده بود: اگر مشرکان توبه کردند و وظایف خود را انجام دادند، مزاحم آن‌ها نشوید، و راهشان را باز گذارید؛ اما در این آیه می‌فرماید: اگر مشرکان توبه کردند، برادر دینی شما هستند و این لطف بالاتری نسبت به آنان است که عواطف و فکر آنان را برای پذیرش اسلام آماده‌تر می‌سازد. ۳. تعبیر «برادران دینی» که در آیه فوق به آن اشاره شده، یکی از لطیف‌ترین تعبیرها در مورد پیوند عاطفی و مساوات افراد جامعه است؛ یعنی همان‌گونه که میان برادران تفاوتی نیست و در حقوق با هم مساوی هستند و در مشکلات یار یکدیگر و به همدیگر محبت می‌کنند، مسلمانان نیز این‌گونه‌اند. ۴. در عصر حاضر، مسلمانان جهان نیاز شدیدی به رابطه عاطفی و مساوات دینی در قالب پیوند برادری دینی دارند، تا شکاف‌های قومی، نژادی و طبقاتی آنان را به برادری اسلامی تبدیل کند؛ اما صد افسوس که جامعه مسلمانان در عصر حاضر از این پیوند به دور افتاده و برادران دیروز، بر اثر غفلت و دسیسه‌های استعمارگران، در برابر هم صف کشیده‌اند و این یکی از اسرار عقب ماندگی مسلمانان است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۳۹ ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که اساس روابط عاطفی در اسلام، مکتب است و برادری دینی در کنار برادری خونی مطرح می‌باشد؛ یعنی ممکن است کسی برادر خونی ما نباشد، ولی برادر دینی ما باشد و نیز ممکن است کسی برادر پدری یا مادری ما باشد، ولی برادر دینی نباشد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. با توبه کنندگان برخوردی برادرانه داشته باشید. ۲. برادری حقیقی همان برادری عقیدتی و دینی است. ۳. نماز خواندن و زکات دادن، از نشانه‌های توبه واقعی و برادری دینی است. ***

پیشوایان کفر را بکشید

خدای متعال در آیه ۱۲ خواستار برخورد شدید با پیمان شکنان می‌شود و می‌فرماید: ۱۲. «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَتَمَّةً الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَأَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ؛ و اگر سوگندهایشان را پس از پیمانشان شکستند، و در دین شما طعنه

زدند، پس با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ [چرا] که آنان هیچ سوگندی برایشان (معتبر) نیست، تا شاید آنان (به کار خود) پایان دهند. نکته‌ها ۱. ظاهراً مقصود از «عهد» و «ایمان» در آیه فوق همان پیمان آتش بس مشرکان با مسلمانان است، و از آن جا که مشرکان در عمل این پیمان را نقض کرده و آمادگی نقض کامل آن را در آینده داشتند؛ از این رو، این پیمان دیگر ارزشی نداشت. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۴۰. به باور برخی مفسران، مقصود از آیه فوق یهودیان یا اقوامی مانند رومیان بودند که در آینده با مسلمانان درگیر می‌شدند و یا منظور افراد مرتد و یا قریش بودند؛ اما همه این احتمالات مردود است؛ زیرا مخاطبان آیات فوق مشرکان هستند و براساس سیاق روشن می‌شود که مقصود گروهی از بت پرستان اطراف مکه یا سایر نقاط حجاز بوده‌اند. که در عمل پیمانشان را نقض کرده بودند، هر چند که مفهوم آیه به یک گروه و یا یک عصر خاص منحصر نیست و آیه فوق در حقیقت یک دستور العمل همیشگی برای مبارزه مسلمانان با سران کفر است. ۳. در برخی احادیث، آیه فوق بر آتش فروزان جنگ جمل، یعنی ناکثین، تطبیق شده است. و این گونه احادیث از باب تطبیق بر مصادیق جدید در زمان‌های بعد است که وضعیتی مشابه مشرکان پیمان شکن داشته‌اند (۲). ۴. در آیه فوق بیان شده که با سران کفر مبارزه کنید و نمی‌گویید با کافران معمولی و توده مردم آن‌ها مبارزه کنید؛ زیرا آنان از پیشوایان کفر و سرچشمه‌های فتنه و فساد پیروی می‌کنند؛ بنابراین، ریشه را بسوزانید و همت بلند دارید که طرف اصلی شما سران کفر هستند. ۵. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام نقل شده که با اشاره به آیه فوق فرمودند: «طعن زندگان به دین کافران» (۳) تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۴۱ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. با پیمان‌شکنان و توهین‌کنندگان به دین، به شدت برخورد کنید. ۲. در مبارزه، به سراغ سران دشمن و مراکز فرماندهی آنان بروید و آن‌ها را از پای در آورید. ۳. هدف جهاد اسلامی پایان دادن به توطئه و عهدشکنی دشمنان اسلام است. *** خدای متعال در آیه ۱۳ با اشاره به عوامل جنگ با مشرکان، به مسلمانان هشدار می‌دهد از پیکار با دشمن نهراسند، و می‌فرماید: ۱۳. «أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ چرا با گروهی که سوگندهایشان را شکستند، و آهنگ اخراج فرستاده [خدا] کردند، پیکار نمی‌کنید؟! و حال آنکه آنان نخستین بار (پیکار) با شما را آغاز کردند؛ آیا از آنان می‌هراسید؟! اگر مؤمنید، پس خدا سزاوارتر است که از (مخالفت) او بهراسید.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. تعبیرات آیه فوق نشان می‌دهد در میان مسلمانان، گروهی وجود داشتند که از جنگ با دشمن و قدرت آن‌ها می‌ترسیدند که قرآن به آن‌ها هشدار می‌دهد. ۲. شاید که برخی مسلمانان می‌پنداشتند لغو پیمان با مشرکان صحیح نیست؛ از این رو، به آنان پاسخ داده می‌شود که مشرکان خود مقدمات پیمان‌شکنی را فراهم کردند و در جنگ پیش قدم شدند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۴۲. ظاهراً مقصود از «بیرون کردن فرستاده خدا» اخراج پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه در هنگام هجرت ایشان است؛ زیرا نخست قصد اخراج ایشان را داشتند؛ سپس نظرشان تغییر کرد و تصمیم به قتل او گرفتند و این موضوع بیان یک خاطره دردناک از جنایات بت پرستان است. ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که مشرکان پیمان‌شکن مهاجم بودند و مسلمانان نبردی دفاعی داشتند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اهداف جنگ و سوابق دشمن را برای رزمندگان بیان کنید تا انگیزه بیشتری برای پیکار داشته باشند. ۲. با پیمان شکنانی که به رهبر اسلام توهین کرده و آغازگر نبردند، پیکار کنید. ۳. مؤمن واقعی از (عذاب) خدا می‌هراسد نه از مردم. *** خدای متعال در آیه ۱۴ مسلمانان را به مبارزه با مشرکان فرا خوانده، نتایج آن را بر می‌شمرد و می‌فرماید: ۱۴. «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ؛ با آن (مشرک) ان پیکار کنید، تا خدا آنان را با دستان شما مجازات کند؛ و رسوایشان سازد و شما را بر آنان یاری گرداند و سینه‌های گروه مؤمنان را شفا بخشد.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. برخی مفسران بر این باورند که مقصود از «گروه مؤمنان» در این آیه، طایفه «بنی خُزاعه» می‌باشد که گروهی از بت پرستان ناجوانمردانه بر آنان حمله کردند و یا مقصود گروهی از مسلمانان یمن هستند که وقتی به مکه تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۴۳ آمدند، مورد آزار بت پرستان قرار گرفتند؛ اما بعید نیست آیه شامل همه مؤمنانی بشود که به نوعی تحت فشار بت پرستان قرار گرفته بودند. ۲. از

آیه فوق استفاده می‌شود که رزمندگان اسلام عوامل اجرایی الهی هستند که خدا به دست آنان دشمنانش را عذاب می‌کند. ۳. این که در آیه می‌فرماید: «با مشرکان بجنگید، خدا آنان را به دست شما عذاب می‌کند» بر جبر دلالت ندارد، بلکه منظور آن است که خدا قدرتی در اختیار رزمندگان اسلام گذاشته و نیت پاکی به آنان داده که می‌توانند با آزادی اراده این کار را انجام دهند؛ همان گونه که به دوست خود می‌گوییم: امیدوارم خدا با دست تو این کار را اصلاح کند. ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که سرنوشت مسلمانان در مسائل اجتماعی با هم پیوند دارد، و پیروزی گروهی، موجب شفا و آرامش دل سایر مؤمنان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. یکی از سنت‌های الهی آن است که خدا کارهای خود را از مسیر طبیعی آن انجام می‌دهد. ۲. جنگ با دشمنان اسلام دست کم چهار نتیجه دارد: پیروزی، عذاب دشمنان، رسوایی آنان و شفای دل مؤمنان. ۳. با دشمنان اسلام پیکار کنید تا نتایج شیرین آن را بچشید. *** خدای متعال در آیه ۱۵ به نتایج دیگر جهاد با دشمنان اسلام و باز بودن راه توبه اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۵. «وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ و خشم شدید دل‌های آنان را [از میان ببرد؛ و خدا توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می‌پذیرد؛ و خدا دانای فرزانه است.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۴۴ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه قبل یکی از نتایج مبارزه با دشمنان را «شفای دل مؤمنان» معرفی کرد و اینک در این آیه «فروکش کردند خشم دل مؤمنان» را یکی دیگر از آثار مبارزه معرفی می‌کند. ممکن است این مطلب نوعی تأکید باشد و یا جمله اول، به بهبودی ناراحتی‌ها و درد دل‌های مؤمنان اشاره کند و جمله دوم به آرامش دل آنان بر اثر شکست دشمن اشاره داشته باشد. آری جهاد و پیروزی موجب آرامش روحی و روانی و رفع نگرانی‌ها و تأمین کننده بهداشت روانی جامعه است. ۲. در آیه فوق اشاره شده که ممکن است برخی مشرکان در آینده توبه کنند و خدا توبه آنان را بپذیرد، و این نوعی بشارت به مسلمانان بود؛ از این رو، برخی مفسران آیات فوق را از اخبار غیبی قرآن دانسته‌اند؛ زیرا آنچه قرآن بیان کرد، به وقوع پیوست. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. جهاد کنید تا بهداشت روانی مومنان تأمین شود. ۲. خدا راه توبه و بازگشت را به روی دشمنان اسلام نیز باز گذاشته است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۵۴

آزمایش الهی و اهداف آن

خدای متعال در آیه ۱۶ به آزمون انسان‌ها از طریق جهاد و حفظ اسرار اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۶. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ آیا پنداشتید که رها می‌شوید، و حال آنکه خدا هنوز کسانی از شما را که جهاد کردند، و جز خدا و فرستاده‌اش و مؤمنان را، محرم اسرار تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۴۵ نگرفته‌اند، (از دیگران) معلوم نداشته است؟! و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره دارد که تنها با ادعای ایمان کارها سامان نمی‌یابد و شخصیت انسان روشن نمی‌شود مگر آن که با دو چیز آزمایش شود: نخست، مبارزه با دشمنان خارجی؛ یعنی جهاد در راه خدا. و دوم، مبارزه با دشمنان داخلی؛ یعنی حفظ اسرار و ترک همکاری با منافقان و دشمنان. «۱» ۲. مقصود از «دانستن خدا» در آیه فوق همان «تحقق خارجی مطلب» و نفی معلوم است؛ یعنی خدا هنوز معلوم نداشته است، و گرنه بر طبق دلایل عقلی و آیات قرآن، خدا از همه چیز آگاه است. ۳. مقصود خدا از آزمایش انسان‌ها کشف امور مجهول نیست، بلکه برای پرورش و شکوفا کردن استعدادها و آشکار کردن اسرار درون انسان‌هاست. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا با جهاد و حفظ اسرار، مسلمانان را آزمایش می‌کند. ۲. اسرار جامعه اسلامی را جز با خدا و رسول و مؤمنان در میان نگذارید. ۳. ادعای ایمان کافی نیست و در آزمایش‌هاست که مؤمنان واقعی شناخته می‌شوند. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۴۶ خدای متعال در آیه ۱۷ آباد کردن مساجد توسط مشرکان را ممنوع اعلام می‌کند و می‌فرماید: ۱۷. «مَيَّا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ؛ برای مشرکان سزاوار

نیست (و حق ندارند) که مساجد خدا را آباد کنند؛ در حالی که بر ضد خودشان به کفر گواهی می‌دهند! آنان اعمالشان تباه شده است؛ و آنان در آتش (دوزخ)، ماندگارند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. این آیه در باره مسجد الحرام است، ولی حکم آن به مسجد الحرام اختصاص ندارد و شامل همه مسجدها می‌شود. ۲. گواهی مشرکان بر کفرشان، از سخنان، کردار، مراسم عبادی و حج آنان آشکار می‌شد. ۳. شاید پس از لغو پیمان با مشرکان و فرمان مبارزه با آنان، یکی از موضوع‌هایی که مطرح شد، آن بود که حضور مشرکان و کمک‌های مالی آنان سبب آبادی مسجد الحرام می‌شود؛ پس چرا آن‌ها را برانیم. آیه فوق در پاسخ به این پندار اعلام می‌کند که اعمال مشرکان به خاطر کفرشان بی‌ارزش است، و از تیت‌های ناپاک، عمل پاک و محصول مفید خدا پسندانه به وجود نمی‌آید. ۴. عمران و آبادی مساجد شامل آبادی ساختمان و تأسیسات و نیز اجتماع و آبادی معنوی آن‌هاست. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که مشرکان نه حق شرکت در مساجد را دارند و نه می‌توانند در تعمیر و بنای ساختمان مساجد کمک کنند و همه این امور باید به دست مسلمانان انجام گیرد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۴۷. ۶. از این آیه و آیه بعد این مطلب نیز استفاده می‌شود که مسلمانان حق ندارند هدایا و کمک‌های مشرکان و کافران را برای ساختمان مساجد بپذیرند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. هر شخصی و هر سرمایه‌ای شایستگی ندارد که در راه آبادانی مساجد به کار گرفته شود. ۲. دست کفار را از مراکز مذهبی مسلمانان کوتاه کنید. *** خدای متعال در آیه ۱۸ شرایط پنج‌گانه آباد کنندگان مساجد را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱۸. «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُتَهَدِّينَ؛ تنها کسی مساجد خدا را آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده، و نماز را به پا داشته، و [مالیات زکات را بپردازد، و جز از خدا نهراسیده است؛ و امید است که اینان از ره‌یافتگان باشند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. دو شرط اول آباد کننده مساجد، یعنی ایمان به مبدأ و معاد، اعتقاد و زیر بنایی است و بدون آن‌ها هیچ عمل پاک، شایسته و خالصی از انسان سر نمی‌زند. ۲. شرایط سوم و چهارم آباد کننده مساجد، یعنی نماز خواندن و زکات دادن، از شرایط عملی است؛ یعنی آباد کننده مسجد، هم باید از راه نماز تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۴۸ ارتباطی استوار با خدا برقرار کند و هم پیوندش با خلق خدا از راه پرداخت زکات برقرار باشد. ۳. شرط پنجم آباد کننده مسجد آن است که قلبش مملو از عشق به خدا باشد، و تنها در برابر او احساس مسئولیت کند و از بندگان خدا نهراسد. ۴. همان‌گونه که ذیل آیه قبل بیان شد، مقصود از آباد کردن مساجد، هم آبادی مادی و هم معنوی است، و اموری مانند تعمیر، نظافت، فرش، روشنایی، تدریس، تبلیغ و عمران معنوی را در برمی‌گیرد. ۵. از آیه فوق با توجه به انحصاری که از واژه «انما» به دست می‌آید، استفاده می‌شود که پاسداران و سرپرست‌های مساجد نیز باید از میان انسان‌های مؤمن، شایسته کردار و شجاع انتخاب شوند و دست‌های ناپاک و آلوده از مراکز عبادی و محل اجتماع مسلمانان کوتاه گردد. بر در میخانه رفتن کار یکرنگان بود خود فروشان را به کوی می‌فروشان راه نیست (حافظ) ۶. این که در باره آباد کننده مساجد فرمود: «جز از نافرمانی خدا نهراسند» اشاره به آن است که آبادی و نگهداری مادی و معنوی مساجد، جز در سایه شهامت و شجاعت ممکن نیست و این‌گونه افراد هستند که می‌توانند مساجد را به کانون‌های انسان‌سازی و کلاس‌های عالی تربیتی و ضد ستم تبدیل کنند و تحت تأثیر هیچ قدرتی قرار نگیرند و جز برنامه‌های الهی در مسجد پیاده نکنند. ۷. در احادیث اسلامی بر اهمیت بنای مساجد تأکید شده است؛ همان‌گونه که در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: «هر کس مسجدی بنا کند، هر چند تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۴۹ به اندازه لانه مرغی باشد، خدا خانه‌ای در بهشت برای او خواهد ساخت.» «۱» و نیز در حدیث دیگری از ایشان نقل شده است: «هر کس چراغی در مسجدی برافروزد، فرشتگان و حمل کنندگان عرش الهی، تا هنگامی که نور آن چراغ در مسجد می‌تابد، برای او آموزش می‌خواهند.» «۲» ۸. در احادیث اسلامی برای کسانی که به مسجد رفت و آمد می‌کنند، بهره‌های فراوانی ذکر شده است؛ از جمله: پیدا کردن دوست و برادر دینی، آگاهی‌های مفید و ارشاد شدن، دوری از گناه، برخورداری از نعمت و رحمت الهی. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. آبادی مادی و معنوی مساجد منحصراً در اختیار انسان‌های مؤمن، شایسته کردار و شجاع

است. ۲. آبادی مساجد زمینه ساز رسیدن به (مراتب عالی) هدایت است. *** خدای متعال در آیه ۱۹ برتری مؤمنان مجاهد را بر خادمان مسجد الحرام یادآوری کرده و می‌فرماید: ۱۹. «أَجْعَلْتُمْ سَبْقَايَةَ الْحَيَاةِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَيْسَتْ أَوْلَىٰ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَيَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ آیا آب دادن به حاجیان، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (کار) کسی قرار دادید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده، و در راه خدا تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۵۰ جهاد کرده است؟! (این دو گروه) نزد خدا مساوی نیستند؛ و خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق در کتاب‌های شیعه و اهل سنت این گونه حکایت شده که «عباس» عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و «شعیبه» به یکدیگر افتخار می‌کردند و عباس به آب‌رسانی خود به حاجیان می‌بالید و شعیبه به کلیدداری و تعمیر مسجد الحرام افتخار می‌کرد. علی علیه السلام که سخنان آنان را شنید، فرمود: من با سن کم خود، به این افتخار می‌کنم که شما با جهاد من ایمان آوردید. عباس ناراحت شد و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام شکایت کرد و آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «سَبْقَايَةَ» به معنای «آب دادن»، «وسیله آب دادن»، «پیمانانه آب» و نیز «ظرف بزرگ آب» مثل حوض، آمده است. در مسجد الحرام، در میان چشمه زمزم و خانه کعبه محلی وجود داشته که به نام «سَبْقَايَةُ الْعَبَّاسِ» مشهور بوده است؛ گویا در آن جا ظرف بزرگی می‌گذاشتند، تا حاجیان از آن آب بردارند. ۲. منصب کلیدداری و آبادانی مسجد الحرام احترام فوق العاده داشت؛ زیرا کعبه مقدس‌ترین و بزرگ‌ترین کانون مذهبی حتی در زمان جاهلیت به شمار می‌آمد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۵۱. ۳. در سرزمین خشک حجاز غالب ایام سال هوا گرم است، و حاجیان نیاز شدیدی به آب دارند، و از این رو، منصب آب‌رسانی و سقایت حاجیان مهم بوده است و این مقام در ردیف منصب کلیدداری خانه کعبه به شمار می‌آمده است. ۴. از این که ایمان به خدا و قیامت در برابر آب‌رسانی و آبادانی مسجد الحرام قرار گرفته، استفاده می‌شود که آیه فوق بین حالت شرک و ایمان مقایسه می‌کند، و شاید از این رو باشد که در پایان آیه به هدایت نشدن ستمکاران اشاره شده است؛ زیرا اعمال نیک مشرکان نیز با ظلم شرک همراه بوده است «۱». ۵. آیه فوق در مورد امام علی علیه السلام فرود آمده است، ولی مطلب آیه منحصر به شأن نزول نیست و شامل برتری مجاهدان و مهاجران دیگر نیز می‌شود، هر چند علی علیه السلام بالاترین مصداق آیه است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. رزمندگان با ایمان از خادمان مسجد الحرام برترند. ۲. مومنان مجاهد را در ارزش‌های اجتماعی و ارائه خدمات با دیگران مساوی قرار ندهید. *** خدای متعال در آیه ۲۰ بار دیگر برتری مهاجران رزمنده و مؤمن را بیان کرده و می‌فرماید: ۲۰. «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَلَبُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ کسانی که ایمان آورده، و هجرت کرده، و در راه خدا با اموالشان و جان‌هایشان جهاد نمودند، نزد خدا رتبه‌ای بالاتر دارند؛ و تنها آنان کامیابند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۵۲ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق بیان کرده که ملاک برتری نزد خدا، سه چیز است: ایمان، هجرت و جهاد با مال و جان «۱». مترس از جان فشانی گر طریق عشق می‌پویی چو اسماعیل باید سرنهادن روز قربانی ۲. در آیه فوق اشاره شده که جهاد و کوششی در نزد خدا فضیلت دارد که در راه خدا باشد؛ یعنی با نیت صحیح و در راستای اهداف الهی صورت پذیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. رستگاری و سعادت تنها در سایه ایمان، هجرت و جهاد به دست می‌آید. ۲. مومنان مهاجر و مجاهد را تکریم کنید و آنان را (در امتیازها) بر دیگران برتری دهید. *** خدای متعال در آیات ۲۱ و ۲۲ به پاداش‌های رزمندگان مؤمن و مهاجر اشاره کرده و می‌فرماید: ۲۱ و ۲۲. «يُسَبِّحُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ * خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ پروردگارش آنان را مژده می‌دهد به رحمتی از جانب خویش، و خوشنودی و باغ‌های (بهشتی) که در آنجا نعمت‌های پایداری برای آنان است؛* در حالی که در آنجا جاودانه ماندگارند، براستی که خدا، نزدش پاداشی بزرگ است.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۵۳ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیات پیشین، سه ویژگی انسان‌های برتر یعنی ایمان، هجرت و جهاد طرح گردید و در این آیات، سه موهبت و پاداش به آنان یعنی رحمت، خوشنودی الهی و بهشت طرح گردیده است. ۲. در آیه فوق

پروردگار خود به رزمندگان بشارت می‌دهد، و این نشان دهنده عظمت و جایگاه رفیع آنان نزد پروردگار است. حریم عشق را در گه بس بالاتر از عقل است کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد (حافظ) ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که نعمت‌های بهشتی بر خلاف کالاهای دنیوی، پایدار و همیشگی است. بزن شمشیر و مُلک عشق بستان که ملک عشق، ملک پایدار است ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که مقام «رضوان» یعنی خشنودی خدا، از بزرگ‌ترین مواهب و مقاماتی است که خدا به مؤمنان مجاهد می‌بخشد، و این چیزی غیر از بهشت و رحمت الهی است (۱). آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. فرجام مومنان مهاجر و مجاهد، بهشت جاویدان، رضوان و رحمت الهی است. ۲. برای رزمندگان مؤمن و مهاجر پاداش‌های بزرگی در نظر بگیرد. ***

تقدم پیوند مکتبی بر پیوند خویشاوندی

خدای متعال در آیه ۲۳ به مؤمنان در مورد همکاری با پدران و برادران کافرشان هشدار داده و می‌فرماید: ۲۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَاتَتَّبِعُوا آيَاءَ كُفْرًا وَإِخْوَانَكُمْ أُولَئِكَ إِن سَبَّحُوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر پدران شما و برادرانتان، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، (آنان را) سرپرست و یاور مگیرید! و هر کس از شما که آنان را یاور و سرپرست (خود) قرار دهد، پس تنها آنان ستمکارند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. هنگامی که به مسلمانان دستور جهاد با کافران داده شد، برخی می‌دیدند خویشاوندانشان در میان مشرکان بت‌پرست هستند، که در صورت جنگ باید از آنان چشم‌پوشند. آیه ناظر به حال این افراد بوده و با بیان قاطعی به آنان هشدار می‌دهد. ۲. در آیه فوق اشاره شده کسانی که پدران و برادران کافر خود را به عنوان یاور برگزینند، ستمکارند؛ زیرا این افراد در اثر پیوند با بیگانگان و دشمنان خدا، هم به خویشان، هم به جامعه و هم به فرستاده خدا ستم کرده‌اند. دشمن اگر دوست شود چند بار صاحب عقلش بشمارد به دوست (سعدی) ۳. مقصود آیه بریدن پیوند دوستی و محبت با خویشاوندان و قطع رحم نیست، بلکه منظور آن است که بر سر دو راهی‌ها نباید دوستی خویشاوندان مانع اجرای حکم خدا و جهاد در راه او گردد و انسان را از هدف مقدسش باز دارد و از این رو است که در آیه ۱۵ سوره لقمان می‌خوانیم: «اگر پدر و مادر تو تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۵۵ اصرار دارند چیزی را که شریک خدا نمی‌دانی، برای او شریک قرار دهی، هرگز از آنان اطاعت مکن، ولی در زندگی دنیا با آنان به نیکی رفتار کن.» ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که پدران کافر بر فرزندان مسلمان ولایت ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. ضوابط مکتبی را بر روابط خانوادگی مقدم بدارید. ۲. هر کس ولایت کافران را بپذیرد، از ستمکاران به شمار می‌آید. *** خدای متعال در آیه ۲۴ به مسلمانان هشدار می‌دهد که هدف را از همه چیز مهم‌تر بدانند و می‌فرماید: ۲۴. «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ (ای پیامبر) بگو: «اگر پدران شما و فرزندان شما و همسرانتان و برادران شما و خاندان شما، و اموالی که آنها را به دست آورده‌اید، و داد و ستدی که از کسادی آن هراسناکید، و خانه‌هایی که به آن خشنودید، نزد شما از خدا و فرستاده‌اش و جهاد در راه او محبوب‌تر است، پس در انتظار باشید تا خدا فرمان (عذاب)ش را (به اجرا در) آورد! و خدا گروه نافرمان‌بردار را راهنمایی نمی‌کند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. هنگامی که به مسلمانان دستور جهاد داده شد، برخی به فکر پدران، برادران و فرزندان کافر خویش بودند که می‌بایست با آنان بجنگند، و برخی تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۵۶ دل‌گرو سرمایه‌ها و تجارت خویش داشتند که تا حد زیادی در دست مشرکان بود و با مسافرت‌های آنان به مکه رونق می‌گرفت و گروهی نیز که خانه‌های خوبی در مکه داشتند، از ویرانی یا تعطیلی آن‌ها در جنگ هراس داشتند. آیه فوق ناظر به حال این افراد بوده و به آنان سخت‌هشدار می‌دهد. ۲. در آیه فوق به سرمایه‌های هشت‌گانه زندگی مادی بشر اشاره شده است که چهار قسمت آن‌ها یعنی پدران، فرزندان، برادران و همسران، به گروه خویشان نزدیک مربوط است و قبیله نیز به گروه اجتماعی بشر مربوط می‌باشد و دو قسمت نیز به سرمایه و کار

انسان‌ها ارتباط دارند و سرانجام به مسکن و خانه‌های پر ارزش اشاره شده است. ۳. مقصود آیه فوق آن نیست که انسان سرمایه‌های اقتصادی و عواطف انسانی خود را نادیده بگیرد، بلکه منظور آن است که معیار ایمان واقعی را بیان کند. مؤمن واقعی کسی است که بر سر دو راهی حق و باطل، عشق به امور اقتصادی و زن و فرزند و خویشان، او را از خدا، پیامبر و جهاد باز نکند؛ مؤمن واقعی کسی است که امور اقتصادی در نظرش از دین او مهم‌تر نباشد. ۴. آیه فوق شامل همه مسلمانان در همه عصرها می‌شود؛ در جهان امروز نیز اگر مسلمانان برای جهاد آماده نباشند و منافع مادی خود را بر رضای خدا و رسول ترجیح دهند، آینده آنان تاریک خواهد شد و به خطر خواهند افتاد. ۵. ترجیح امور مادی بر خدا، پیامبر و جهاد، نوعی نافرمان‌برداری و فسق است، و این‌گونه دل‌باختگان زرق و برق زندگی مادی، شایستگی هدایت الهی را ندارند. ۶. در آیه فوق، با جمله‌ای مبهم و سربسته دل‌باختگان دنیا تهدید شده‌اند؛ یعنی کسانی که منافع مادی خود را بر رضای خدا مقدم می‌دارند، صبر کنند تا کیفر الهی برسد، و یا این‌که خدا پیروزی پیامبرش را از راه دیگری و به واسطه افراد شایسته‌تری تحقق بخشد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۵۷. ۷. در آیه فوق نفرموده است که خویشاوندان و سرمایه‌های مادی خود را دوست نداشته باشید، بلکه فرموده است آن‌ها را بیشتر از خدا و پیامبرش و جهاد دوست نداشته باشید. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مسلمانان آماده باشند، در راه اهداف عالی اسلامی از همه چیز و همه کس خود بگذرند. ۲. ایمان واقعی افراد بر سر دو راهی‌ها آشکار و شناخته می‌شود. ۳. رفاه‌طلبانِ مسئولیت‌گریز، مشمول هدایت الهی نمی‌شوند. ۴. دوستی خدا و رسول و جهاد نباید از دوستی خویشان و سرمایه‌هایشان بیشتر باشد. ***

جریان جنگ سخت حنین

خدای متعال در آیه ۲۵ به شکست مسلمانان در جنگ حنین با وجود جمعیت بسیار اشاره کرده و می‌فرماید: ۲۵. «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرٍ يُوَيِّئُ لَكُمُ الْغَزَا وَالْجَنَادَ وَيُسْهِئُ لَكُمُ السُّبُلَ وَيَصَدِّقُ لَكُمُ الْأَمْوَالَ وَيُبْرِئُ لَكُمُ الْأَيْدِيَ وَالْأَسْرَارَ» (لقد نصرکم اللہ فی مواطین کثیره و یویئ لکم الغزاه و الجناد و یسہئ لکم السبل و یصدق لکم الاموال و یبریئ لکم الایدی و الاسرار). نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. «حنین» نام سرزمینی در نزدیکی شهر طائف است که در سال هشتم هجری پس از فتح مکه، جنگی بین مسلمانان و باقیمانده مشرکان اطراف تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۵۸ مکه در آن منطقه رخ داد. در این جنگ سپاه اسلام به دوازده هزار نفر می‌رسید که ده هزار نفر از مسلمانان شرکت کننده در فتح مکه و دو هزار نفر از تازه مسلمانان بودند و سپاه دشمن از قبایل سرسختی همچون «هوازن» به سرپرستی «مالک بن عوف» تشکیل شده بود که توطئه کردند تا به مسلمانان حمله کنند. خبر چون به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، دستور داد سپاه اسلام به طرف حنین حرکت کنند. سپاه بزرگ اسلام که از کثرت جمعیت مغرور بودند، صبح گاهان حرکت کردند که با حمله ناگهانی دشمن غافلگیر شدند و پیشقراولان سپاه فرار کردند و نظم لشکر در هم ریخت؛ اما گروهی همچون علی علیه السلام مقاومت کردند و فراریان با فریاد عباس - عموی پیامبر - بازگشتند و سرانجام با یاری خدا سپاه دشمن شکست خورد و صد کشته، تعداد زیادی اسیر و غنائم بسیاری به جای گذاشت، و پس از جنگ نمایندگان قبیله هوازن خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و مسلمان شدند. ۱. «۱» ۲. واژه «مواطنین» جمع «مواطن» به معنای محلی است که انسان برای اقامت دائمی یا موقت خود انتخاب می‌کند. و به میدان نبرد نیز گفته می‌شود؛ زیرا رزمندگان برای مدتی در آنجا اقامت می‌کنند. ۳. مقصود از میدان‌های بسیار، جنگ‌هایی است که بین مسلمانان و دشمنان اسلام واقع شد. که گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله در آن‌ها حضور داشت و گاهی حضور نداشت که مجموع این جنگ‌ها (غزوه‌ها و سیرایا) به هشتاد مورد می‌رسد «۲». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۵۹. ۴. در جنگ حنین، پس از شکست ابتدایی، گروهی همچون علی علیه السلام و عباس و چند نفر دیگر که تعدادشان را چهار یا نه و یا صد نفر نوشته‌اند، در اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله ماندند، و

گروه زیادی از افراد تازه مسلمان یا افراد سست عنصر فرار کردند «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اگر امداد الهی نباشد، از سپاهیان فراوان نیز کاری ساخته نیست. ۲. مسلمانان از سرنوشت سپاه مغرور اسلام در جنگ حنین درس عبرت بگیرند. ۳. امدادهای الهی در صحنه‌های نبرد را یادآوری کنید (تا روحیه و ایمان رزمندگان تقویت شود). *** خدای متعال در آیه ۲۶ به پیروزی نهایی مسلمانان در جنگ حنین پس از امدادهای الهی اشاره کرده و می‌فرماید: ۲۶. «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلَّكَ جَزَاءَ الْكَافِرِينَ؛ سپس خدا آرامش خود را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان فرو فرستاد؛ و لشکریانی فرود آورد که آنها را نمی‌دیدید؛ و کسانی را که کفر ورزیدند، عذاب کرد؛ و این کیفر کافران است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «سکینه» در اصل از ماده «سکون» و به معنای یک نوع حالت آرامش و اطمینان است، که هرگونه شک، تردید، ترس و وحشت را از انسان دور می‌کند و او را در برابر حوادث سخت ثابت قدم می‌گرداند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۶۰ در برخی احادیث، «سکینه» به «ایمان» یا «نسیم بهشتی» معنا شده که با پیامبران الهی همراه بوده است «۱». این تعبیرها بدین جهت است که سکینه با ایمان رابطه دارد و مؤمنان هنگامی که به یاد لطف و مرحمت الهی می‌افتند، بر ایمانشان افزوده «۲» و موجی از امید در دل‌هایشان پدیدار می‌شود. ۲. مقصود از ارتش نامرئی خدا که در آیه فوق بدان اشاره شده، فرشتگان و نیروهای غیبی الهی است که برای تحکیم و تقویت روحیه مسلمانان و ایجاد نیروی استقامت در جان و دل آنان فرود می‌آمدند «۳». ۳. در آیه فوق آمده است که خدا سکینه و آرامش را «بر مؤمنان» فرود آورد و نفرمود «بر شما»؛ زیرا در میان جنگجویان مسلمان برخی افراد منافق و دنیاطلب بودند که سهمی از این آرامش نداشتند. ۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از دشمن ترس نداشت، با این حال، در آیه اشاره شده که سکینه و آرامش هم بر پیامبر و هم بر مؤمنان فرود آمد؛ زیرا پیامبر و مؤمنان به طور طبیعی از فرار لشکر اسلام نگران و مضطرب بودند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. سزای کفر کافران، عذاب الهی است. ۲. امدادهای الهی رمز پیروزی مسلمانان در جنگ حنین بود. ۳. برای پیروزی در جنگ، تقویت روحی و نیروی کمکی هر دو لازم است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۶۱ خدای متعال در آیه ۲۷ راه بازگشت و توبه را می‌گشاید و می‌فرماید: ۲۷. «ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مَنْ بَعْدَ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ سپس خدا- بعد از این (جنگ حنین)- توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می‌پذیرد؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق فعل «يَتُوبُ» به صورت مضارع آمده است که بر استمرار دلالت دارد؛ یعنی درهای توبه و بازگشت همواره بر اسیران و فراریان باز است و هر کس شایسته باشد و به توبه واقعی توفیق یابد و به سوی خدا بازگردد، مشمول لطف الهی می‌شود. ۲. درباره این که مقصود از «توبه» در آیه فوق چیست، سه احتمال از سوی مفسران مطرح شده است: یکم: توبه مسلمانان فراری از جنگ؛ دوم: توبه از غرور نسبت به فرونی جمعیت؛ سوم: توبه مشرکان اسیر شده. البته مفهوم آیه وسیع است و ممکن است همه این موارد نیز مورد نظر آیه بوده باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا همیشه آماده پذیرش توبه کنندگان است. ۲. توبه کنید و به آموزش و رحمت الهی امیدوار باشید. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۶۲

وظایف مسلمانان در برابر کافران

خدای متعال در آیه ۲۸ ورود مشرکان به مسجد الحرام را ممنوع اعلام می‌کند و می‌فرماید: ۲۸. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعِيدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تنها مشرکان پلیدند؛ پس نباید بعد از امسالشان، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، پس در آینده اگر خدا بخواهد، شما را از بخششش بی‌نیاز می‌سازد؛ [چرا] که خدا دانایی فرزانه است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. سوره توبه در سال نهم هجری و با اعلام براءت از مشرکان توسط امام علی علیه السلام آغاز شد. در بند چهارم اعلامیه‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام قرائت کرد، آمده بود که مشرکان حق ورود به مسجد الحرام و طواف کعبه را ندارند؛ این آیه نیز همین مطلب را بیان

می‌کند. ۲. واژه «نَجَس» به معنای هرگونه پلیدی است که گاهی به صورت حسی و گاهی به صورت باطنی می‌باشد و اساساً به هر چیزی که طبع انسان از آن متنفر است، نَجَس گفته می‌شود، از این رو، این واژه به دردهای مزمن، اشخاص پست و شرور و فرسودگی نیز گفته می‌شود، «۱» و از آنجا که واژه «نَجَس» معانی و مصادیق مختلفی دارد، نمی‌توان گفت این آیه بر نجاست و آلودگی ظاهری کافران مشرک دلالت دارد «۲». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۶۳. ۳. در آیه فوق به کسانی که می‌پنداشتند با نیامدن مشرکان به مکه، تجارتشان از رونق می‌افتد، پاسخ داده که خدا آن را جبران می‌کند؛ همان‌گونه که با گذشت زمان مشاهده گردید که با گسترش اسلام و روانه شدن سیل حاجیان به سوی مکه، این کمبود جبران شد و شهر مکه با آن که از نظر جغرافیایی در شرایط خشک و سنگلاخ قرار دارد، به صورت یک شهر آباد و یکی از کانون‌های تجارت در آمد. ۴. از آنجا که شرک یک خرافه تنفرآمیز و پلید است، اسلام با آن به شدت برخورد می‌کند و مشرکان را پلید معرفی می‌نماید. ۵. از دو صفت آخر آیه فوق استفاده می‌شود که احکام و قوانین الهی بر اساس علم و حکمت الهی استوار است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اجازه ندهید مشرکان حتی به مسجد الحرام نزدیک شوند. ۲. روزی شما به دست کافران گردشگر نیست، بلکه به دست خداست. ۳. اگر به خاطر دین و دستوره‌های الهی با کفار قطع رابطه کردید، از نظر مسایل اقتصادی نگران نباشید که خدا جبران می‌کند. ***

خدای متعال در آیه ۲۹ وظیفه مسلمانان را در برابر اهل کتاب (همچون یهودیان و مسیحیان) بیان کرده، می‌فرماید: ۲۹. «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَإِيْمَانٍ بِاللّٰهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۶۴ با کسانی پیکار کنید که از افرادی هستند، که کتاب (الهی) به آنان داده شده، که به خدا، و به روز بازپسین ایمان نمی‌آورند، و آنچه را خدا و فرستاده‌اش حرام کرده، ممنوع نمی‌دارند، و به دین حق متدین نمی‌شوند تا اینکه [مالیات جزیه را به دست خود پردازند، درحالی که آنان کوچکند]. نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. اسلام با مشرکان به عنوان «خرافه پرستان» به شدت برخورد می‌کند و خواستار جنگ با آن‌ها و ریشه کن نمودن آن‌ها می‌شود؛ اما در مورد اهل کتاب همچون یهودیان و مسیحیان، یک درجه تخفیف داده، اجازه می‌دهد در کنار مسلمانان زندگی کنند؛ البته در صورتی که تسلیم و حاضر شوند به عنوان یک اقلیت زندگی مسالمت‌آمیزی با مسلمانان داشته باشند و اسلام را محترم بشمرند و به تحریکات و تبلیغات مخالف اسلام دست نزنند و مالیات خاصی بنام «جزیه» پردازند؛ اما در صورتی که این شرایط را رعایت نکنند، اجازه پیکار با آنان را صادر می‌کند. ۲. واژه «جزیه» در اصل از ماده «جزا» گرفته شده و به معنای مالی است که غیر مسلمان در برابر حفظ مال و جان‌ش به واسطه حکومت اسلامی، به مسلمانان می‌پردازد و این یک نوع مالیات سرانه اسلامی است که افراد برای دفاع از موجودیت و استقلال و امنیت کشور می‌پردازند؛ البته از آنجا که مسلمانان وظیفه جهاد را بر عهده دارند، این مالیات بر عهده آنان گذاشته شده، ولی بر عهده افرادی همچون اهل کتاب که تحت حمایت حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، گذاشته شده است و از این رو است که کودکان، زنان، پیران و نایبانیان اقلیت‌های مذهبی از پرداخت آن معاف می‌باشند و چون این مالیات در برابر تأمین امنیت کافران تحت حمایت حکومت اسلامی است، اندازه مشخصی ندارد و مقدار آن متناسب با توانایی مالی مالیات دهندگان است.

تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۶۵. ۳. در آیه فوق اشاره شده که «اهل کتاب»، همچون یهودیان و مسیحیان، به خدا و قیامت ایمان ندارند؛ زیرا آنان به نوعی از شرک گرفتارند؛ همان‌گونه که در آیات بعدی اشاره خواهد شد که یهودیان «عزیر» و مسیحیان «عیسی» را پسر خدا می‌دانستند و نیز در مورد قیامت عقایدی تحریف شده دارند «۱». ۴. در آیه فوق به «رسول» و «دین» اشاره شده است؛ برخی مفسران احتمال داده‌اند که مقصود از آن دو حضرت موسی و عیسی و دین حقیقی آن‌ها باشد؛ اما ظاهر آن است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دین اسلام مراد است. ۵. در آیه فوق اشاره شده که همه پیروان کتاب‌های آسمانی پیشین، گرفتار انحراف‌های مذهبی و خرافات و آلودگی‌های حرام شده‌اند؛ «۲» بنابراین، باید فکر مذهبی خود را با اسلام نوسازی کنند. ۶. واژه «صاغرون» در اصل به معنای کسانی است که به کوچکی راضی شوند؛ یعنی کافران باید مالیات جزیه را به عنوان

خضوع در برابر اسلام بردارند که نشانه‌ای از همزیستی مسالمت‌آمیز و قبول موقعیت یک اقلیت تحت حمایت و احترام به اکثریت است. شایان توجه است که این تعبیر توهین نیست، بلکه در حقیقت اشاره به شرایط تحت حمایت بودن (اهل ذمه بودن) آن‌ها اشاره دارد؛ یعنی اقلیت‌های مذهبی حق ندارند تبلیغات ضد اسلامی داشته باشند، یا با دشمنان همکاری کنند و یا در راه پیشرفت مسلمانان سدی ایجاد نمایند که با روح خضوع سازگاری ندارد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۶۶ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. با کافران لجوج پیکار کنید تا تسلیم شوند. ۲. از کافران اهل ذمه، مالیات خاص (جزیه) بگیرید. *** خدای متعال در آیه ۳۰ به انحراف‌های عقیدتی یهودیان و مسیحیان اشاره کرده و می‌فرماید: ۳۰. «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ؟» و یهودیان گفتند: «عزیر پسر خداست.» و مسیحیان گفتند: «مسیح پسر خداست.» این سخن آنان است در حالی که با دهانشان [می‌گویند]، که به گفتار کسانی که قبلاً کفر ورزیدند شباهت دارد، خدا آنان را بکشد، چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوند! نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «عزیر» در اصل همان «عزرا» می‌باشد که در تاریخ یهودیان مطرح شده است؛ به این ترتیب که پس از حمله «بُخْتُ النَّصْر» - پادشاه بابل - و ویرانی شهرها و معبد‌های یهودیان و سوخته شدن تورات و کشتار، اسارت و انتقال آنان به بابل که حدود یک قرن به طول انجامید، و هنگامی که «کوروش» - پادشاه ایران - بر حکومت بابل پیروز شد، عزرا که یکی از بزرگان یهود بود، نزد کوروش رفت و شفاعت کرد که یهودیان به شهرهایشان بازگردند و تورات را بر اساس ذهنیات خود بازنویسی کرد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۶۷ یهودیان چون «عزرا» را نجات‌بخش آیین خویش می‌دانند «۱» و برای او احترام فوق‌العاده‌ای قائل‌اند، به او لقب «ابن‌الله» (: فرزند خدا) دادند. این لقب در اصل تشریفی بوده است ولی رفته رفته برخی از مردم عوام پنداشتند که به راستی عزیر پسر خداست. این تفکر در برخی از مردم زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز وجود داشت و از این رو، در برابر آیات قرآن که این مطلب را بازگو کرد، اعتراض نکردند. امروزه این تفکر انحرافی رفته رفته از میان یهودیان برچیده شده که در حقیقت، حاصل تلاش قرآن کریم در مبارزه با شرک و انحرافات است. ۲. در حدیثی آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله از یهودیان پرسید: «شما اگر عزیر را به خاطر خدمات بزرگش احترام می‌کنید و او را با نام پسر خدا می‌خوانید، پس چرا این نام را بر موسی که از عزیر بیشتر خدمت کرد، نمی‌گذارید؟» یهودیان از پاسخ فرو ماندند «۲». ۳. درباره عقاید مسیحیان در مورد عیسی علیه السلام و پاسخ‌های قرآن کریم در این باره، ذیل آیات ۱۷۲ نساء و ۱۷، ۷۲ و ۱۱۶ مائده سخن گفتیم و بیان کردیم که مسیح علیه السلام هرگز ادعای خدایی یا پسر خدا بودن نداشت و تنها خود را بنده و پیامبر خدا معرفی می‌کرد، و اصولاً معقول نیست که خدای نامتناهی و غیر مادی با یکی از مخلوقات مادی خود رابطه پدر و فرزندی داشته باشد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۶۸. ۴. در انجیل‌های مسیحیان پنج بار از «پسر خدا» یاد شده است «۱» که همگی در انجیل «مرقس» است؛ برخی موارد از قول ارواح پلید و یک نظامی رومی دشمن نقل شده و برخی موارد آن نیز بانسخه‌های قدیمی اختلاف دارد «۲» و محققان بر آنند که این اصطلاح (پسر خدا) نیز در اصل تشریفی و برای احترام بوده است ولی با گذشت زمان به معنای حقیقی آن متحوّل شده است «۳». ۵. در آیه فوق به یک حقیقت جالب اشاره شده که دانشمندان و محققان دین‌شناس پس از قرن‌ها از آن آگاه شدند، و آن مطلب این است که عقاید انحرافی اهل کتاب شبیه عقاید بت‌پرستان قدیمی همچون بودائیان و هندوان است و دانشمندان غرب به این نتیجه رسیدند که حتی عقیده «فرزند خدا» و تثلیث در کتاب‌های هندویی و بودایی یافت می‌شود «۴». ۶. تعبیر «قاتلهم الله» در اصل به معنای آن است که «خدا با آنان مبارزه کند و یا آنان را بکشد.» اما برخی مفسران بر آنند که این تعبیر کنایه از لعنت و دوری آنان از رحمت خداست «۵». ۷. از تعبیر قرآن استفاده می‌شود که سخنان یهودیان و مسیحیان درباره پسر خدا بودن عزیر و مسیح، نوعی زبان بازی است که خود آنان نیز بدان عقیده ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. عقاید یهودیان و مسیحیان در باره پیامبران، شرک‌آلود و انحرافی است. ۲. علیه کزروان و حق‌گریزان شعار دهید و نفرین کنید. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۶۹ خدای متعال در آیه ۳۱ به انحراف‌ها و

شرک عملی یهودیان و مسیحیان اشاره کرده و می‌فرماید: ۳۱. «اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَأِلَٰهَ إِلَّا هُوَ شَيْبَحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ (آنان) دانشمندان (نیکو اثر) خویش، و راهبان‌شان و مسیح پسر مریم را پروردگاران غیر از خدا قرار دادند؛ و حال آنکه به آنان فرمان داده نشده بود، مگر آنکه معبود یگانه را بپرستند، که هیچ معبودی جز او نیست؛ او منزّه است از آنچه (با وی) شریک می‌گردانند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. یهودیان و مسیحیان در برابر عالمان و راهبان «۱» خود سجده و عبادت نمی‌کردند؛ اما از آن‌جا که کورکورانه و بدون قید و شرط از آنان اطاعت و پیروی می‌کردند و حتی قوانینی که بر خلاف حکم خدا وضع می‌کردند، واجب می‌شمردند، در حقیقت آنان را بدون توجه عبادت و اطاعت می‌کردند، و از این رو است که به فرموده قرآن، آنان عالمان و راهبان را پروردگار خود قرار می‌دادند و این همان مطلبی است که در برخی احادیث نیز بدان تصریح شده است «۲». ۲. قانون‌گذاری مخصوص خداست و هیچ کس حق ندارد چیزی را برای مردم حلال یا حرام کند و تنها کاری که عالمان می‌توانند انجام دهند، کشف قانون‌های پروردگار و تطبیق آن‌ها بر موارد مورد نیاز است؛ بنابراین، اگر تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۷۰ شخصی قوانینی ضد احکام الهی وضع کند و کسی آن‌ها را به رسمیت بشناسد و بپذیرد و از آن‌ها پیروی کند، در حقیقت مقام خدایی برای قانون‌گذار بشری قائل شده است و این نوعی شرک عملی یا پرستش غیر خداست. ۳. در آیه فوق معبود دانستن مسیح در نظر مسیحیان جداگانه ذکر شده است؛ زیرا مسیحیان او را واقعاً خدای حقیقی می‌دانند «۱»، در حالی که نسبت به دانشمندان و راهبان خود، فقط اطاعت بی‌قید و شرط داشتند و از سوی دیگر، عقیده الوهیت در مورد مسیح مخصوص مسیحیان است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اطاعت بی‌قید و شرط از قانون‌گذاران بشری، نوعی عبادت غیر خداست. ۲. آیه به ما می‌آموزد که مواظب باشیم در مورد عالمان دین و پیامبران دچار غلو نشویم و آنان را در حد پروردگار بالا نبریم. ۳. سخن مشترک همه ادیان، توحید و نفی شرک است. *** خدای متعال در آیه ۳۲ تشبیه جالبی در مورد تلاش‌های بی‌نتیجه کافران علیه اسلام بیان کرده و می‌فرماید: ۳۲. «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَٰهًا أَن يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛ [کافران می‌خواهند که نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند؛ و [لی خدا جز این نمی‌خواهد که نورش را کامل کند، و گر چه کافران ناخشنود باشند.]. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۷۱ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق راه خدا و آیین اسلام و قرآن کریم به نور و روشنایی تشبیه شده که منشأ حیات، زیبایی، رشد، حرکت و آبادانی در زمین است. آری، اسلام آیینی حرکت آفرین است که جامعه انسانی را در مسیر تکاملی به پیش می‌برد و سرچشمه هر خیر و برکتی است. ۲. در آیه فوق تلاش دشمنان اسلام به «فوت کردن با دهان» تشبیه شده است؛ یعنی آنان می‌خواهند نور آفتاب را با دهان خود خاموش کنند و این نهایت حقارت تلاش یک مخلوق ناتوان را در برابر اراده و قدرت بی‌پایان الهی نشان می‌دهد. چراغی را که ایزد بفرورد هر آنکس پف کند ریشش بسوزد (سنایی) ۳. تعبیر «يُطْفِئُوا» در آیه هشتم سوره صف نیز آمده است، ولی در آن سوره با «لام» همراه است. برخی لغویین بر آنند که این تعبیر در آیه فوق به خاموش کردن بدون مقدمه و در آیه هشتم سوره صف به خاموش کردن همراه با مقدمات و اسباب اشاره دارد. که در هر دو صورت، این تلاش دشمنان اسلام با شکست روبه‌رو است. ۴. واژه «يَأْبَى» به معنای امتناع شدید و جلوگیری کردن از چیزی است؛ یعنی اراده حتمی پروردگار آن است که اسلام پیشرفت کند و تکمیل شود و این مژده‌ای برای مسلمانان است. ۵. از این که «يُرِيدُونَ» در آیه فوق به صیغه مضارع آمده است، استفاده می‌شود که توطئه‌های دشمنان علیه اسلام همچنان ادامه خواهد داشت. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۷۲ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. آیه به کافران هشدار می‌دهد که علیه اسلام تلاش نکنید که نافرمام است. ۲. فروغ الهی دین اسلام ادامه خواهد داشت، اگرچه کافران را ناخوش آید. ***

جهانی سازی مهدوی

خدای متعال در آیه ۳۳ به پیروزی جهانی اسلام اشاره کرده و می‌فرماید: ۳۳. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ

الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گر چه مشرکان ناخشنود باشند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «هدایت»، دلایل روشنی است که در آیین اسلام وجود دارد و مقصود از «دین حق» اسلام است که اصول و فروعش حق و تاریخ و مدارک آن نیز حق و روشن است. ۲. همراهی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با هدایت و دین حق که در این آیه بیان شده، گویا به دلیل پیروزی اسلام بر ادیان دیگر اشاره دارد؛ زیرا وقتی محتوای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت باشد و عقل بشر بر آن گواهی دهد و اصول و فروعش با حق موافق و طرفدار آن باشد، چنین آیینی به طور طبیعی بر همه ادیان جهان پیروز می‌گردد. ۳. هر چه دانش بشر پیشرفت کند و ارتباطات آسان‌تر شود، واقعیت‌ها چهره خود را از پشت تبلیغات مسموم بهتر نشان می‌دهد و موانع برطرف می‌شود و حق همه جا را فرا می‌گیرد و پیروز می‌شود، هر چند که دشمنان تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۷۳ مایل نباشند. آری، حرکت دشمنان حق بر خلاف مسیر تاریخ و سنت‌های آفرینش بوده و در نهایت، به شکست محکوم است. ۴. برخی مفسران بر این باورند که مقصود از پیروزی اسلام در آیه فوق، پیروزی منطقی و استدلالی است که اکنون در جهان آشکار شده است. برخی دیگر از مفسران با توجه به موارد استعمال ماده «اظهار» در قرآن، عقیده دارند که مقصود، پیروزی عملی، عینی و ظاهری است. اما به نظر می‌رسد که آیه فوق شامل پیروزی همه جانبه اسلام بر ادیان دیگر می‌شود که در تمام جهان تحقق خواهد یافت و این، واقعیتی است که با پیشرفت اسلام در جهان به تدریج در حال تحقق است. ۵. در احادیث متعددی آمده است زمانی محتوای آیه فوق تحقق می‌یابد که امام عصر- مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله- ظهور کند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «به خدا سوگند! هنوز تأویل محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم خروج کند و هنگامی که او قیام کند، کسی کافر و منکر خدا در جهان باقی نخواهد ماند.» (۱) البته روشن است که پیروزی منطقی و عملی اسلام از صدر اسلام آغاز شده و به تدریج در حال پیشرفت و تحقق یافتن است، و مقصود این احادیث آن است که تحقق کامل آیه فوق و پیروزی نهایی اسلام در زمان حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۷۴ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. دین حق و راه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در نهایت پیروز می‌شود و بر همه ادیان جهان غلبه می‌کند. ۲. در پی پیروزی نهایی دین حق باشید که فرجام تاریخ روشن است. ۳. ناخشنودی مشرکان مانع تحقق اراده الهی و پیروزی نهایی اسلام نیست. ***

ممنوعیت گنج اندوزی

خدای متعال در آیه ۳۴ به خلافکاری عالمان و راهبان یهود و مسیحیت اشاره کرده و با اعلام ممنوعیت زراندوزی، می‌فرماید: ۳۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُوا أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَيَصِفُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَمَّا يُنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را به ناروا می‌خورند، و (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند. و کسانی که طلا و نقره را می‌اندوزند، و آن را در راه خدا مصرف نمی‌کنند، پس آنان را به عذابی دردناک مژده ده!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. برخی دانشمندان و راهبان یهودی و مسیحی از چند راه اموال مردم را بدون مجوز و به صورت باطل می‌خوردند: نخست آن که حقایق دین موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام را کتمان می‌کردند تا مردم به اسلام روی نیاورند و هدایایی که به آنان می‌دادند، قطع نشود (۱). تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۷۵ دوم آن که با گرفتن رشوه جای حق و باطل را به نفع زورمندان عوض می‌کردند (۱). سوم آن که بهشت‌فروشی و گناه‌بخشی می‌کردند و مبالغی در برابر آن می‌گرفتند. ۲. در آیه فوق بیان شده که برخی دانشمندان و راهبان مسیحی و یهودی، مردم را از راه خدا باز می‌داشتند، شاید این مطلب در اثر روی آوردن آن‌ها به دنیا و خوردن اموال مردم بود، که سبب بدبینی و دور شدن آن‌ها از خدا می‌شد، و یا این که آیات الهی را تحریف می‌کردند و یا مخفی می‌نمودند و مردم را در گمراهی نگه می‌داشتند

تا منافع خود را حفظ کنند، و حتی به مخالفان خود اتهام می‌زدند و محاکمه و محکوم می‌کردند، و اگر چنین نمی‌کردند، شاید در جامعه امروز جهان میلیاردها کافر وجود نمی‌داشت. ۳. در آیه فوق فرمود: «کثیراً»؛ یعنی بسیاری از دانشمندان و راهبان، خلافکار هستند و نفرمود تمام آنان این‌گونه‌اند، تا حقوق اقلیت شایسته و سالم آنان محفوظ بماند. ۴. در آیه فوق زراندوزی و جمع‌آوری اموال و فراهم آوردن گنج سرزنش شده است؛ «۲» زیرا هدف و فلسفه اصلی پیدایش پول و طلا «۳» و نقره «۴» برای تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۷۶ گردش چرخ‌های اقتصاد و راحت شدن مبادلات است، ولی گنج‌اندوزی مانع این امر و موجب رکود اقتصادی و ضرر جامعه است. ۵. کیفر زراندوزان در آیه فوق عذاب الهی معرفی شده است، ولی این عذاب منحصر به روز رستاخیر نیست، بلکه مجازات‌های سخت دنیوی را نیز شامل می‌شود که در اثر پیدایش اختلاف طبقاتی دامان همگان را می‌گیرد. احوال گنج‌قارون کایام داد بر باد در گوش دل فرو خوان تا زر نهان ندارد (حافظ). ۶. برخی مفسران عقیده دارند هرگونه گردآوری ثروت که مازاد بر نیازمندی‌های زندگی باشد، گنج به شمار می‌آید و بر طبق آیه فوق حرام است، ولی برخی مفسران دیگر بر طبق احادیث اسلامی بر این باورند که اگر مالیات زکات اموال جمع‌آوری شده پرداخت شود، دیگر گنج به شمار نمی‌آید «۱». از سوی دیگر، در برخی احادیث از امام علی علیه السلام حکایت شده است که: «هر مالی بیش از چهار هزار (درهم) باشد، گنج است، چه زکات آن را پرداخته یا نپرداخته باشی و آنچه کم‌تر از آن است، هزینه زندگی به شمار می‌آید؛ بنابراین، ثروت‌اندوزان را به عذاب دردناکی بشارت ده.» «۲» در روایاتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «شیعیان ما فعلاً آزادند که از آنچه در دست دارند، در راه خیر انفاق کنند؛ اما هنگامی که قائم ما قیام کند، تمام گنج‌ها و ثروت‌های اندوخته را ممنوع می‌کند تا همه را نزد او آورند تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۷۷ و از آن در برابر دشمنان کمک گیرند؛ سپس به آیه فوق اشاره کردند.» «۱» اما از بررسی مجموع آیه و احادیث به دست می‌آید در شرایط عادی که جامعه اسلامی در وضع بحرانی نیست، پرداخت زکات کافی است و باقی‌مانده ثروت حلال، گنج به شمار نمی‌آید. اما در مواقعی که شرایط جامعه سخت باشد و حفظ مصالح جامعه اسلامی ایجاب کند، حکومت اسلامی می‌تواند محدودیتی برای جمع‌آوری ثروت قائل شود؛ همان‌گونه که از زبان امام علی علیه السلام و در حدیث مربوط به امام زمان علیه السلام نقل شد. ۷. از احادیث فوق و آیه استفاده می‌شود که مقصود از انفاق در آیه اعم از زکات و غیر آن است. ۸. در تاریخ آمده است که ابوذر آیه فوق را صبح و شام در برابر معاویه می‌خواند و در برابر عثمان به آیه فوق استدلال و زراندوزی را محکوم می‌کرد، «۲» تا آن‌جا که به رَیْذَه تبعید شد، و این صحابی بزرگ و راست‌گوی پیامبر صلی الله علیه و آله در راه اجرای این آیه در آن سرزمین خشک و سوزان، غریبانه جان باخت. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. برخی دانشمندان دینی یهود و مسیحیت از موقعیت خویش سوء استفاده می‌کنند و انحراف اقتصادی دارند. (شما این‌گونه نباشید) ۲. زراندوزی نکنید و بخل نورزید که موجب عذاب الهی است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۷۸ خدای متعال در آیه ۳۵ به کیفرهای زراندوزان اشاره کرده و می‌فرماید: ۳۵. «يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» [در آن روزی که در آتش جهنم، بر آن [سکه‌ها حرارت شدید داده می‌شود؛ و با آنها پیشانی‌هایشان و پهلوهای آنان و پشت‌هایشان را داغ می‌گذارند! (و به آنان می‌گویند): این چیزی است که برای خودتان اندوختید، پس بچشید آنچه را که همواره می‌اندوختید!] نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق به تجسم اعمال در رستاخیز اشاره دارد که اعمال انسان نابود نمی‌شود، بلکه در جهان دیگر در برابر انسان مجسم می‌شود و مایه سرور یا عذاب او می‌گردد. ۲. در آیه فوق، از میان اعضای بدن به داغ‌گذاردن بر سه عضو، یعنی پیشانی، پشت و پهلو اشاره شده است؛ شاید این بدان سبب باشد که انسان معمولاً با این سه عضو در برابر محرومان عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ یعنی زراندوزان گاهی صورت در هم می‌کشند و گاهی روی بر می‌گردانند و به آنان پشت می‌کنند و یا این که مقصود از صورت، جلوی بدن و مقصود از کمر، عقب بدن و مقصود از پهلو دو طرف بدن است. ۳. در آیه فوق اشاره شده که «آتش بر سکه‌ها می‌ریزند» و نفرمود که «سکه‌ها را داغ می‌کنند» تا نشان

دهد سکه‌ها زیر آتش به خوبی گداخته و سوزان می‌شوند، تا عذاب زراندوزان سنگ‌دل بیشتر گردد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۷۹ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. کيفر انسان‌های زراندوز با اعمال آن‌ها در دنیا متناسب است و به وسیله سکه‌ها عذاب می‌شوند. ۲. از اموال خود بخشش نمایید؛ زیرا هر گنج و ثروتی که در دنیا انفاق و زکات آن پرداخت نشود، در قیامت مایه عذاب انسان خواهد بود. *** خدای متعال در آیه ۳۶ مسلمانان را به جنگ با مشرکان و رعایت ماه‌های حرام فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۳۶. «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلُمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» در حقیقت، تعداد ماه‌ها نزد خدا [از] روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، در کتاب الهی، دوازده ماه است؛ که از آنها چهار [ماه حرام] است. این، دین استوار است؛ پس در این [ماه‌ها به خودتان ستم نکنید؛ و همگی با مشرکان پیکار کنید، همان‌گونه که [آنان همگی با شما می‌جنگند؛ و بدانید که خدا با پارسایان (خود نگهدار) است.]] نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «کتاب الله» در آیه فوق ممکن است قرآن، یا سایر کتاب‌های الهی، یا لوح محفوظ و علم خدا و یا کتاب آفرینش و صحنه هستی باشد که معنای اخیر با توجه به اشاره آیه به خلقت آسمان‌ها و زمین، مناسب‌تر است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۸۰. ۲. پس از خلقت منظومه شمسی، حرکت زمین به دور خورشید و حرکت ماه به دور زمین آغاز شد. هر بار گردش زمین به دور خورشید یک سال به شمار می‌رود که در طی آن، کره ماه تقریباً دوازده بار به دور زمین می‌چرخد که سی روز است و به آن «ماه» می‌گویند. این گردش‌ها تقویمی طبیعی و ارزشمند به دست می‌دهد که هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند. ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که خدا ماه‌های دوازده‌گانه را هنگام آفرینش جهان مقرر کرده است و این یک زمان‌بندی ثابت و طبیعی و همگانی است. ۴. ماه‌های حرام عبارت‌اند از: ذی القعدة، ذی الحجه، محرم و رجب که در این ماه‌ها جنگ حرام است و یک آتش‌بس طبیعی در میان مسلمانان برقرار می‌شود؛ البته اگر دشمن در این چند ماه حمله کند، مسلمانان حق دفاع دارند که در این صورت آتش‌بس از سوی دشمن نقض شده است «۱». ۵. برخی مفسران بر این باورند که ماه‌های حرام از زمان ابراهیم علیه السلام به یادگار مانده است و در عصر جاهلیت عرب هم به صورت یک سنت رعایت می‌شده است، «۲» و از برخی احادیث استفاده می‌شود که ماه‌های حرام در آیین موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام نیز وجود داشته است «۳». ۶. یکی از فلسفه‌های ممنوعیت جنگ در ماه‌های حرام آن است که در جنگ‌های طولانی، صلح موقت برقرار شود و هنگامی که جنگجویان در این چهار ماه، اسلحه را کنار گذاشتند و فرصت تفکر و گفتگو پیدا کردند، زمینه صلح دائمی و پایان جنگ بسیار زیاد می‌شود. آری، ممنوعیت جنگ در ماه‌های حرام، نشانه صلح‌طلبی اسلام است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۸۱. ۷. از آیه فوق استفاده می‌شود که زیان بی‌توجهی به ماه‌های حرام به خود انسان باز می‌گردد؛ زیرا باعث طولانی شدن جنگ‌ها و از دست رفتن فرصت صلح و عبادت و کار می‌شود. ۸. در آیه فوق اشاره شده که مشرکان بت‌پرست با همه پراکندگی که دارند، در یک صف با شما می‌جنگند؛ پس شما که اهل توحید و یگانگی هستید، سزاوارتر است با وحدت کلمه در برابر آن‌ها بجنگید. ۹. از این که آیه فوق به وحدت در برابر دشمن دستور می‌دهد، استفاده می‌شود که لازم است مسلمانان در مبارزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی خود در برابر دشمنان هماهنگ شوند آری، به فراموشی سپردن این فرمان وحدت‌آفرین سبب شکست مسلمانان و انحطاط آن‌ها در چند قرن اخیر شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اسلام (همان‌گونه که مکان امن مکه دارد) زمان امن (: ماه‌های حرام) نیز دارد. ۲. (فریب دشمن را نخورید و) با مشرکان به صورت متحد بجنگید. ۳. خدا با خود نگهداران پارساست. *** خدای متعال در آیه ۳۷ یکی از سنت‌های غلط اعراب جاهلی در مورد ماه‌های حرام را رد می‌کند و می‌فرماید: ۳۷. «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِّئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۸۲ جز این نیست که به تأخیر انداختن (و) جابه‌جا کردن ماه‌های حرام (افزایشی در کفر است؛ که با آن کسانی که کفر ورزیدند، گمراه می‌شوند؛ سالی، آن را حلال، و سال

[دیگر] آن را حرام می‌کنند، تا با تعداد آنچه خدا حرام کرده موافق سازند، و آنچه را خدا حرام کرده، حلال کنند. بدی کردارشان، برای آنان آراسته شده است؛ و خدا گروه کافران را راهنمایی نمی‌کند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «نسیء» در اصل به معنای «تأخیر انداختن» بوده، و مقصود آن است که اعراب جاهلی گاهی یکی از ماه‌های حرام را تأخیر می‌انداختند؛ یعنی به جای ماه مُحَرَّم، ماه صفر را انتخاب می‌کردند تا در سه ماه (ذی القعدة، ذی الحجه و محرم) پشت سر هم جنگ حرام نباشد؛ زیرا موجب تضعیف روحیه جنگی آنان می‌شد و فرصت غارت و جنگ نمی‌یافتند. یا مراد این است که چون ماه ذی الحجه در تابستان گرم قرار می‌گرفت، آن را به فصل دیگری منتقل می‌کردند تا هوا برای مراسم حج و تجارت مناسب‌تر باشد. ۲. تغییر ماه‌های حرام طی مراسمی در سرزمین منی و به واسطه یکی از سران قبیله بنی کنانه صورت می‌گرفت؛ یعنی پس از تقاضای مردم برای تغییر ماه‌های حرام، یکی از سران قبیله یاد شده در یک اجتماع بزرگ، آن تغییر را اعلام می‌کرد. ۳. تغییر ماه‌های حرام را قرآن زیاد شدن کفر شمرده است؛ زیرا که این عمل سبب می‌شد تا آتش جنگ‌ها همچنان فروزان بماند و مراسم حج بازیچه دست افراد شود و این مخالفت با دستورهای الهی و نوعی «کفر عملی» بود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۸۳. ۴. در آیه فوق اشاره شده که اعمال زشت این افراد در نظرشان زیبا جلوه می‌کرد؛ آری، هنگامی که انسان دانسته در راه خلاف کاری گام نهد، فروغ وجدان او کمرنگ و کمرنگ‌تر می‌شود و کار به جایی می‌رسد که به تدریج زشتی گناه در نظرش از بین می‌رود و حتی رفته رفته اعمال زشت در نظرش زیبا جلوه می‌کند. ۵. در آیات دیگر قرآن زیبا جلوه دهنده اعمال زشت در نظر انسان، معرفی و گاهی از «شیطان» و گاهی از «بتان» نام برده شده است «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. بازی کردن با قوانین الهی نوعی کفر است. ۲. ماه‌های حرام را جابه‌جا نکنید که موجب گمراهی است. ***

بسیج برای جهاد

خدای متعال در آیه ۳۸ با اشاره به جنگ تبوک، به سرزنش افراد سست عنصر پرداخته و می‌فرماید: ۳۸. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَقْلَمُونَ إِلَى الْأَرْضِ الْأَرْضِ أَرْضِ يَتَمُّ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما را چه شده، که هنگامی که به شما گفته شود: «در راه خدا (برای جهاد) بسیج شوید.» بر زمین سنگینی می‌کنید؟! آیا به جای آخرت، به زندگی پست (دنیا) راضی شده‌اید؟! و [حال آنکه کالای زندگی پست (دنیا)، در [برابر] آخرت، جز اندکی نیست.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۸۴ شأن نزول داستان نزول آیه فوق و چند آیه پس از آن، بدین قرار است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از بازگشت از طائف به سوی مدینه در سال نهم هجری، مردم را برای پیکار با رومیان فراخواند و این بار برخلاف روش نظامی خویش که مسیر و مقصد جنگ را مشخص نمی‌کرد، هدف نهایی را برای آنان آشکار ساخت تا رزمندگان آمادگی کامل داشته باشند؛ زیرا از سویی باید به طرف ابرقدرت آن زمان، یعنی امپراتوری روم شرقی، حرکت می‌کردند و به منطقه تبوک می‌رسیدند که در حدود ۶۰۰ کیلومتری مدینه در مرز شام (سوریه فعلی) بود و از سوی دیگر، فصل تابستان گرم و زمان برداشت محصولات بود، و رفتن به جنگ دشوار می‌نمود؛ از این رو، برخی مسلمانان سست عنصر دچار تردید شدند و خود را برای حرکت آماده نکردند. آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و با لحن کوبنده‌ای به مسلمانان هشدار داد و آنان را به جنگ تشویق کرد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. قرآن کریم با مقایسه ارزشی دنیا و آخرت، انسان‌ها را بر سر دوراهی قرار می‌دهد؛ آیا انسان به دنیای پست و کوچک راضی می‌شود یا به سوی جهان وسیع، با عظمت و جاویدان آخرت گام بر می‌دارد؟ بال بگشا و صفیر از شجر طوبی زن حیف باشد چوتو مرغی که اسیر قفسی (حافظ) تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۸۵. ۲. در آیه فوق از چهار طریق بر مسئله جهاد تأکید شده است: نخست، از راه خطاب به مؤمنان؛ دوم، از راه فرمان حرکت به سوی میدان جهاد؛ سوم، با تعبیر «در راه خدا»؛ چهارم، با استفهام انکاری در مورد معامله دنیا با آخرت. ۳. از آیه فوق به خوبی

استفاده می‌شود که دل‌بستگی مجاهدان به زندگی دنیا، آنان را در جهاد سست می‌کند؛ از این رو، مجاهدان باید انسان‌هایی پارسا و بی‌اعتنا به ظواهر دنیا باشند و بتوانند دل از محل زندگی کنده، به سوی میدان نبرد حرکت کنند. «۱» ۴. در دعای امام سجاد علیه السلام برای مرزبانان کشورهای اسلامی آمده است: «بار الها! هنگامی که مجاهدان در برابر دشمنان قرار می‌گیرند، فکر این دنیای فریبنده را از نظرشان دور فرما، و اهمیت اموال فتنه‌انگیز و دل‌ربا را از صفحه قلوبشان محو نما.» «۲» ۵. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره مقایسه دنیا و آخرت آمده است: «به خدا سوگند! دنیا در برابر آخرت همچون آن است که یکی از شما انگشت خود را به دریا بزند و سپس برآورد، و بنگرد چه مقدار از آب دریا را با آن برداشته است؟!» «۳» تا کی غم دنیای دنی ای دل دانا حیف است ز خوبی که شود عاشق زشتی (حافظ) آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. کالاهای دنیا در برابر آخرت اندک است. ۲. دل‌بستگی به دنیا مانع رفتن به جبهه و کمال یافتن انسان است. ۳. انسان برای ابدیتی بزرگ آفریده شده، پس شایسته نیست به دنیای کوچک راضی شود. *** خدای متعال در آیه ۳۹ سست عنصران جنگ تبوک را تهدید کرده و می‌فرماید: «۳۹. اَلَا تَنْفَرُوا يُعَذِّبُكُم عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبَدِّلُ قَوْمًا غَيْرُكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ اگر (برای جهاد) بسیج نشوید، [خدا] با عذابی دردناک شما را مجازات خواهد کرد، و گروهی غیر از شما را جایگزین (شما) می‌کند؛ و هیچ چیزی به او زیان نمی‌رسانید؛ و خدا بر هر چیزی تواناست.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق هشدار می‌دهد که گمان نکنند با پشت کردن به جهاد، پیشرفت اسلام متوقف می‌شود و می‌توانند ضرری برسانند. آری، خدایی که بر هر چیزی تواناست، می‌تواند گروه جدیدی را برای یاری دین خود برانگیزد. ۲. درباره تفسیر «گروه جدید»، برخی مفسران بر این باورند که منظور تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۸۷ ایرانیان و یا مردم یمن هستند که با شهادت‌ها و کوشش‌های خود سهم بزرگی در پیشرفت اسلام داشتند؛ البته این احتمال نیز وجود دارد که مقصود از آن‌ها تمام کسانی باشند که پس از نزول آیات فوق مسلمان شدند و با جان و دل در راه آن فداکاری کردند «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. برای جنگ بسیج شوید که کیفر ترک جهاد، عذاب دردناک الهی است. ۲. زیان ترک جبهه‌ها به خدا نمی‌رسد (بلکه خودتان گرفتار ذلت و شکست و زیان می‌شوید). ۳. خدا در هر زمانی با گروهی دین خود را یاری می‌کند و اگر شما لیاقت نداشته باشید، ملت دیگری را جانشین شما قرار می‌دهد. *** خدای متعال در آیه ۴۰ به امدادهای الهی نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده و می‌فرماید: «۴۰. اَلَا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هَمَّ بِفِي الْعُرَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَمَّا خَزَنَ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَمَا نَزَلَ اللَّهُ سَكِينَةً عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ اگر او، [یعنی پیامبر] را یاری نکنید، پس حتماً خدا او را یاری کرد، هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند، او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دو مین دو [تن بود؛ (همان) هنگام که آن دو در غار (ثور) بودند، تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۸۸ (همان) وقتی که به همراه خود می‌گفت: «غم مخور که خدا با ماست.» پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد؛ و او را با لشکرهایی که آنها را مشاهده نمی‌کردید، تأیید نمود؛ و گفتار (و برنامه) کسانی را که کفر ورزیدند، پست قرار داد؛ و تنها گفتار (و برنامه) خدا والاست؛ و خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. این آیه می‌فرماید خدای متعال پیامبرش را بارها با لشکریان نادیدنی یاری کرده که در آیاتی دیگر، از مواردی مانند امدادهای الهی در جنگ بدر و حنین یاد شده است «۱». ۲. در آیه فوق اشاره شده که خدا «سکینه» یعنی آرامش و اطمینان خود را بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آورد و در آیات دیگر قرآن نیز به این موضوع اشاره شده بود که در هنگام خطر و سختی، خدا آرامش خود را بر پیامبرش فرود می‌آورد «۲». ۳. در آیه فوق به جریان هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه اشاره شده و امداد الهی به پیامبر در آن موقع خطرناک و حساس یادآوری گردیده است. مشرکان مکه نقشه قتل پیامبر را کشیده بودند که با خوابیدن امام علی علیه السلام به جای ایشان، این توطئه خنثی شد و در نهایت، پیامبر صلی الله علیه و آله مجبور گردید مکه را ترک کند که در آیه به عنوان «اخراج پیامبر» از آن یاد شده است «۳». پیامبر اسلام برای بیرون رفتن از مکه و برای آن که مشرکان که در تعقیب

تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۸۹ او بودند، به ایشان دست نیابند، نخست به غار «ثور» رفت که در جنوب مکه و در جهت مخالف راه مدینه قرار داشت و پس از سه روز که مشرکان از جستجو ناامید شدند و خطر برطرف شد، به سوی مکه حرکت کرد و پس از چند روز به مدینه رسید. در این سفر «ابو بکر» نیز همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در آیه فوق به صورت سربسته و با عنوان مُصَاحِب و همنشین یا همسفر به او اشاره شده است. ۴. برخی مفسران قرآن بر این عقیده‌اند که آیه فوق فضیلتی برای ابوبکر است «۱». اما برخی دیگر از مفسران بر این باورند که آیه فوق در صدد مذمت شخصی همراه پیامبر صلی الله علیه و آله است که ناراحت بود و پیامبر ناگزیر شد او را دلداری دهد. ۵. مقصود از «کلمه» در آیه فوق می‌تواند برنامه، مکتب، هدف، گفتار و سنت و اراده الهی باشد «۲» که از برنامه و مکتب کافران برتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا حامی (اسلام و) رهبر آن است. ۲. آرامش، هدیه‌ای الهی است. ۳. سخن، اراده و برنامه الهی بالاتر از برنامه و سخن کافران است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۹۰ خدای متعال در آیه ۴۱ مسلمانان را به حرکت همگانی به سوی جبهه و جهاد فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۴۱. «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ سبکبار و گرانبار (به سوی جهاد) بسیج شوید، و با اموالتان و جان‌هایتان در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «خفاف» جمع خفیف و واژه «ثقال» جمع ثقیل است. این دو واژه معنای جامعی دارند که همه حالات انسان را در برمی‌گیرد؛ یعنی اگر مجرد باشید یا متأهل، جوان باشید یا پیر، بچه‌های کمی داشته باشید یا عیال‌وار باشید، ثروتمند باشید یا فقیر و بدون گرفتاری باشید یا گرفتار، در هر صورت لازم است در جهاد آزادی‌بخش شرکت جویند و همه کارها و بهانه‌ها را کنار بگذارید. ۲. آیه فوق مسلمانان را به جهاد همه‌جانبه و فراگیر با مال و جان فرا می‌خواند؛ زیرا مسلمانان در جنگ تبوک در برابر امپراتوری روم - یکی از ابر قدرت‌های آن زمان - قرار گرفته بودند و بدون یک جهاد همه‌جانبه پیروزی بر آنان ممکن نبود. ۳. جهاد و فداکاری در راه خدا، به نفع خود شماست، البته اگر به این مطلب توجه کنید که: جهاد کلید سربلندی و عزت و برطرف کننده ذلت است، و هیچ ملتی بدون جهاد به آزادی واقعی و عدالت نخواهد رسید، و راه رسیدن به سعادت جاویدان، شرکت در این جهاد مقدس است. ۴. حکایت شده که برخی اصحاب کهن سال پیامبر صلی الله علیه و آله همچون ابو ایوب انصاری، مقداد و ابو طلحه در سن پیری آماده حرکت به سوی جبهه تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۹۱ می‌شدند و هنگامی که به آنان گفته می‌شد: «شما سال خورده‌اید»، آیه فوق را تلاوت می‌کردند «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. با تمام توان مالی و جانی، در راه خدا بجنگید. ۲. همگان در بسیج عمومی و جهاد آزادی‌بخش اسلام شرکت نمایید. ***

نشانه‌های منافقان

خدای متعال در آیه ۴۲ به افراد فرصت‌طلب و منافق‌صفتی که از رفتن به جنگ تبوک خودداری می‌کردند اشاره می‌نماید و می‌فرماید: ۴۲. «لَوْ كَان عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَمَا تَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعِدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ اگر (بر فرض دعوت تو به سوی غنیمت) ناپایدار نزدیکی، و سفری کوتاه (و آسان) بود، حتماً از پی تو می‌آمدند؛ و لیکن (اکنون در مورد جنگ تبوک) آن راه پر مشقت بر آنان دور است. و بزودی به خدا سوگند یاد می‌کنند که: «اگر (بر فرض) توانایی داشتیم، حتماً همراه شما بیرون می‌آمدیم!» (آنان با کردار و گفتارشان) خودشان را به هلاکت می‌افکنند؛ و خدا می‌داند که آنان قطعاً دروغ‌گویند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق به منافقان و افراد سست‌عنصر در جنگ تبوک اشاره می‌کند که بخاطر فاصله دور آن با مدینه (ششصد کیلومتر) و هوای گرم تابستان و تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۹۲ فصل جمع‌آوری محصولات و دشمن قدرتمند، یعنی امپراتوری روم، بهانه‌جویی می‌کردند و با قسم‌های دروغ می‌خواستند از جهاد فرار کنند. ۲. آیه فوق در مورد منافقان تن‌پرور و فرصت‌طلب جنگ تبوک است که در سفرهای کوتاه و جنگ‌های پر

غنیمت با سپاه اسلام همراهی می‌کردند، ولی در جنگ‌های سخت و دور بهانه می‌آوردند و در نبرد شرکت نمی‌کردند؛ «۱» اما این موضوع منحصر به این جنگ و زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، بلکه در هر جامعه‌ای این گونه افراد وجود دارند که در هنگام راحتی، خود را شریک معرفی می‌کنند، ولی در سختی‌ها به کناری می‌روند و بهانه می‌آورند. ۳. منافقان و فرصت‌طلبان دو نشانه دارند: نخست آن که در سفرهای آسان و غنایم زودیاب با تو همراه‌اند، نه در سفرهای دور و جنگ‌های مشکل، و دوم آن که سوگندهای دروغ یاد می‌کنند تا از شرکت در جهاد فرار کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان تن‌پرور و فرصت‌طلب، در نهایت، خود را به هلاکت می‌اندازند. (نه دیگران را). ۲. منافقان را از راحت‌طلبی، جنگ‌گریزی و سوگندهای دروغشان بشناسید. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۹۳ خدای متعال در آیه ۴۳ به لزوم شناخت منافقان در هنگام نبردهای دشوار اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۳. «عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ؛ خدا تو را بخشید؛ چرا به آن (منافق) ان رخصت دادی، (و صبر نکردی) تا آنکه کسانی که راست می‌گویند برایت آشکار شوند و دروغ‌گویان را بشناسی؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیه فوق استفاده می‌شود که گروهی از منافقان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند و عذر و بهانه می‌آوردند، تا رخصت بگیرند و در جنگ تبوک شرکت نکنند و پیامبر به آنان رخصت داد؛ آنان با شرکت خود در نبرد نه تنها کمکی به مسلمانان نمی‌کردند، بلکه با سخن‌چینی و فساد و ایجاد نفاق بر مشکلات آنان می‌افزودند. «۱» ۲. در مورد آیه فوق دو تفسیر وجود دارد: نخست آن که پیامبر صلی الله علیه و آله با رخصت دادن به منافقان شاید مرتکب «ترک اولی شده باشد؛ زیرا اگر به آنان اجازه نمی‌داد در مدینه بمانند، ماهیت منافقانه آن‌ها زودتر روشن می‌شد؛ از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله گناهی مرتکب نشد، ولی رخصت ندادن به آن‌ها بهتر بود و به همین دلیل، لحن آیه سرزنش‌آمیز است. دومین تفسیر احتمالی آیه این است که عتاب و خطاب آیه فوق کنایی تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۹۴ بوده و روح نفاق منافقان را بیان کرده است؛ همان گونه که اگر ستمگری بخواهد فرزند شما را بزند و دوست شما دست او را بگیرد، شما به کنایه می‌گویید: چرا نگذاشتی بزند تا همگان این ستمگر را بشناسند. ۳. مقصود از شناسایی منافقان در آیه فوق آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله از راه علم عادی و با مدارک روشن آنها را بشناسد، آن گونه که مسلمانان نیز از نفاق آنان آگاه شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. در هنگام نبردهای سنگین، راست‌گویان از دروغ‌گویان بازشناخته می‌شوند. ۲. منافقان را از عمل‌کردشان در زمان جنگ بشناسید. *** خدای متعال در آیه ۴۴ شرکت در جهاد را یکی از نشانه‌های مؤمنان راستین معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۴۴. «لَمَّا يَسُدُّوا كَتِفَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ؛ کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، برای [ترک جهاد با اموالشان و جان‌هایشان، از تو رخصت نمی‌گیرند؛ و خدا به (حال خود نگهداران و) پارسایان داناست.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق به یکی از نشانه‌های مؤمنان راستین اشاره می‌کند که چون فرمان جهاد صادر می‌شود، بدون هیچ گونه سستی، به جبهه می‌شتابند و برای شرکت در جهاد رخصت نمی‌خواهند. «۱» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۹۵. ۲. در آیه فوق اشاره شده که ایمان به خدا و مسئولیت‌های مؤمنان در برابر او، و ایمان به رستاخیز و دادگاه عدل الهی، مؤمنان را به لبیک‌گویی در برابر فرمان جهاد فرا می‌خواند و از این رو است که بهانه و عذر وجود دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مؤمنان، آماده و گوش به فرمان جهاد داشته باشند (و بهانه‌جویی و فرصت‌طلبی نکنند). ۲. ایمان به مبدأ و معاد عامل حضور در جبهه و ایثار اقتصادی است. *** خدای متعال در آیه ۴۵ دو نشانه منافقان فرصت‌طلب اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۵. «إِنَّمَا يَسُدُّوا كَتِفَ الَّذِينَ لَمَّا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ؛ تنها کسانی از تو رخصت (ترک جهاد) می‌طلبند، که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند، و دل‌هایشان به شک افتاده است، پس آنان در تردید خویش، سرگردانند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق اشاره شده که این گروه هم به خدا و رستاخیز ایمان ندارند و هم به جهت حفظ ظاهر، خود را مسلمان جلوه می‌دهند و برای شرکت نکردن در جهاد از پیامبر صلی الله علیه و آله رخصت می‌گیرند تا کارهای خود را توجیه کنند. «۱» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۹۶. ۲.

در آیه فوق بیان شده که منافقان همواره در تردید، دودلی و شک به سر می‌برند و از این رو، گاهی قدم به پیش می‌نهند و گاهی باز می‌گردند؛ زیرا هدف و تصمیم آنان نامشخص است. ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که بهانه‌جویی و اجازه گرفتن برای شرکت نکردن در جهاد و نیز تردید و دودلی از نشانه‌های منافقان است. این دو نشانه مخصوص منافقان صدر اسلام و جنگ تبوک نبوده و اکنون نیز منافقان همین گونه‌اند. ۴. در آیه فوق اشاره شده که فرار منافقان از جهاد به دلیل ایمان نداشتن به مبدأ و معاد می‌باشد و از این رو است که آنان در کام تردید و شک فرو رفته‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. جنگ، میدان آزمون باورها و اعتقادات است. ۲. عامل فرار از جبهه، ایمان نداشتن به مبدأ و معاد است. ۳. منافقان فرصت طلب را در عمل کردشان به هنگام جنگ بشناسید. ***
 خدای متعال در آیه ۴۶ به بی‌توفیقی منافقان برای شرکت در جهاد اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۶. «وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ أَفْعَيْدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ؛ و اگر (بر فرض منافقان) می‌خواستند که (به سوی میدان جهاد) بیرون روند، حتماً وسیله‌ای برای آن فراهم می‌ساختند؛ و لیکن خدا از انگیزش آنان (برای جهاد) ناخشنود بود؛ پس آنان را باز داشت؛ و [به آنان گفته شد: «با فرونشستگان (از جهاد) بنشینید!»] تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۹۷ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق یکی دیگر از نشانه‌های دروغ‌گویی منافقان را بیان کرده است و در حقیقت، این آیه تکمیل و شاهد مطلب آیات قبل می‌باشد که به دروغ‌گویی آنان اشاره می‌کند. ۲. در مورد بخش پایانی آیه که به منافقان فرمان فرو نشستن می‌داد، برخی مفسران احتمال داده‌اند که مراد سخن خدا یا سخن پیامبر و یا ندای باطنی خودشان باشد، «۱» ولی بهتر است بگوییم: این یک فرمان تکوینی و به مقتضای عقیده فاسد و اعمال زشت منافقان است که به صورت سلب توفیق انجام می‌گیرد، نه منع عملی. ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که هر نیت و عملی اقتضایی دارد که خواسته یا ناخواسته دامن انسان را می‌گیرد، و هر کسی شایستگی و توفیق شرکت در کار بزرگ جهاد را ندارد، و خدا این توفیق را بهره انسان‌های شایسته می‌کند. ۴. برخی مفسران از آیه فوق استفاده کرده‌اند که مقدمه واجب واجب است؛ «۲» یعنی اگر منافقان قصد جهاد دارند، می‌بایست مقدمات آن را فراهم می‌کردند؛ البته می‌توان گفت این مطلب در این جا، نشانه‌ای بر تصمیم نداشتن منافقان است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان را به هنگام رفتن به جبهه بشناسید؛ زیرا آنان هرگز تصمیم به جهاد ندارند. ۲. شرکت در جهاد توفیقی الهی است که از ناهلان گرفته می‌شود. ***
 تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۹۸ خدای متعال در آیه ۴۷ به زیان‌های شرکت منافقان در جبهه اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۷. «لَوْ خَرَجُوا فِیْكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ بَیْعُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِیْكُمْ سَیْمَاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ؛ اگر (بر فرض منافقان در نبرد تبوک) با شما خارج می‌شدند، جز فساد (و اضطراب و تردید) بر شما نمی‌افزودند؛ و مسلماً به سرعت در بین شما به فتنه‌جویی (و تفرقه‌افکنی بین) شما می‌پرداختند؛ و در میان شما کسانی (جاسوس هستند که) برای آنان کاملاً گوش فرا می‌دهند؛ و خدا به (حال) ستمگران داناست.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق به این واقعیت اشاره دارد که شرکت نکردن منافقان در جبهه، نه تنها تأسف‌انگیز نیست، بلکه جای خوشحالی دارد؛ زیرا حضور آن‌ها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه سرچشمه مشکلات تازه‌ای نیز می‌شوند؛ یعنی حضور منافقان در جبهه، با روحیه‌ای فاسد و همراه تردید، اثری جز ایجاد تردید، شک و فساد در میان سپاهیان اسلام ندارد «۱». ۲. منافقان افرادی فتنه‌گر هستند که به سرعت موجب تفرقه و اختلاف در سپاه می‌شوند؛ آنان جاسوسی می‌کنند و به دوستان خود خبر می‌دهند. «۲» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۹۹ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. حضور منافقان در جبهه، عامل فتنه، تفرقه، تردید (و تضعیف روحیه) سپاهیان است. ۲. مراقب ساده‌لوحان سپاه و جاسوسان نفوذی منافقان باشید. ***
 خدای متعال در آیه ۴۸ به سابقه فتنه‌گری منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۸. «لَقَدْ ابْتِغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ؛ قطعاً (منافقان) پیش از (این نیز) فتنه‌جویی کردند، و کارها را بر تو دگرگون ساختند؛ تا آنکه حق فرا رسید، و فرمان خدا آشکار گشت، و حال آنکه آنان ناخشنود بودند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق یا به جنگ احد و کارشکنی‌های منافقان به رهبری «عبد الله بن ابی» اشاره دارد که از نیمه راه نبرد باز گشتند، و یا به سایر مواردی اشاره می‌کند که منافقان علیه پیامبر صلی الله علیه و

آله و مسلمانان توطئه کردند که غالباً در تاریخ ثبت شده است. ۲. در آیه فوق به پیامبر خطاب شده که منافقان می‌خواستند کارها را برای تو دگرگون و واقعیت‌ها را تحریف کنند و نقشه‌ها کشیدند تا اوضاع مسلمانان را درهم بریزند و آنان را از جهاد باز داشته، اطراف تو را خالی کنند، ولی هیچ یک از این توطئه‌ها به جایی نرسید. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۰۰. ۳. در آیه فوق اشاره شده هر گاه خدا بخواهد حق را پیروز کند، ناخشنودی دیگران نمی‌تواند تاثیری داشته باشد. ۴. آیات فوق گرچه در مورد منافقان صدر اسلام است، به زمان خاصی اختصاص ندارد و شامل حال منافقان در هر عصری می‌شود. آری، در هر جامعه‌ای گروهی منافق وجود دارند که می‌کوشند با سمپاشی‌های خود افکار مردم را درهم بریزند و وحدت را از بین ببرند و تخم تردید بپاشند، ولی اگر جامعه بیدار باشد و به جهاد و مراقبت همت گمارد، بی‌تردید با یاری خدا، همه نقشه‌ها خنثی می‌شود؛ زیرا پیروزی نهایی با پیروان حق است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. امدادهای الهی است که نقشه‌های منافقان را بر باد می‌دهد. ۲. منافقان را از فتنه‌گری و دگرگون نشان دادن کارها بشناسید. *** خدای متعال در آیه ۴۹ به بهانه‌تراشی منافقان برای ترک جهاد اشاره کرده و با تهدید کردن آن‌ها می‌فرماید: ۴۹. «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ اَنْذَنْ لِي وَلَا تَقْتُلْنِي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ؛ و از آن (منافق) ان کسی است که می‌گوید: «به من رخصت [ترک جهاد] بده، مرا به (گناه و) فتنه مینداز!» آگاه باشید که (هم اکنون) در فتنه (و گناه) سقوط کرده‌اند؛ و قطعاً جهنم، بر کافران احاطه دارد.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۰۱ شأن نزول داستان نزول این آیه چنین حکایت شده است که در هنگام آماده شدن مسلمانان برای جنگ تبوک، یکی از رؤسای طایفه «بنی سلمه» که منافق بود، به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: به من اجازه بده که در جهاد شرکت نکنم؛ زیرا به زنان علاقه دارم و می‌ترسم در جنگ با رومیان، دختران آنان را ببینم و مفتون شوم و دست از کارزار بکشم. پیامبر صلی الله علیه و آله به او رخصت داد در جهاد شرکت نکند و آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و بهانه‌تراشی این منافق را محکوم کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق به ما می‌آموزد که یکی از راه‌های شناخت منافقان، دقت در شیوه استدلال آنان و عذرهایی است که برای ترک انجام وظایف لازم خویش می‌آورند که اغلب به موضوع‌هایی جزئی و ناچیز می‌پردازند تا موضوع‌های کلی و مهم را نادیده انگارند. آنان با بهانه شبهه شرعی و نیفتادن به گناه، با رهبران الهی و فرمان جهاد مخالفت می‌کنند. ۲. مفسران درباره چگونگی احاطه جهنم به کافران چند دیدگاه دارند: - به باور برخی، این جمله کنایه از عوامل ورود به جهنم است؛ یعنی گناهان، کافران را احاطه کرده است. - برخی نه عقیده دارند که این مطلب برای بیان حوادث حتمی آینده می‌باشد؛ یعنی به طور حتم در آینده جهنم کافران را احاطه خواهد کرد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۰۲ - این احتمال نیز وجود دارد که جهنم هم اکنون در باطن جهان موجود و کافران را احاطه کرده است، هر چند هنوز فرمان تأثیر کردن آن صادر نشده؛ البته امکان دارد هر سه معنا مقصود آیه باشد و جمع آن‌ها منافاتی ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. فرجام منافقان کفر و آتش جهنم است. ۲. منافقان کافرکیش در فتنه‌گری غرق شده و آتش، وجود آنان را فرا گرفته است. ۳. منافقان برای فرار از جهاد و فریب متدینان، از بهانه‌های مذهبی استفاده می‌کنند. (پس مراقب آن‌ها باشید) ۴. منافقان را از جهاد گریزی و بهانه‌تراشی آنان بشناسید. *** خدای متعال در آیه ۵۰ با اشاره به سخنان منافقان، به یکی دیگر از نشانه‌های آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۵۰. «اِنْ تَصِيْبَكَ حَسَنَةٌ تَسُوْهُمُ وَاِنْ تَصِيْبَكَ مُصِيْبَةٌ يَقُوْلُوْا قَدْ اَخَذْنَا اٰمْرًا مِّنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَّهُمْ فَرِحُوْنَ؛ اگر نیکی به تو برسد، آن (منافق) ان را ناراحت می‌کند؛ و اگر مصیبتی به تو رسد، می‌گویند: «(ما تصمیم) کار خود را پیش از [این گرفته‌ایم.» و روی بر می‌تابند و حال آنکه آنان شادمانند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «نیکی» در آیه فوق اعم از غنائم جنگی یا پیروزی بر دشمن و یا پیشرفت‌های دیگر است. ۲. این که منافقان در برابر نیکی‌هایی که به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسد، ناراحت تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۰۳ می‌شوند، دلیل دشمنی باطنی و بی‌ایمانی آن‌هاست، و گرنه مؤمنان از شادی پیامبر دلشاد می‌شوند. ۳. در آیه فوق اشاره شده که منافقان گرافه‌گو و مدعی عقل، درایت و تدبیر هستند و گمان می‌کنند اگر در جبهه‌ای شرکت نکردند و طعم مشکلات را نچشیدند، زرنگی کرده‌اند، در حالی که خود را از مواهب الهی و

ثواب‌های او محروم کرده‌اند. ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان از حوادث تلخی که برای مؤمنان به وجود می‌آید، به نفع مقاصد خود سوء استفاده تبلیغاتی می‌کنند. ۵. آیه فوق خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است، ولی مطلب آن شامل مؤمنان حقیقی نیز می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان را در هنگام سختی‌ها و واکنش آنان در برابر حوادث تلخ و شیرین بشناسید. ۲. منافق در شادی مؤمنان ناخشنود و در ناراحتی آنان خشنود است. (پس او را بشناسید و مراقب وی باشید).***

رابطه سرنوشت و کوشش‌های ما

خدای متعال در آیه ۵۱ به گفتار منافقان پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: ۵۱. «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ بگو: «جز آنچه خدا بر ما مقرر داشته، به ما نمی‌رسد؛ او سرپرست ماست؛ و مؤمنان پس باید تنها بر خدا توکل کنند.»

تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۰۴ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره دارد که مؤمنان، تحت ولایت و سرپرستی خدا هستند و آنچه او مقرر کرده، به آن‌ها می‌رسد. آری، مولای حکیم و مهربان جز خیر و نیکی برای بندگانش نمی‌خواهد. ۲. آیه فوق بر جبر دلالت نمی‌کند و با اصل آزادی اراده و اختیار انسان منافات ندارد؛ زیرا سرنوشت انسان تا آن‌جا که به کوشش ما مربوط است، به دست خود ماست و آیات قرآن نیز بدین مطلب اشاره دارند؛ «۱» اما برخی مطالب خارج از دایره تلاش ما، تحت قدرت تقدیر الهی است که بر اساس قانون علیت، به علم، حکمت و اراده خدا منتهی می‌شود؛ البته این مقدرات بر اساس نظام احسن و مصلحت بندگان و بر طبق شایستگی‌هایی که افراد کسب می‌کنند، به صورت متناسب تقدیر شده است. ۳. آیه فوق در صدد بیان این مطلب است که اگر منافقان، خودشان با عقل ناقص برای خویشتن برنامه‌ریزی می‌کنند، برای مؤمنان خدای آن‌ها که مولا و سرپرستی حکیم و مهربان است، برنامه‌ریزی و تقدیر می‌نماید. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مؤمنان جز بر خدا تکیه نکنند. ۲. اعتقاد به تقدیر الهی را ابراز کنید (که موجب آرامش مومنان و ناامیدی منافقان می‌شود).*** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۰۵

خدای متعال در آیه ۵۲ به سرنوشت سعادت‌آمیز مؤمنان و فرجام عذاب‌آلود منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۵۲. «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ؛ بگو: «آیا برای ما، جز یکی از دو نیکی (پیروزی یا شهادت) را انتظار دارید؟! [ولی ما برای شما انتظار داریم که خدا، عذابی از نزد خود و یا به دست ما به شما برساند؛ پس انتظار بکشید، که ما (هم) با شما منتظریم!]] نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «احْدَى الْحُسَيْنَيْنِ» (یکی از دو نیکی) همان پیروزی بر دشمن و یا شهادت در راه خداست که هر دوی آن‌ها برای مؤمنان مایه افتخار و سعادت است. ۲. مهم انجام وظیفه است نه نتیجه: امام عارفان در این مورد می‌فرمایند: «این دنیا، چه خوش و چه ناخوش، خواهد گذشت و همه به سوی دار جزا خواهیم رفت؛ چه بهتر که عمر کوتاه را در راه خدمت به اسلام و مسلمین صرف کنیم تا در پیش‌گاه مقدس حق تبارک و تعالی سرافراز و در سلک خدمت‌گزاران در آییم ...» ۱» اگر انسان به وظیفه الهیه موفق شود، نتیجه حاصل است، چه به نتیجه منظوره برسد یا نه» ۲» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۰۶. ۳. آیه فوق به این حقیقت اشاره می‌کند که شکست و ناکامی در قاموس مؤمنان راه ندارد، و چه کشته شوند یا دشمن را شکست دهند، پیروزند. ۴. آیه فوق رمز اصلی همه پیروزی‌های مسلمانان صدر اسلام را بیان کرده است؛ مجاهدانی که با این روحیه به میدان می‌رفتند، هیچ‌گاه فکر فرار در سر نمی‌پروراندند و از هیچ‌کس نمی‌هراسیدند و بدین صورت بود که ارتشی شکست‌ناپذیر از مسلمانان پدید آمد. ۵. آیه فوق دو پیروزی مسلمانان را به صورت سر بسته بیان می‌کند، ولی دو شکست منافقان را توضیح می‌دهد؛ گویی مقصود از پیروزی‌های مسلمانان آن‌قدر روشن است که به توضیح نیاز ندارد. ۶. در برخی روایات اشاره شده که یکی از دو نیکی در حال صلح برای مؤمنان، رزق دنیا یا اجابت دعوت حق، و یا مرگ در راه اطاعت خدا یا درک زمان ظهور امام عصر (عج) است «۱». روشن است که این گونه احادیث مصداق‌های دو نیکی را در زمان‌های مختلف بیان می‌کنند. ۷. در آیه فوق اشاره شده که منافقان یا به دست مجاهدان اسلام کشته می‌شوند و به

دوزخ می‌روند، و یا بدون جنگ می‌میرند و گرفتار عذاب الهی می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مؤمنان هیچ‌گاه شکست نمی‌خورند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۰۷. ۲. پیروزی یا شهادت برای مؤمنان هر دو نیکی و سعادت است. ۳. سرنوشت منافقان در هر صورت عذاب آلود است. ۴. وظیفه خود را انجام دهید و به نتیجه کار نیندیشید که در هر صورت نیکی است. *** خدای متعال در آیه ۵۳ به بی‌ثمر بودن بخشش‌های منافقان و علت آن اشاره کرده و می‌فرماید: ۵۳. «قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْ كُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ؛ بگو: «خواه یا ناخواه (اموالتان را در جهاد) مصرف کنید، از شما پذیرفته نمی‌شود؛ [چرا] که شما گروهی نافرمان‌بردار بوده‌اید.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «فسق» در آیه فوق گناهی ساده و معمولی نیست، بلکه همان‌گونه که در آیه بعد اشاره شده - کفر، نفاق و یا آلوده شدن بخشش‌ها با ریاکاری مراد است «۱». ۲. آیه فوق به صورت جمله‌ای شرطی بیان شده است، ولی بر تحقق خارجی دلالت ندارد؛ یعنی ممکن است هیچ‌گاه منافقان با رضایت و میل در راه خدا انفاق نکنند و اگر انفاق کنند، پذیرفته نمی‌شود. ۳. حکایت شده است که در جنگ تبوک، منافقانی که در جهاد شرکت نکردند، می‌خواستند با کمک مالی به جبهه، خود را در پیروزی سهیم بدانند. ۴. پذیرفته نشدن بخشش‌های منافقان، یا بدین معناست که کمک‌های آنان در دنیا از آن‌ها گرفته نمی‌شود و یا آن‌که مورد قبول خدا و تکامل معنوی آنان و پاداش اخروی نمی‌شود؛ زیرا با روحیه نفاق و کفر همراه است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۰۸. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. نفاق و فسق مانع قبولی انفاق و بخشش است. ۲. دست از دو چهره بودن و نافرمانی بردارید تا بخشش‌های شما پذیرفته شود. ***

نشانه‌های دیگر منافقان

خدای متعال در آیه ۵۴ به علل عدم قبولی اعمال منافقان و نشانه‌های دیگر آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۵۴. «وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ؛ و هیچ چیز آنان را از پذیرفته شدن هزینه (و صدقه) هایشان باز نداشت، جز اینکه آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند، و نماز را به جا نمی‌آورند، جز در حالی که آنان کسب هستند، و (اموالشان را در راه جهاد) مصرف نمی‌کنند، مگر در حالی که آنان ناخشنودند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در این آیه، کفر مانع پذیرش بخشش دانسته شده است؛ یعنی ایمان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله شرط قبولی اعمال نیک می‌باشد. ۲. منافقان ایمان واقعی ندارند؛ از این رو، با عشق و علاقه به سوی نماز نمی‌روند، بلکه با اکراه نماز بجای می‌آورند؛ همان‌گونه که با اکراه بخشش می‌کنند، در حالی که مومنان این عبادت‌ها و بخشش‌ها را ذخیره آخرت می‌دانند و با علاقه انجام می‌دهند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۰۹. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. شرط پذیرش بخشش، ایمان است. ۲. منافقان را از دو نشانه «۱» کسالت در نماز و اکراه در بخشش بشناسید. ۳. نماز و بخشش ظاهری مردم شما را نفریبید؛ زیرا منافقان نیز این اعمال را انجام می‌دهند. ۴. منافق کافر است. *** خدای متعال در آیه ۵۵ به مایه عذاب بودن اموال و فرزندان منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۵۵. «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ؛ و (فزون) اموالشان و فرزندان آنان، تو را به شگفت نیآورد؛ جز این نیست که خدا می‌خواهد به وسیله آن [ها] در زندگی پست (دنیا) عذابشان کند، و جان‌هایشان بر آید در حالی که آنان کافرند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره دارد که منافقان با نیروی اقتصادی و انسانی که در اختیار آن‌هاست، معذب هستند؛ زیرا از سویی، فرزندان آنان معمولاً به افرادی ناصالح و مایه رنجش خاطر و ننگ آن‌ها تبدیل می‌شوند، و از سوی دیگر، اموال آنان که از طریق گناه به دست آمده، بی‌برکت و مایه دلبستگی آن‌هاست و در نهایت، به خاطر آن‌ها بی‌ایمان از دنیا می‌روند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۱۰. ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که عذاب الهی منحصر به آخرت نیست و در دنیا نیز ممکن است انسان‌ها با رنج و مشکلات عذاب شوند. ۳. در آیه فوق به «اراده خدا» اشاره شده است و این تعبیر برای بیان سنت‌های الهی به کار می‌رود؛ یعنی روش و سنت الهی آن است که ثروتمندان منافق

صفت را در دنیا عذاب کند. ۴. از تعبیر «تَرْهَقَ» استفاده می‌شود که جان دادن منافق بسیار دشوار است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اموال و فرزندان، وسیله مجازات منافقان و کشاندن آنان به کفر است. ۲. به اموال و فرزندان دل نبندید که برخی نعمت‌های ظاهری در حقیقت مایه عذاب انسان است. *** خدای متعال در آیات ۵۶ و ۵۷، به دو نشانه دیگر منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۵۶ و ۵۷. «وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْهُمْ لَمِنَّكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَعَارَاتٍ أَوْ مُدْخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ؛ و به خدا سوگند می‌خورند که آنان حتماً از شما هستند، و حال آنکه آنان از شما نیستند؛ ولیکن آنان گروهی هستند که می‌ترسند. * اگر (بر فرض) پناهگاهی یا غارهایی یا سوراخی می‌یافتند، حتماً به سوی آن روی برمی‌تافتند، در حالی که آنان شتابان می‌روند.»

تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۱۱ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق به ترس شدید منافقان اشاره شده است. «۱» آنان چون تکیه گاهی الهی در باطن خویش ندارند، همواره گرفتار وحشتی بزرگ هستند و چون از نافرمانی خدا نمی‌ترسند، از غیر خدا می‌ترسند، و از این رو است که کفر باطنی خود را پنهان می‌کنند و در ظاهر خود را مؤمن جلوه می‌دهند. ۲. آیه فوق با رساترین تعبیرها، ترس و دشمنی منافقان با مؤمنان را نشان داده است که (اگر منافقان به خاطر اموال و خانواده خود مجبور به ماندن نبودند) به غارهای کوه‌ها یا سوراخ‌های زمین فرار می‌کردند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. ترس شدید و سوگندهای دروغ از نشانه‌های منافقان است. ۲. سوگندهای منافقان شما را فریب ندهد؛ زیرا آنان از شما و موافق عقایدتان نیستند. ۳. زندگی منافقان با مسلمانان یک زندگی اضطرابی است و اگر فرصتی بیابند، از وضع موجود می‌گریزند. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۱۲ خدای متعال در آیه ۵۸ سوره توبه به عیب‌جویی منافقان نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و دنیاطلبی آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۵۸. «وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْتَحْطُونَ؛ و از آن (منافق) ان کسی است که در (تقسیم غنائم و) بخشش‌ها بر تو عیب‌جویی می‌کند، و اگر از آن (اموال، سهمی) به آنان عطا شود، راضی می‌شوند؛ و اگر از آن [ها] به آنان داده نشود، به ناگاه آنان به خشم می‌آیند.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق را این‌گونه روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول تقسیم اموالی (از غنائم) بود که یکی از افراد طایفه بنی تمیم فرا رسید و صدا زد: ای پیامبر، عدالت را رعایت کن! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وای بر تو! اگر من عدالت نکنم، چه کسی عدالت خواهد کرد؟!» در این هنگام عمر که در صحنه حاضر بود، به پیامبر گفت: اجازه بده که گردنش را بزخم، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه نداد و آیه فوق فرود آمد و به این گونه افراد اندرز داد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق، یکی دیگر از نشانه‌های منافقان بیان شده و آن، این است تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۱۳ که هرگز به حق خود راضی نیستند و می‌خواهند از منافع عمومی هر چه بیشتر بهره ببرند و دوستی و دشمنی آنان نیز بر محور منافع دور می‌زند و از هر کس از مال دنیا بیشتر به آنان بدهد، راضی می‌شوند و از هر کس عدالت و حق را رعایت کند، به خشم می‌آیند. ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که همه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله عادل نبوده‌اند، و حتی برخی منافق بوده‌اند و جسارت به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از آن‌ها صادر می‌شد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. آیه به رهبران الهی می‌آموزد که خود را برای مشکلات آماده کنند؛ زیرا لبه تیز حملات و تبلیغات منافقان به سوی رهبری است. ۲. منافق به منافع شخصی خود می‌اندیشد و به حق خود راضی نیست. ۳. تقسیم اموال و مسایل اقتصادی حساس است و افراد را در معرض تهمت قرار می‌دهد. *** خدای متعال در آیه ۵۹ راه صحیح برخورد با بیت المال را ارائه کرده و می‌فرماید: ۵۹. «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ؛ و اگر (بر فرض) آنان به آنچه خدا و فرستاده‌اش به آنان داده، راضی می‌شدند و می‌گفتند: «خدا ما را بس است؛ بزودی خدا و فرستاده‌اش، از بخشش خود به ما می‌دهند؛ برآستی که ما تنها به سوی خدا مشتاقیم.» (این برای آنان بهتر بود)» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۱۴ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق چهار صفت یا چهار مرحله برای انسان‌های قانع و راضی بیان شده است: یکم، تسلیم و رضایت به تقدیر الهی و تقسیم پیامبرش؛ دوم، اظهار رضایت به زبان؛ سوم، امید به فضل و کرم خدا و پیامبرش؛ چهارم، بی‌توجهی نسبت به دنیا و

رغبت به سوی خدا. ۲. آیه فوق با «لَوْ» آمده است، یعنی اگر بر فرض منافقان به تقدیرات الهی راضی می‌شدند که نمی‌شوند. ۳. آیه فوق در ادامه حالات منافقان است، اما در حقیقت روشی صحیح و راهبردی را در برخورد با تقدیرات الهی و تقسیم‌های پیامبر برای مؤمنان بازگو می‌کند. ۴. آیه فوق اشاره می‌کند که انسان‌ها از خدا و پیامبر طلب کار نیستند، بلکه هر چه به ما بدهند، از فضل و بخشش آنهاست. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که الطاف الهی از طریق پیامبر (و اولیای او) به ما می‌رسد و از این رو است که دو بار در کنار نام خدا، از پیامبر صلی الله علیه و آله یاد شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خیر انسان در رضایت و قناعت است. ۲. به بخشش‌های الهی و رهبری، اعتراض نکنید و به فضل الهی امیدوار باشید. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۱۵

موارد مصرف زکات

خدای متعال در آیه ۶۰ موارد مصرف زکات را بر می‌شمارد و می‌فرماید: ۶۰. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ زکات‌ها فقط برای نیازمندان و بینویان و کارکنان (جمع‌آوری کننده) آن، و دلجویی شدگان، و در [راه آزاد کردن بردگان، و بدهکاران، و در راه خدا، و اماندگان در راه است؛ [این،] واجبی از طرف خداست؛ و خدا دانایی فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «صدقات» از «صَدَقَهُ» و نشان دهنده صداقت در ایمان به خداست و مقصود از آن در آیه فوق «زکات واجب» می‌باشد؛ زیرا در پایان آیه از آن به عنوان «واجب الهی» یاد شده و صدقه واجب همان زکات است. ۲. واژه «فقیر» در اصل به معنای کسی است که ناداری، ستون فقرات او را می‌شکند و در این جا، به معنای کسی است که در زندگی خود کمبود مالی دارد، ولی شغل نیز دارد و نیاز خود را آشکار نمی‌سازد. ۳. واژه «مسکین» در اصل از ماده «سکون» گرفته شده؛ یعنی گویا کسی بر اثر شدت فقر ساکن و زمین گیر شده است؛ بنابراین، «مسکین» کسی است که نیازش شدیدتر بوده و شغلی ندارد و از این رو، نیاز خود را آشکار می‌سازد و از دیگران درخواست کمک می‌کند «۱». خرم آن کس که در این محنت گاه خاطری را سبب تسکین است ۴. مقصود از عاملان زکات، کارکنانی هستند که برای جمع‌آوری و اداره بیت المال مسلمانان کوشش می‌کنند و آنچه به آنان داده می‌شود، به عنوان مزد آنان است و از این رو، فقیر بودن در آنها شرط نیست. ۵. مقصود از گروه «مُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ» مسلمانان یا غیر مسلمانانی هستند که برای استفاده از همکاری آنان در جهاد و یا جذب کامل آنها به اسلام، کمک‌های مالی تشویقی به آنان داده می‌شود تا قلب‌های آنان جلب شود «۱». ۶. در آیه فوق آمده است که سهمی از زکات برای مبارزه با بردگی اختصاص می‌یابد و این نشان می‌دهد که اسلام می‌خواهد بردگی در جامعه بشریت ریشه کن شود؛ اما این کار به تدریج انجام می‌گیرد تا واکنش‌های نامطلوب اجتماعی نداشته باشد. ۷. مقصود از مصرف زکات «در راه خدا»، تمام راههایی است که به گسترش و تقویت دین اسلام می‌انجامد که شامل جهاد، تبلیغ و حتی کارهای عمرانی مانند مدرسه سازی و پل سازی می‌شود. ۸. مقصود از «واماندگان در راه» مسافرانی هستند که بر اثر حادثه‌ای یا هر عاملی در راه مانده‌اند و توشه و مرکب کافی برای رسیدن به مقصد ندارند، هر چند در شهر خود فقیر نباشند. این گونه افراد را باید با دادن زکات به آنها بی‌نیاز کرد تا به مقصد برسند. ۹. آیه فوق با واژه «أَنَّمَا» آغاز می‌شود؛ یعنی زکات فقط مخصوص همین هشت مورد است. این مطلب پاسخی بود به منافقانی که در مورد تقسیم بیت تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۱۷ المال از پیامبر عیب‌جویی می‌کردند و انتظار داشتند بدون استحقاق چیزی به آنان داده شود. ۱۰. در آیه فوق از چهار گروه با اضافه حرف لام یاد شده که نشانه ملکیت آنها بر زکات است، ولی در دو مورد کلمه «فی» آمده (و دو مورد نیز به آنها عطف شده) که نشان دهنده مورد مصرف زکات است. برخی مفسران بر این باورند که برای دو گروه یا چهار گروه دوم فقط جایز است از زکات استفاده کنند، ولی مالک آن نمی‌شوند، ولی برخی دیگر از مفسران، این چهار گروه دوم را ظرف واقعی زکات دانسته‌اند «۱». به هر حال، در دو موردی که «فی» آمده، یعنی بردگان و در راه خدا، اموال به خود بردگان داده نمی‌شود، بلکه در

راه خدا و در راه آزادی آنان صرف می‌شود. ۱۱. بر اساس سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، جایز است زکات به هشت قسمت مساوی تقسیم شود، ولی واجب نیست «۲»، به بیان دیگر، هدف از قانون مالیات زکات، رفع نیازمندی‌های گوناگون جامعه می‌باشد که مصرف آن به ضرورت‌های اجتماعی در موارد هشت‌گانه وابسته است. ۱۲. در تاریخ اسلام، دو دوران مشخص وجود دارد؛ دوران مکه که همت پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان صرف تعلیم و تربیت می‌شد و هر چند حکم زکات در آن دوران فرود آمده بود «۳»، حکومتی تشکیل نشده بود تا آن را جمع‌آوری کند و تنها خود مردم به پرداخت آن و بخشش‌های مالی دیگر اقدام می‌کردند. اما در دوران مدینه که حکومت اسلامی تشکیل و نیاز به بیت المال پیدا تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۱۸ شد، پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی خدا مأموریت یافت مالیات زکات را از مردم بگیرد و در موارد آن، مصرف کند «۱» و مشهور است که این قانون در سال دوم هجری تعیین شد. ۱۳. زکات چند نقش مهم در جامعه اسلامی بر عهده دارد: الف- تأمین بیت المال حکومت اسلامی که به وسیله آن نیازهای اقتصادی حکومت برآورده می‌شود. ب- حمایت از محرومان جامعه؛ ج- کمک به پرداخت هزینه‌های مجاهدان در جنگ و دفاع؛ د- ایفای نقش مالیات بر درآمد، تولید و ثروت‌های راکد؛ ه- تعدیل ثروت در جامعه؛ و- احیا کننده روح سخاوت و رحمت در انسان که نوعی تشکر عملی از خداست. ۱۴. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «اگر همه مردم زکات اموال خود را بپردازند، مسلمانی نیازمند باقی نمی‌ماند ... و مردم فقیر، محتاج، گرسنه و برهنه نمی‌شوند مگر به خاطر گناه ثروتمندان.» «۲» ۱۵. از احادیث و تاریخ اسلام استفاده می‌شود که اگر حکومت عدل اسلامی از اشخاصی، زکات را مطالبه کند و آنان مقاومت نمایند و سرباز زنند، مرتد به شمار می‌آیند و در صدر اسلام، در زمان ابو بکر گروهی از مسلمانان از پرداخت زکات سرباز زدند و با آنان مبارزه نظامی شد و حتی امام علی علیه السلام نیز در این مبارزه شرکت کرد و این گروه به نام «اصحاب رده» مشهور شدند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۱۹ ۱۶. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «کسی که یک قیراط [مقدار کمی از زکات را نپردازد، مؤمن و مسلمان نیست و ارزشی ندارد.» «۱» ۱۷. رعایت قانون زکات و پرداخت این مالیات موجب آبادانی کشور اسلامی و حفظ امنیت عمومی می‌شود و پرداختن آن، پیدایش شکاف‌های طبقاتی و به خطر افتادن اموال ثروتمندان را سبب می‌شود. یعنی هنگامی که فقیر در جامعه زیاد شود سرقت و ناامنی گسترش می‌یابد و همان ثروت‌های انباشته به خطر می‌افتد. بلاگردان جان و تن دعای مستمندان است که ببند خیر از آن خرمن که ننگ از خوشه چین دارد (حافظ) ۱۸. در روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده است: «اموال خود را با پرداخت زکات آن حفظ کنید.» «۲» و همین مضمون از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نیز حکایت شده است. ۱۹. نکته قابل توجه آن است که پرداخت زکات به اسلام اختصاص ندارد، بلکه در ادیان پیشین نیز وجود داشته است؛ همان‌گونه که از موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام حکایت شده است «۳». ۲۰. از آیه فوق استفاده می‌شود که مال می‌تواند در جذب دل‌ها مؤثر باشد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۲۰ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. همه اموال شما مخصوص خودتان نیست، بلکه دیگران نیز در ثروت ثروتمندان سهم دارند. ۲. اسلام دینی است که به دنیای مردم توجه کرده و قانون مالیاتی دارد که قانونی اجتماعی و اقتصادی است. ***

نشانه‌های دیگر منافقان

خدای متعال در آیه ۶۱ با اشاره به ویژگی‌های نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله، در مورد آزار به ایشان هشدار داده و می‌فرماید: ۶۱. «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلُوبِنَا أَدْنَىٰ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُونَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحِمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ و از آن (منافق) ان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: «او گوش (ی)، و خوش باور (است)!» بگو: «گوشی خوب بودن، به نفع شماست. [او] به خدا ایمان دارد؛ و مؤمنان را تصدیق می‌کند؛ و رحمتی است برای

کسانی از شما که ایمان آورده‌اند.» و کسانی که فرستاده خدا را آزار می‌دهند، برایشان عذابی دردناک است.» شأن نزول درباره داستان نزول آیه فوق نقل شده گروهی از منافقان درباره پیامبر صلی الله علیه و آله سخنان ناشایست می‌گفتند که یک نفر آنان هشدار داد: ممکن است این سخنان به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله برسد، و دیگری گفت: مهم نیست، ما هر چه می‌خواهیم می‌گوییم و اگر به گوش او رسیده نزد وی می‌رویم و انکار تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۲۱ می‌کنیم و او از ما می‌پذیرد؛ زیرا محمد آدم خوش باوری است که هر کس هر چه بگوید، می‌پذیرد «۱». آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و به این منافقان پاسخ داد. نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره دارد که آنان نقطه قوت پیامبر صلی الله علیه و آله را نقطه ضعف می‌پنداشتند و برای آزارش به او «اُذْن» یا خوش باور می‌گفتند. «۲» ۲. یکی از صفات لازم برای یک رهبر محبوب آن است که نهایت لطف و محبت را از خود نشان دهد و عذرهای مردم را بپذیرد و در مورد عیب‌های آنان، پرده‌داری نکند و آبرو و شخصیت آنان را حفظ نماید. و این نقطه قوت در پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشت. او بسیاری از چیزها را متوجه می‌شد، ولی به روی خود نمی‌آورد تا دروغ‌گویان رسوا نشوند و راه توبه بر آنان سد نگردد و مردم از اطراف او پراکنده نشوند. ۳. مفسران در مورد تعبیر «خیر لکم» دو احتمال داده‌اند: یکی این که او سخن‌پذیر خوبی به نفع شماست. و دیگر این که او سخنان مفید و نیک را به نفع شما می‌شنود (نه هر سخنی را) «۳» و عذرخواهی افرادی که به نفع آن‌ها و جامعه است، می‌پذیرد. هر دو احتمال می‌تواند مقصود آیه باشد، ولی احتمال اول ظاهرتر است. ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله دو برنامه داشت: نخست، تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۲۲ حفظ ظاهر و جلوگیری از پرده‌داری که در این مرحله به همه سخنان گوش می‌داد و انکار نمی‌کرد و دوم، برنامه عملی که در این مرحله تنها به فرمان‌های الهی و پیشنهادهای مؤمنان راستین توجه می‌کرد. ۵. در آیه فوق آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای مؤمنان رحمت است و در آیات دیگر قرآن می‌خوانیم که او برای تمام جهانیان رحمت می‌باشد «۱» و این یا به جهت درجات و مراتب رحمت است که برخی مراتب، همه جهانیان را شامل می‌شود و مراتب عالی به مؤمنان اختصاص دارد. و یا بدین جهت است که استعداد و زمینه استفاده از رحمت پیامبر صلی الله علیه و آله برای همه مردم وجود دارد، ولی فعلیت و تحقق آن برای مؤمنان است؛ رحمت او مانند بارانی است که به همه جا می‌بارد و هر کس به اندازه استعداد و ظرفیت خود از آن بهره می‌برد. ۶. از آیه فوق استفاده می‌شود که اذیت کردن پیامبر صلی الله علیه و آله با عیب‌جویی از او، گناهی بزرگ است. ۷. از آیه فوق استفاده می‌شود که برخی اصحاب منافق پیامبر صلی الله علیه و آله او را اذیت نیز می‌کردند؛ بنابراین، همه اصحاب عادل نبوده‌اند. ۸. مقصود از ایمان پیامبر صلی الله علیه و آله به مؤمنان، تصدیق سخنان آن‌هاست و این درسی برای همه مؤمنان است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. آیه به رهبران الهی و مبلغان دینی می‌آموزد که سعه صدر داشته باشند و به سخنان مردم گوش دهند و مایه رحمت برای آنان باشند. ۲. هر کس با سخنان خود رهبران دینی را اذیت کند، فرجامی عذاب‌آلود دارد. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۲۳ خدای متعال در آیه ۶۲ به یکی از نشانه‌های منافقان، یعنی سوگند ایشان، اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۲. «يَجْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ؛ (منافقان) برای شما به خدا سوگند یاد می‌کنند، تا شما را راضی سازند؛ در حالی که خدا و فرستاده‌اش سزاوارترند که راضی‌شان سازند، اگر مؤمن باشند.» شأن نزول درباره داستان نزول آیه فوق روایت شده گروهی از منافقان که به جنگ تبوک رفتند، به یکدیگر می‌گفتند: این مطالبی که محمد درباره اشراف ما می‌گوید و آنان را منافق می‌خواند، اگر راست باشد، آنان از چهارپایان بدترند، در حالی که آنان از نیکان ما هستند و برخی مسلمانان به آنان پاسخ دادند و این سخن را به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رساندند و ایشان آن منافق را خواست و از او پرسید که چرا چنین گفته‌ای؟ او سوگند یاد کرد که چنین نگفته است. در این هنگام آن مسلمان گزارشگر دعا کرد خدا راست گو را تصدیق و دروغ‌گو را تکذیب کند و آیه فرود آمد و وضع آنها را مشخص کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق به یکی از نشانه‌های منافقان اشاره کرده است که برای پوشاندن چهره خود، خلاف کاری‌ها را انکار می‌کردند و با توسل به سوگند دروغین،

مردم را فریب می‌دادند. ۲. در آیه فوق ضمیر «یُرْضُوهُ» به صورت مفرد آمده است، در حالی که بر طبق قاعده می‌بایست به صورت تشبیه بیاید تا به خدا و رسول باز گردد. این تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۲۴ تعبیر اشاره می‌کند که پیامبر از خود استقلالی ندارد و رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله از رضایت خدا جدا نیست؛ یعنی هر چه خدا پسندد او نیز می‌پسندد و رضا و خشم او برای خدا و در راه او است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان را از سوگندهای دروغ آنان بشناسید. ۲. فریب هر سوگندی را مخورید؛ زیرا گاهی مقدّسات، دستاویز نامقدس می‌شود. ۳. برای مؤمنان رضایت خدا و رسولش اصل است. ۴. رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله در راستای رضایت خداست. *** خدای متعال در آیه ۶۳ به منافقان و دشمنان خدا و رسول هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۶۳. «الَّذِينَ يَخْتَفُونَ مِنْ خَلْفِكَ وَأَنْتَ بِهِنَّ عَلِيمٌ» آیا ندانسته‌اند که هر کس با خدا و فرستاده‌اش به شدت مخالفت کند، پس برایش آتش جهنّم است؛ در حالی که در آنجا ماندگار است؟! این، (همان) رسوایی بزرگ است! نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «يُحَادِدُ» از ریشه «حَدَّ» به معنای طرف و نهایت چیزی است، و از آن جا که افراد دشمن و مخالفان در طرف مقابل قرار می‌گیرند، این واژه به معنای دشمنی نیز به کار می‌رود. برخی مفسران نیز گفته‌اند که این واژه به معنای محدود دانستن قدرت تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۲۵ خدا، یا به معنای سرسختی و تجاوز از قانون الهی و یا خود را طرف خدا دانستن است «۱». ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که سرنوشت مخالفت با خدا و رسول، یکی و آن دوزخ است؛ زیرا مخالفت با رسول، در حقیقت مخالفت با خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مخالفان خدا و رسول فرجامی عذاب آلود و رسوا دارند. ۲. اگر می‌خواهید از رسوایی و دوزخ نجات یابید، در برابر خدا و رهبران الهی صف آرایی نکنید. *** خدای متعال در آیه ۶۴ به ترس منافقان از افشای اسرار آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۶۴. «يَخْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تَنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُبَيِّنُ لَهُمْ مَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَخْرِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَاتَّخِذُونَ» منافقان بیم دارند که سوره‌ای بر ضدّ آنان فرود آید که آنان را از آنچه در دل‌هایشان است، خبر دهد. (ای پیامبر) بگو: «ریشخند کنید! که خدا برون آورنده (و فاش کننده) چیزی است که [از آن بیم دارید]. شأن نزول داستان نزول آیه فوق و دو آیه بعد از آن، این گونه روایت شده است که گروهی از منافقان نقشه کشیدند هنگام بازگشت از جنگ تبوک در یکی از گردنه‌های سر راه، شتر پیامبر صلی الله علیه و آله را رم دهند و او را بقتل رسانند؛ اما خدا تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۲۶ پیامبرش را از این توطئه آگاه کرد و با همکاری یارانی چون عمار و حذیفه که محافظت از ایشان را بر عهده گرفتند، توطئه منافقان خنثی شد و حذیفه آنان را دور کرد؛ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را به حذیفه معرفی کرد. حذیفه به پیامبر پیشنهاد کرد منافقان را به قتل برساند، ولی ایشان فرمودند: دوست ندارم عرب بگوید هنگامی که محمد بر یارانش پیروز شد، به کشتن آنان پرداخت «۱». آیات فوق بدین مناسبت فرود آمد و منافقان را به افشای اسرار آنان تهدید کرد «۲». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیه فوق استفاده می‌شود که خدا گاهی برای دفع خطر منافقان، پرده از روی اسرار آنان بر می‌داشت و آنان را معرفی می‌کرد تا مسلمانان بهوش بوده و منافقان نیز مواظب کردار خود باشند و از این رو بود که منافقان اغلب در یک حالت وحشت به سر می‌بردند. ۲. آیه فوق با جمله «هر چه می‌خواهید، مسخره کنید» در مقام تهدید منافقان است؛ همان گونه که انسان به دشمن می‌گوید: هر اندازه می‌توانی کارشکنی و اذیت کن، پاسخ آن‌ها را یک‌جا خواهم داد. ۳. مقصود از فرود آمدن آیه بر منافقان آن نیست که آیه‌ای بر شخص تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۲۷ آن‌ها نازل شود، بلکه مقصود آن است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله آیه‌ای درباره آنان و علیه آن‌ها نازل شود. ۴. در آیه فوق از واژه «سُورَةٌ» استفاده شده است. سوره در اصطلاح به مجموعه‌ای از آیات قرآن گفته می‌شود که معمولاً با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز می‌شود و با شروع سوره دیگر پایان می‌پذیرد. در قرآن کریم ۱۱۴ سوره وجود دارد که تنها سوره توبه با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز نمی‌شود. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان فهمیده بودند رسول خدا از طریق وحی از کار آنان آگاه می‌شود و بدین سبب در هراس بودند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان هر لحظه از افشا شدن چهره واقعی خویش نگران هستند. و در نهایت نیز رسوا می‌شوند. ۲. منافقان را از

ریشخندهایشان بشناسید که مسخره کردن (مؤمنان) یکی از شیوه‌های تبلیغی آنان است. *** خدای متعال در آیه ۶۵ به بهانه‌های منافقان و مسخره کردن مقدسات اشاره کرده و می‌فرماید: ۶۵. «وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ؛ و اگر از آن (منافق) ان پرسسی (چرا ریشخند می‌کردید؟! حتماً می‌گویند: «ما فقط همواره (در هر سخنی) فرو می‌رفتیم و بازی می‌کردیم.» (ای پیامبر) بگو: «آیا به خدا و آیات او و فرستاده‌اش همواره ریشخند می‌کردید؟!» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۲۸ شأن نزول داستان نزول آیه فوق این‌گونه حکایت شده که گروهی از منافقان در هنگام جنگ تبوک، پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله سخنانی مسخره‌آمیز می‌گفتند که تسخیر قصرهای شام محال است و احدی از مسلمانان از این جنگ باز نمی‌گردد. خداوند پیامبرش صلی الله علیه و آله را از این سخنان آگاه ساخت و پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله عمار از آنان بازخواست کرد، ولی آن‌ها سوگند یاد کردند و گفتند که ما شوخی می‌کردیم «۱». برخی مفسران نوشته‌اند آیه فوق مربوط به جنگ تبوک و توطئه ترور پیامبر است که یکی از منافقان می‌گوید: اگر توطئه فاش شد، چه کنیم؟ دیگری پاسخ می‌دهد: می‌گوییم شوخی بود «۲». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. برنامه منافقان آن است که با مسخره کردن مؤمنان و کارهای آنان، سمپاشی می‌کنند تا به اهداف شوم خود برسند و اگر رازشان فاش شود، خود را زیر نقاب شوخی پنهان «۳» و بهانه‌تراشی می‌کنند تا از مجازات فرار نمایند؛ منافقان عصر ما نیز همین برنامه‌ها را دنبال می‌کنند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۲۹. ۲. بازی و شوخی در جای خود مفید است؛ اما شوخی با مقدسات صحیح نیست؛ زیرا حقایق را در نظر مردم سست و کوچک می‌نماید و موجب جرئت و جسارت افراد علیه دین می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان به بهانه شوخی کردن، سمپاشی می‌کنند. ۲. شوخی کردن با مقدسات دینی جایز نیست. ۳. از منافقان در مورد کارهایشان بازپرسی کنید. *** خدای متعال در آیه ۶۶ به منافقان هشدار می‌دهد که دست از بهانه‌تراشی بردارند، و می‌فرماید: ۶۶. «لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ؛ عذر نیاورید، در واقع [شما] پس از ایمان آوردنتان، کفر ورزیده‌اید؛ اگر گروهی از شما را (بخاطر توبه) ببخشیم، گروه [دیگری را، بخاطر آنکه آنان خلافکار بودند، عذاب می‌کنیم!] نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیه فوق استفاده می‌شود گروهی از افرادی که ایمانی ضعیف داشتند، در بین منافقان بودند، ولی هنوز اعمال ناپسندی از آن‌ها سر زده بود و از این رو، مؤمنان مانند افراد مسلمان با آن‌ها برخورد می‌کردند؛ اما ماجرای تبوک یا جریان مسخره کردن سبب شد تا راه کفر در پیش گیرند. ۲. در آیه فوق اشاره شده که گروهی مورد عفو قرار گرفتند، و آن‌ها کسانی بودند که آثار جرم و گناه خود را با آب توبه شستند؛ همان‌گونه که در آیه ۷۴ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۳۰ همین سوره و در برخی احادیث نیز بدین مطلب اشاره شده و نام برخی از آن‌ها برده شده است «۱». ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که نفاق اگر به درجه‌ای برسد، از کفر سر در می‌آورد و برخی منافقان در حقیقت کافرند و برخی از آنان آن‌قدر خلاف کارند که لیاقت بخشوده شدن را نخواهند داشت. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. برخی از منافقان توبه کار قابل عفو هستند، ولی منافقان مجرم و خلاف کار به عذاب الهی گرفتار خواهند شد. ۲. بهانه‌تراشی منافقان خلاف کار بی‌فایده است؛ زیرا آنان در حقیقت کافرند. *** خدای متعال در آیه ۶۷ به پنج صفت دیگر منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۶۷. «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ مردان منافق و زنان منافق، برخی آنان از برخی [دیگر] اند؛ به [کار] ناپسند فرمان می‌دهند، و از [کار] پسندیده منع می‌کنند؛ و دست‌هایشان را (از بخشش فرو) می‌بندند؛ خدا را فراموش کردند، پس (خدا نیز) آنان را به فراموشی سپرد؛ براستی که تنها منافقان نافرمان‌دارند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۳۱ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق اشاره شده که ممکن است روح نفاق در مرد یا زن به وجود آید؛ بنابراین، فریب تغییر چهره‌ها را نخوریم، بلکه صفات منافقان را بررسی نماییم، و در هر کس وجود داشت، او منافق است. ۲. آیه فوق اشاره کرده که منافقان با همه تفاوت‌هایی که بین آن‌ها وجود دارد، با یکدیگر همبستگی دارند و همگی از یک باند هستند. ۳. برنامه منافقان بر عکس برنامه مؤمنان است؛ یعنی مؤمنان با امر به

معروف و نهی از منکر جامعه را از آلودگی‌ها پاک می‌کنند، ولی منافقان می‌کوشند فساد و آلودگی همه جا را بگیرد و کارهای پسندیده و نیک از جامعه برچیده شود؛ زیرا آنان در محیط آلوده بهتر می‌توانند به اهداف شومشان برسند. ۴. یکی دیگر از نشانه‌ها و صفات منافقان آن است که به کمک محرومان نمی‌شتابند و خویشان آن‌ها و مؤمنان از کمک‌های مالی خالصانه آن‌ها بهره‌مند نمی‌شوند؛ زیرا منافقان به آخرت ایمان ندارند. (پس اگر بخششی هم داشته باشند، با منت و ریاکاری همراه است). ۵. مقصود از این که «خدا منافقان را فراموش می‌کند». فراموشی واقعی نیست، بلکه این تعبیر کنایه از آن است که با آنان معامله شخص فراموشکار می‌شود؛ یعنی هیچ سهمی از رحمت و توفیق الهی به منافقان نمی‌رسد. ۶. براساس برخی روایات که از امام علی علیه السلام نقل شده، مقصود از آیه آن است که آنان خدا را در دنیا فراموش کردند و او را اطاعت نکردند و خدا نیز آنان را در آخرت فراموش کرد و ثوابی به آنان نداد (۱). روشن است که این تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۳۲ روایات برخی مصادیق و نمونه‌های فراموشی انسان و خدا را بیان می‌کند، ولی مفهوم آیه به این موارد محدود نمی‌شود. ۷. در آیه فوق فراموشی پروردگار با «فای تفریح» بر فراموشی منافقان عطف شده است؛ یعنی هنگامی که منافق خدا و فرمان‌هایش را فراموش می‌کند، اثرش آن است که خدا نیز آنان را از مواهب خویش محروم می‌سازد؛ پس این نتیجه عمل آنهاست. ۸. در پایان آیه فوق اشاره شده که منافقان، فاسق و نافرمان‌بردارند و این مطلب به روح قانون‌گریزی و قانون‌شکنی منافقان اشاره دارد. جالب این است که در عصر ما نیز در مورد منافقان همین صفات مشاهده می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. ترویج کارهای ناشایست و جلوگیری از خوبی‌ها و بخل و فراموشی خدا و قانون‌شکنی، از نشانه‌های منافقان است. ۲. خدا را فراموش نکنید که موجب محرومیت از لطف الهی و به فراموشی سپرده شدن شماست. *** خدای متعال در آیه ۶۸ به فرجام عذاب آلود منافقان و کافران اشاره کرده و می‌فرماید: ۶۸. «وَعَذَابُ اللَّهِ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارِ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ لَئِيمٍ مُّكِيمٍ؛ خدا به مردان منافق و زنان منافق و کافران، آتش جهنم را وعده داده است، در حالی که در آن ماندگارند؛ آن (آتش) برای آنان کافی و خدا تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۳۳ آنان را از رحمت خود دور ساخته؛ و برایشان عذابی پایدار است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق اشاره شده که برای منافقان و کافران، آتش دوزخ کافی است و آنان به مجازات دیگری نیاز ندارند؛ زیرا در دوزخ انواع عذاب‌ها وجود دارد. ۲. در آیه فوق «لعنت الهی»، یعنی دوری افراد از رحمت خدا، به عنوان یک عذاب معرفی شده است. آری، دوری از خدا، خود دردناک‌ترین کیفر برای کافران و منافقان به شمار می‌آید؛ زیرا: - کسی که از خدا دور است، از مواهب و نعمت‌های بهشتی نیز دور است. - کسی که از خدا دور است، از پیامبران و اولیای الهی نیز دور است. - کسی که از خدا دور است، به دوزخ و عذاب نزدیک است. - کسی که از خدا دور است، با دوزخیان و آلودگان هم‌نشین است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. سرنوشت شوم کافران و منافقان یکسان است و هر دو به عذاب و لعنت الهی گرفتار می‌شوند. ۲. کافران و منافقان را لعنت کنید؛ همان‌گونه که خدا آن‌ها را از رحمت خویش دور می‌سازد. ***

از سرنوشت گذشتگان عبرت آموزید

خدای متعال در آیه ۶۹ به تکرار تاریخ در مورد منافقان و زیان کاری آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۶۹. «كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَائِقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَائِقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۳۴ (شما منافقان)، همچون کسانی هستید که پیش از شما بودند، [آنان از شما نیرومندتر، و دارای اموال و فرزندان بیشتری بودند، و از بهره‌شان استفاده کردند؛ و [شما نیز] از بهره‌تان استفاده کردید، همانند کسانی که پیش از شما از بهره‌شان استفاده کردند؛ و (شما در کفر و نفاق و مسخره کردن مؤمنان) فرو رفتید، همانند کس [ان] ی که فرو رفتند؛ آنان اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شد؛ و

تنها آنان زیانکارانند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «خلاق» در لغت به معنای بهره و نصیب و از ریشه «خُلِقَ» گرفته شده است. (گویا انسان بهره‌های خود را متناسب با خُلق و خوی خود در این جهان دریافت می‌کند). ۲. در آیه فوق اشاره شده که منافقان زیان‌کاران واقعی هستند؛ زیرا که آنان استفاده‌های محدود و گذرا از اعمال نفاق‌آمیز خود می‌برند، ولی در نهایت، عواقب نفاق در دنیا دامانشان را می‌گیرد و آن‌ها را به نابودی می‌کشاند و در جهان دیگر نیز به عذاب الهی گرفتار می‌شوند. ۳. مقصود از «حَبْطِ عَمَلٍ» منافقان در آخرت آن است که آثار اعمالشان نابود می‌شود و ثوابی برای کارهای نیک دریافت نمی‌کنند و مقصود از حَبْطِ اعمالشان در دنیا شاید همان افشای چهره واقعی آنان و بی‌ارزش شدن کارهای نیک آن‌ها باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. از سرنوشت پیشینیان عبرت بگیرید که (گاهی) تاریخ تکرار می‌شود؛ از این رو، سرنوشت منافقان جدید همچون منافقان گذشته است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۳۵. ۲. کام‌یابی زودگذر منافقان و کثرت اموال و فرزندان و نیرومندی ظاهری آنان دلیل سعادت‌مندی آن‌ها نیست. ۳. نفاق موجب نابودی و بی‌اثر شدن اعمال نیک انسان در دنیا و آخرت و زیان‌کاری می‌شود. *** خدای متعال در آیه ۷۰ منافقان را به یاد سرنوشت اسف‌بار اقوام گذشته می‌اندازد و می‌فرماید: ۷۰. «أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» آیا خبر بزرگ کسانی که پیش از آنان بودند، به آنان نرسیده است؟! (همان) «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اهل مَدْيَن»]: قوم شعیب و «شهرهای زیر و رو شده»[: قوم لوط]؛ فرستادگان دلیل‌های روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند)؛ و خدا هرگز به آنان ستم نکرد، و لیکن همواره بر خودشان ستم می‌کردند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. اقوامی که در آیه فوق از آن‌ها یاد شده است، روزگاری بخش‌های مهمی از جهان را در اختیار داشتند؛ اما هر کدام بر اثر تبهکاری، سرکشی، بیدادگری و فساد به نوعی گرفتار کیفر الهی شدند و این مطلب خود درس عبرتی برای همه منافقان و کافران در طول تاریخ است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۳۶. ۲. قوم نوح با امواج کوبنده سیلاب غرق شدند و قوم عاد، یعنی قوم هود پیامبر، به وسیله بادهای تند و وحشت‌زا به هلاکت رسیدند و قوم ثمود، یعنی قوم صالح پیامبر، با زلزله‌های ویرانگر و قوم ابراهیم با سلب انواع نعمت‌ها، و اصحاب مَدْيَن، یعنی قوم شُعَیب پیامبر، با ابر آتش‌بار و قوم لوط با زیر و رو شدن شهرهای آنان همگی نابود شدند و درس عبرتی برای سرکشان و خلاف‌کاران گردیدند «۱». تذکر: یادآور می‌شویم که در مباحث گذشته مطالبی درباره زندگی این ملت‌ها بیان کردیم و در سوره‌های بعدی نیز به تناسب، داستان زندگی آنان را به صورت کامل‌تری بیان خواهیم کرد «۲». ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که عذاب‌های الهی هنگامی بر ملت‌های سرکش فرود می‌آمده که پیامبرانی با دلایل روشن می‌آمدند و اتمام حجت می‌کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. از تاریخ گذشتگان درس عبرت بگیرید (و راه آنان را نپوید). ۲. گرفتاری ملت‌ها در اثر ستم آنان به خویشتن است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۳۷

ویژگی‌های مومنان

خدای متعال در آیه ۷۱ به نشانه‌ها و ویژگی‌های مؤمنان راستین در دنیا اشاره کرده و می‌فرماید: ۷۱. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ مردان مؤمن و زنان مؤمن برخی از آنان یاوران (و دوستان) برخی [دیگر] اند. به [کار] پسندیده فرمان می‌دهند، و از [کار] ناپسند منع می‌کنند؛ و نماز را به پا می‌دارند؛ و [مالیات] زکات را می‌پردازند؛ و از خدا و فرستاده‌اش اطاعت می‌کنند؛ آنان، خدا بزودی مورد رحمت قرارشان می‌دهد؛ بدرستی که خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیات قبل، نشانه‌ها و ویژگی‌های منافقان این‌گونه بیان شد که به منکرات فرمان می‌دهند و مردم را از کارهای شایسته باز می‌دارند و بخل می‌ورزند و خدا را فراموش می‌کنند و فاسق و نافرمان‌بردارند. ۲. در آیه فوق چند صفت برای مؤمنان بر شمرده که نقطه مقابل

صفات منافقان است: - منافقان به کارهای ناپسند و مؤمنان به کارهای شایسته فرمان می‌دهند. - منافقان مردم را از کارهای نیک و مؤمنان مردم را از کارهای ناپسند باز می‌دارند. - منافقان خدا را فراموش می‌کنند و مؤمنان به یاد خدا هستند و نماز را بر پا می‌دارند، و دل و عقل خود را روشن و بیدار می‌سازند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۳۸ - منافقان افرادی بخیل هستند که در راه خدا و خلق بخشش نمی‌کنند، ولی مؤمنان در راه خدا و خلق و بازسازی جامعه زکات می‌پردازند. - منافقان فاسق و نافرمان‌بردارند، ولی مؤمنان مطیع خدا و پیامبرش هستند. - منافقان مورد لعنت خدا بوده و از رحمت او دور می‌شدند، ولی مؤمنان مشمول رحمت الهی هستند. ۳. در آیات پیشین گفته شد که منافقان «از همدیگرند» اما در این جا گفته شد که «مردان و زنان مؤمن برخی آن‌ها دوست و یاور یکدیگرند.»؛ یعنی در این جا برای بیان رابطه مؤمنان از واژه «اولیاء» استفاده شد، تا بیان شود که روح ولایت و دوستی و یاری‌گری در میان مؤمنان وجود دارد، اما منافقان هر چند که در برنامه‌های یکدیگر شریک‌اند، روح ولایت در بین آن‌ها نیست و به هنگام خطر به دوستان خود نیز خیانت می‌کنند و به بیان قرآن، دل‌هایشان پراکنده است «۱». ۴. واژه «رحمت» در آیه فوق، مفهومی بسیار وسیع دارد که شامل هر گونه خیر و برکت و سعادت این جهان و سرای دیگر می‌شود. ۵. امر به معروف و نهی از منکر تنها توصیه کردن به دیگران نیست، بلکه فرمان دادن از موضع قدرت است و از این رو، شاخه‌ای از ولایت به شمار می‌آید و در آیه فوق نیز به دنبال آن آمده است. ۶. از این که در آیه فوق اطاعت خدا و پیامبر جداگانه آمده‌اند، روشن می‌شود که اطاعت از فرمان پیامبر همچون اطاعت از فرمان خدا لازم است و تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۳۹ شاید با یک فعل آمدن آن دو از این رو باشد که ماهیت این دو یکی است و در حقیقت، اطاعت پیامبر برخاسته از اطاعت خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. صفات و ویژگی‌ها و نشانه‌های مؤمنان، نقطه مقابل صفات منافقان است. ۲. مؤمنان در جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر حق ولایت، دوستی، یاری و نظارت دارند. ۳. زن و مرد مومن هر دو در اصلاح جامعه نقش ایفا کنند. ۴. اصلاح طلبی، عبادت، اطاعت و امداد رسانی، زمینه‌ساز نزول رحمت الهی است. *** خدای متعال در آیه ۷۲ برخی ویژگی‌ها و امتیازهای مؤمنان را در جهان دیگر بر می‌شمارد و می‌فرماید: ۷۲. «وَعِدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ خدا به مردان مؤمن و زنان مؤمن، بوستان‌های (بهشتی) که نهرها از زیر [درختان] ش روان است، در حالی که در آنجا ماندگارند، و خانه‌های پاکیزه‌ای در بوستان‌های (ویژه) ماندگار، وعده داده است؛ و خوشنودی‌ای که از جانب خدا باشد، بزرگ‌تر است؛ تنها این کامیابی بزرگ است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. خدای متعال در آیات پیشین به منافقان و کافران وعده داد که در تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۴۰ آتش خواهند ماند، «۱» و اینک در این آیه، در مقابل آن، به مؤمنان وعده ماندن در بهشت را می‌دهد. ۲. واژه «عَدْن» در لغت به معنای باقی ماندن در یک مکان است و از این رو، به جایگاه باقی ماندن مواد نیز معدن گویند؛ اما از آن جا که در این آیه سخن از بقا و خلود است، روشن می‌شود که «جَنَّاتِ عَدْن» محل خاصی در بهشت می‌باشد که امتیاز ویژه‌ای دارد و برخی مفسران آن را بهترین و شریفترین منطقه بهشت دانسته‌اند «۲». ۳. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است: "عَدْن" خانه الهی است که هیچ چشمی آن را ندیده و به فکر کسی خطور نکرده است و تنها سه گروه در آن ساکن می‌شوند: پیامبران، صدیقان [آن‌ها که پیامبران را تصدیق و از آنان حمایت کردند] و شهیدان، «۳» ۴. در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «هر کس دوست دارد، زندگی‌اش همچون من و مرگش نیز همانند من باشد، و در بهشتی که خدا به من وعده داده، در جَنَّاتِ عَدْن ساکن شود، باید علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان پس از او را دوست بدارد.» «۴» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۴۱. ۵. مقصود از مقام «رضوان» یا خوشنودی خدا از مؤمنان، همان لذت معنوی و احساسی روحانی است که انسان را به جهت خوشنودی و رضایت خدا فرا می‌گیرد که از تمام بهشت و نعمت‌ها و مواهب رنگارنگ آن برتر و بالاتر است. ۶. خوشنودی خدا از تمام نعمت‌های مادی بهشت برتر است؛ زیرا مقام رضوان متعلق به روح و نعمت‌های مادی متعلق به جسم انسان است و روح گوهر وجود و جسم همچون صدف

برای آن است، و تکامل روح انسان هدف نهایی و جسم وسیله آن است؛ از این رو، لذت‌های روحی با لذت‌های جسمی قابل مقایسه نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. زنان و مردان مؤمن هر دو از نعمت‌های بهشتی برخوردارند. ۲. لذت‌های معنوی سرای آخرت بالاتر از لذت‌های مادی آن است. ۳. رستگاری و کام‌یابی و پیروزی بزرگ در خشنودی خدا نهفته است. (پس آن را به دست آورید.) *** خدای متعال در آیه ۷۳ به پیامبر اسلام دستور می‌دهد که بر کافران و منافقان سخت بگیرد و می‌فرماید: ۷۳. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبُنْسِ الْمَصِيرَةَ؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنان سخت گیر! و مقصدشان جهنم است؛ و بد فرجامی است!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از «جهاد با کافران»، مبارزه همه‌جانبه و به ویژه جنگ مسلحانه با آنان است و مقصود از «جهاد با منافقان» مبارزه‌هایی همچون مذمت، توبیخ، تهدید و افشاگری است؛ زیرا منافقان در ظاهر مسلمان‌اند و از این رو، اسلام مبارزه مسلحانه با آنان را اجازه نمی‌دهد، و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۴۲ هیچ‌گاه با منافقان جنگ مسلحانه نکرد؛ البته اگر روزی منافقان کفر خود را آشکار و در برابر مسلمانان صف‌آرایی کنند، در این صورت کافر حربی به شمار می‌آیند و نبرد با آنان مجاز است. ۲. مقصود از کافران در آیه فوق، کافران حربی است؛ یعنی کافرانی که با اسلام اعلان جنگ و مخالفت می‌کنند، و گرنه کافران اهل ذمه که در پناه اسلام بسر می‌برند، تا زمانی که شرایط جامعه اسلامی را رعایت کنند، در امنیت هستند. ۳. برخی مفسران آورده‌اند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیش از نزول این آیه با منافقان رفتاری کریمانه داشت، ولی پس از نزول آن برخوردشان شدت یافت «۱». ۴. واژه «غَلَطَ» ضد رقت و مهربانی و به معنای خشونت (و سخت‌گیری) است «۲». در آیه فوق و در آیه ۹ سوره تحریم که با آن مشابه است، به پیامبر دستور داده شده که با کافران و منافقان سخت‌گیری کرده و خشونت به خرج دهد ولی در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران آمده است: اگر تو سخت‌گیر و خشن بودی، مردم از دور تو پراکنده می‌شدند؛ یعنی به صورت تلویحی پیامبر را از خشونت و سخت‌گیری باز می‌دارد. آری، اسلام اساساً دین رحمت و محبت است و اصل در آن، نفی خشونت و سخت‌گیری است؛ اما اگر مخالفان از لجاجت، توطئه و خشونت دست بر ندارند، با سخت‌گیری و خشونت با آنان برخورد می‌شود؛ به عبارت دیگر، اسلام خشونت غیر قانونی را نمی‌پذیرد؛ زیرا نوعی ستم‌گری و جنایت است، ولی خشونت و سخت‌گیری قانونی را که بر اساس ضوابط شرعی و دینی تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۴۳ باشد، می‌پذیرد و این یک روش عقلایی است که در همه جوامع برای سالم‌سازی محیط اجتماع و جلوگیری از تجاوز و قانون‌شکنی تجویز می‌کنند؛ «۱» همان‌گونه که در برخی حدود و مقررات اسلامی، مانند حد سرقت و حد عمل منافی عفت، دستور قطع دست یا شلاق زدن آمده و در قرآن نیز بدان‌ها تصریح شده است. «۲» در هر صورت، دستور سخت‌گیری و خشونت در برخورد با کافران و منافقان است؛ اما مؤمنان باید با همدیگر مهربان باشند: «اشداء علی الکفار رُحماء بینهم» «۳». آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. رهبر مسلمانان باید در برابر دشمنان داخلی و خارجی، قاطع و سخت‌گیر باشد. ۲. اسلام آیین جهاد و مبارزه با کفر و نفاق است. *** خدای متعال در آیه ۷۴ با اشاره به توطئه‌های منافقان، راه توبه را بر آنان می‌گشاید و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۷۴. «يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَتُمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَعَمُوا إِلَّا أَنْ أَعْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يَعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۴۴ به خدا سوگند یاد می‌کنند که (سخنان باطل) نگفته‌اند، در حالی که قطعاً سخن کفر [آمیز] گفته‌اند؛ و پس از اسلام آوردنشان، کفر ورزیدند؛ و آهنگ آنچنان (کار خطرناکی) کردند که [به آن نرسیدند، و انتقام نگرفتند جز به خاطر آنکه خدا و فرستاده‌اش آنان را از بخشش خود، بی‌نیاز ساختند. و اگر توبه کنند، برای آنان بهتر است؛ و اگر روی برتابند، خدا آنان را در دنیا و آخرت، به عذاب دردناکی کیفر خواهد داد؛ و برایشان در زمین، هیچ سرپرست و یاور نیست!» شأن نزول رخدادها و مصادیق متعدد در مورد نزول آیه فوق حکایت شده است؛ «۱» از جمله توطئه منافقان برای ترور پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ تبوک، که ذیل آیه ۶۴ همین سوره به آن اشاره شد. در این حادثه،

منافقان نتوانستند به هدف خود برسند و این توطئه با امداد الهی و کمک یاران پیامبر صلی الله علیه و آله خنثی شد. همچنین حکایت شده که شخصی از منافقان به نام «جَلَّاس» در جنگ تبوک سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را به شدت انکار می‌کرد و یکی از مسلمانان به نام «عامر» جریان را به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش داد، ولی جَلَّاس موضوع را انکار کرد و هر دو کنار منبر سوگند یاد کردند که دروغ نمی‌گویند، ولی عامر از خدا خواست که با نزول آیه‌ای راست‌گو را معرفی کند و همه آمین گفتند؛ آن‌گاه جبرئیل آمد و آیه فوق را آورد و هنگامی که به قسمت توبه‌پذیری خدا رسید، جَلَّاس توبه کرد و پیامبر توبه او را پذیرفت (۲). تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۴۵ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از جمله «تصمیمی که منافقان داشتند و به هدف نرسید» یا همان توطئه ترور پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان جنگ تبوک است و یا به تمام فعالیت‌هایی اشاره دارد که منافقان برای برهم ریختن سازمان جامعه اسلامی انجام می‌دادند و به هدف نهایی نرسید. ۲. از آیه با توجه به شأن نزول‌های آن به دست می‌آید که مسلمانان در برابر توطئه‌های منافقان هشیار بودند و به سرعت فعالیت‌های تخریبی و سخنان کفرآمیز آنان را به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش می‌کردند و جلوی توطئه‌ها را می‌گرفتند. ۳. در آیه فوق اشاره شده که منافقان در سایه جامعه اسلامی، استفاده‌های مادی می‌بردند و ثروتمند و بی‌نیاز شدند، ولی به جای سپاس‌گزاری و حق‌شناسی، این خدمات را با خیانت و توطئه و انتقام از مسلمانان پاسخ دادند. ۴. در آیه فوق ضمیر «فَضْلِهِ» می‌بایست تشبیه می‌آمد تا به خدا و پیامبر برگردد، ولی مفرد آمده است؛ زیرا بخشش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در حقیقت از خداست. ۵. این که در آیه فوق راه توبه برای منافقان توطئه‌گر نیز باز گذاشته شده است، نشانه کمال رأفت و رحمت اسلامی است که حتی توبه مخالفان سرسخت خود را نیز می‌پذیرد.

تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۴۶ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان در حقیقت کافرند. ۲. فرجام منافقان، بی‌پناهی و بی‌یاوری در دنیاست. ۳. منافقان را از سوگند دروغ و ناسپاسی آنان بشناسید. ۴. راه توبه را حتی به روی منافقان باز گذارید. ***

خدای متعال در آیات ۷۵ و ۷۶ به کم‌ظرفیت بودن منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۷۵ و ۷۶. «وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنُصَدِّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ * فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ يَخْلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ؛ از آن (منافق) ان‌کسانی هستند که با خدا پیمان بسته بودند که: «اگر خدا ما را از بخشش خود روزی دهد، قطعاً زکات خواهیم داد؛ و حتماً از شایستگان خواهیم شد.»* و هنگامی که (خدا) از بخشش خود به آنان داد، بدان بخل ورزیدند و روی بر می‌تافتند؛ در حالی که آنان روی گردانند.» شأن نزول داستان نزول دو آیه فوق این‌گونه حکایت شده است که مردی از انصار به نام «تَعْلَبَه» مرتب خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسید و اصرار داشت که ایشان برای ثروتمند شدن او دعا کند و حضرت امتناع می‌کرد و می‌فرمود: مقدار کمی (از مال) که بتوانی حق شکر آن را ادا کنی، از مقدار زیادی که توانایی سپاس‌گزاری آن را نداشته باشی، بهتر است و یا می‌فرمود: آیا بهتر نیست که به زندگی ساده پیامبر اقتدا کنی؟ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۴۷ اما سرانجام سوگند یاد کرد که حقوق اموال را می‌پردازم و پیامبر صلی الله علیه و آله دعا کرد و پس از مدتی ثروتی سرشار (از طریق ارث یا دانداری) برایش حاصل شد و رفته رفته به اطراف مدینه کوچ کرد و از نماز جماعت و حتی نماز جمعه پیامبر صلی الله علیه و آله نیز محروم شد. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور جمع‌آوری زکات را نزد او فرستاد، و تَعْلَبَه از پرداخت زکات امتناع کرد و آن را شبیه جزیه یا مالیات اهل کتاب خواند و پیامبر صلی الله علیه و آله که این سخن را شنید، فرمود: وای بر تَعْلَبَه! وای بر تَعْلَبَه! سپس آیات فوق بدین مناسبت فرود آمد (۱). نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق با اشاره به یکی از صفات زشت منافقان می‌فرماید: آن‌ها به هنگام فقر از ایمان دم می‌زنند، ولی همین که به نوایی رسیدند، غرق دنیاپرستی می‌شوند و پیمان‌های خود با خدا را فراموش می‌کنند، و همین کم‌ظرفیتی آنان که سبب بخل و دنیاپرستی و خودخواهی می‌شود، روح نفاق را در آنان پرورش می‌دهد (۲). ۲. مطلب آیه فوق بحثی تاریخی نیست، بلکه بیان یک واقعیت اخلاقی و اجتماعی است که در هر عصری و هر جامعه‌ای نمونه‌هایی فراوان دارد. ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که کم‌ظرفیت بودن یکی از نشانه‌های منافقان است؛ زیرا نفاق همان دوگانگی شخصیت و دو چهره بودن است و

انسان باظرفیت، دو شخصیتی نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۴۸. ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که اگر انسان ظرفیت نداشته باشد، نعمت‌ها برای او نعمت و بلا می‌شود و از این رو است که مصلحت انسان همواره در داشتن ثروت زیاد نیست.

۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که اگر کسی در پرداخت حقوق مالی اسلامی بخل ورزد، و به دنیا دل ببندد، رفته رفته از دین روی گردان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان را از عهدشکنی و کم‌ظرفیتی و بخل آنان بشناسید. ۲. کم‌ظرفیتی، زمینه‌ساز بخل و بخیل بودن، زمینه‌ساز عهدشکنی است. (که همه این‌ها مقدمه بد فرجامی و نفاق است.) *** خدای متعال در آیات ۷۷ و ۷۸ به نقش عهدشکنی و دروغ‌گویی در تثبیت نفاق و آگاهی خدا اشاره کرده و می‌فرماید: ۷۷ و ۷۸. «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» * أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ؛ و تا روزی که ایشان آن [خدا] را ملاقات کنند، نفاق را در دل‌هایشان باقی گذاشت؛ بخاطر آنکه با خدا، در مورد آنچه بدو وعده داده بودند، تخلف ورزیدند؛ و بخاطر آنکه همواره دروغ می‌گفتند. * آیا ندانسته‌اند که خدا راز آنان و رازگویی‌شان را می‌داند؛ و اینکه خدا به (اسرار) نهان‌ها بسیار داناست؟!» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۴۹ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیه فوق به خوبی استفاده می‌شود که بسیاری از گناهان و صفات زشت، علت و معلول یکدیگرند و از این رو است که بخل و پیمان‌شکنی سبب پیدایش نفاق می‌شود. ۲. مقصود از «روزی که او را ملاقات می‌کنند»، روز ملاقات با خدا و حساب و جزای الهی است که همان روز رستاخیز است. برخی مفسران نیز احتمال داده‌اند که مقصود از آن، لحظه مرگ یا هنگام ملاقات نتیجه بخل باشد؛ البته این احتمال‌ها قابل جمع نیز هست، ولی ظاهر آیه همان ملاقات با خداست. ۳. مقصود از ملاقات با خدا، دیدن حسی خدا نیست؛ زیرا او جسم نیست تا دیده شود، بلکه منظور شهود او و یا درک ثواب و کیفر او است «۱». ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که پیمان‌شکنی و دروغ‌گویی از صفات منافقان است و در حدیثی نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «سه چیز در هر کس باشد، منافق است، هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند و خود را مسلمان بداند: کسی که در امانت خیانت کند و در سخن، دروغ گوید و به هنگام وعده، تخلف کند.» «۲» البته این‌گونه احادیث به نفاق اخلاقی اشاره دارد، نه نفاق عقیدتی که با کفر همگام است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۵۰. ۵. نفاق اقسامی دارد: دو چهره بودن زبانی، رفتاری، قلبی و عقیدتی: - دو چهره بودن با مردم؛ یعنی انسان ثروت داشته باشد، ولی به دیگران کمک نکند. - دو چهره بودن با خدا؛ یعنی با او پیمان ببندد، ولی تخلف کند. دو چهره بودن در گفتار؛ یعنی انسان دروغ بگوید. دو چهره بودن در عقیده؛ یعنی کسی کافر باشد، ولی خود را مسلمان جلوه دهد. ۶. آیه اخیر به منافقان هشدار می‌دهد که خدا از کفر باطنی، توطئه‌ها، اهداف و نیت‌های آن‌ها باخبر است؛ پس مراقب رفتار خود باشید. حاجت موری و اندیشه کم‌تر حیوان بر تو پوشیده نماید که سمیعی و بصیری (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پیمان‌شکنی و دروغ‌گویی سبب پیدایش روحیه نفاق دائمی در انسان است. ۲. عهدشکنی نکنید و دروغ نگویید که خدا از همه اسرار شما آگاه است. *** خدای متعال در آیه ۷۹ به کارشکنی‌های منافقان از راه عیب‌جویی و تمسخر مؤمنان اشاره کرده و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۷۹. «الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ کسانی که از مؤمنان داوطلب بخشش‌های خالصانه، و (از) کسانی که جز به مقدار تلاششان نمی‌یابند، عیب‌جویی می‌کنند، و آنان را ریشخند تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۵۱ می‌کنند، خدا آنان را (با کیفر خود) ریشخند کند؛ و برایشان عذاب دردناکی است!» شأن نزول داستان نزول آیه فوق این‌گونه حکایت شده است که هنگام آماده شدن لشکر اسلام (برای جنگ تبوک) به کمک‌های مردمی نیاز بود، و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله این مطلب را اعلام کرد، مردم توانگر کمک‌های مالی و زکات خود را برای تجهیز رزمندگان اسلام آوردند و برخی کارگران کم‌درآمد مانند «ابو عقیل انصاری» نیز با اضافه کاری، مقدار کمی خرما تهیه کردند و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند. منافقان به هر دو گروه ایراد گرفتند و درباره توانگران گفتند: این‌ها ریاکارانه مقدار زیادی کمک کردند و فقیران را که مقدار کمی کمک کرده بودند، تمسخر نمودند

و گفتند: آیا لشکر اسلام به چنین کمکی نیاز دارد؟ آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و منافقان را به شدت تهدید کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیات قرآن استفاده می‌شود که اهمیت در کیفیت کار است؛ یعنی هرگاه عمل با اخلاص و نیت پاک صورت گیرد، ارزش فوق العاده‌ای دارد، اگر چه اندک باشد و این مطلب از آیه فوق نیز با توجه به شأن نزول آن، قابل استفاده است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۵۲. ۲. ارزش آن است که در جامعه اسلامی و هنگام بروز مشکلات، همگان احساس تکلیف کنند و هر کس به مقدار توانایی خود کمک نماید و به انتظار کمک توانگران ننشینند. ۳. در حدیثی آمده است که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرسیدند: کدام صدقه و کمک از همه برتر است؟ حضرت فرمود: تلاش [و صدقه افراد کم درآمد «۱»]. ۴. آیه فوق منافقان را به جهت عیب‌جویی و ریشخند مسلمانان سرزنش می‌کند، و این دو صفت را از ویژگی‌های منافقان می‌شمارد، ولی این صفات به منافقان صدر اسلام اختصاص ندارد، بلکه در هر زمانی منافقان با ایجاد روح بدبینی و عیب‌جویی، مردم را از کار خیر دلسرد می‌کنند. ۵. مقصود از این جمله که فرمود: «خدا منافقان را مسخره می‌کند.» این نیست که خدا اعمالی همانند آنان انجام می‌دهد، بلکه به باور مفسران، مقصود آن است که مجازات مسخره‌کنندگان را به آنان می‌دهد و با منافقان آن گونه رفتار می‌نماید که همچون استهزا شدگان، تحقیر شوند. ۶. از آیه فوق استفاده می‌شود که مسخره کردن مؤمنان حرام و سبب عذاب الهی است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان کمک‌های مردمی (برای جبهه‌ها) را زیر سؤال می‌برند. ۲. هر کس به اندازه توان خود امداد رسانی کند که کیفیت کار مهم است. ۳. کفرهای الهی متناسب با عمل کرد افراد است و مسخره‌کنندگان را مانند گناهشان مجازات می‌کند. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۵۳

جایی که استغفار پیامبر (ص) نیز سودی ندارد

خدای متعال در آیه ۸۰ به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر می‌دهد که طلب آموزش برای منافقان سودی ندارد و می‌فرماید: ۸۰. «اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ برای شان آموزش بخواهی، یا برای شان آموزش نخواهی، اگر هفتاد بار برای آنان طلب آموزش کنی، پس خدا آنان را نمی‌آموزد! این بدان سبب است که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند؛ و خدا گروه نافرمان‌داران را راهنمایی نمی‌کند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. «سَبْعِينَ» (هفتاد) در آیه فوق برای بیان کثرت آمده است؛ یعنی بر عدد هفتاد به عنوان یک عدد خاص تأکید ندارد، بلکه مقصود آن است که هر قدر برای منافقان طلب آموزش کنی، باز فایده‌ای ندارد. «۱» ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان کفر پیشه‌ای که مؤمنان را مسخره می‌کردند، چنان گناه سنگینی انجام داده‌اند که با استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نجات نمی‌یابند. ۳. آیه فوق به کفر و فسق (و نافرمانی) منافقان به عنوان سبب عدم پذیرش استغفار و شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده است؛ یعنی منافقان خود قابلیت هدایت و آموزش الهی را ندارند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۵۴. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. کفر، مانع آموزش و فسق، مانع هدایت است. ۲. اگر می‌خواهید از شفاعت پیامبر و آموزش الهی بهره‌مند شوید، از کفر و نافرمانی دست بردارید. ۳. رأفت اسلامی شامل حال منافقان، کافران و فاسقان نمی‌شود. *** قرآن کریم در آیه ۸۱ به کوتاهی و کارشکنی منافقان در جنگ تبوک اشاره کرده و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۸۱. «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لِمَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ؛ واپس ماندگان، بخاطر مخالفت با فرستاده خدا، به (خانه) نشینی‌شان (در هنگام جنگ تبوک) شادمان شدند؛ و از اینکه با اموالشان و جان‌هایشان، در راه خدا جهاد کنند، ناخشنود بودند؛ و گفتند: «در این گرما، (برای جنگ) بسیج نشوید.» (ای پیامبر به آنان) بگو: «آتش جهنم گرم‌تر است!» اگر (بر فرض) آنان همواره به طور عمیق می‌فهمیدند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. منافقان برای کارشکنی در جنگ، گرم بودن هوا را بهانه می‌کردند، و خدا نیز از همین گرما استفاده کرد و پاسخی دندان‌شکن به آنان داد؛ یعنی به پیامبر و

مسلمانان آموزش داد که تبلیغات مخالفان را با اصطلاحات خودشان پاسخ دهند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۵۵

۲. منافقان درکی عمیق ندارند و ظاهربین هستند؛ از این رو، از خانه‌نشینی و ترک جهاد شادمان هستند؛ زیرا فقط گرمای هوا را در این دنیا می‌بینند، ولی از آتش سوزان دوزخ که برای آنان آماده شده است، غافل‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان چند نشانه دارند: از دستور پیامبر تخلف می‌کنند، از جنگ گریزی شادند، از جهاد با مال و جان ناخشنودند و دیگران را از رفتن به جبهه دلسرد می‌کنند. ۲. در مسائل ژرف‌نگر باشید و در برابر جهاد بهانه‌جویی نکنید. *** خدای متعال در آیه ۸۲ به گریه زیاد به عنوان کیفر منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸۲. «فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ پس (منافقان) باید، اندک بخندند و بسیار بگریند! به کیفر آنچه همواره کسب می‌کردند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق دو گونه تفسیر شده است: نخست آن که دستور می‌دهد منافقان باید کم‌تر بخندند و بیشتر گریه کنند؛ زیرا سرنوشت شومی در انتظار آن‌هاست. دوم آن که آیه خبر می‌دهد منافقان (در دنیا) مقدار کمی می‌خندند، ولی (در آخرت) بسیار گریه می‌کنند (که خنده‌های دنیا در برابر آن ناچیز است). تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۵۶ تفسیر اول با ظاهر آیه سازگارتر است (۱). ۲. منافقان پس از خلافت‌کاری‌های خود می‌پنداشتند پیروز شده‌اند، و از این رو، قهقهه سر می‌دادند، ولی قرآن به آنان اخطار کرد که بسیار گریه کنند؛ زیرا آینده تاریک و عذاب آلودی در پیش دارند. ۳. گریه منافقان می‌تواند به جهت عذاب‌های دردناکی باشد که در انتظار آن‌هاست و یا بدین جهت که پل‌های پشت سر خود را خراب کرده‌اند، و یا این که استعداد و سرمایه عمر خویش را از دست داده و رسوایی و تیره‌روزی خریده‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. برخی خنده‌های زودگذر حسرت‌آور است و گریه‌های طولانی در پی دارد. ۲. منافقان به خاطر عمل کردشان به حال خود گریه کنند. *** خدای متعال در آیه ۸۳ با اشاره به ترفند دیگر منافقان، دستور مبارزه منفی با آنان را صادر می‌کند و می‌فرماید: ۸۳. «فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذِنُواكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۵۷ و اگر خدا تو را (پس از جهاد) به سوی گروهی از آن (منافق) بازگرداند، و از تو رخصت خروج (به سوی میدان جهاد دیگری) بخواهند، پس بگو: «هیچ‌گاه با من خارج نخواهید شد، و همراه من، با هیچ دشمنی نخواهید جنگید؛ [چرا] که شما نخستین بار، به نشستن (در خانه) راضی شدید، پس با متخلفان بنشینید.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان پیشنهاد شرکت در جنگ را داشتند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفت و آن‌ها را با «متخلفان» واگذاشت؛ (۱) زیرا این نوعی ترفند شیطنت‌آمیز از سوی آنان بود، و گرنه اگر آنان به واقع پشیمان می‌شدند و توبه می‌کردند، پیشنهاد شرکت آنان در جهاد پذیرفته می‌شد. ۲. منافقان می‌خواستند با پیشنهاد شرکت در جهاد، بر چهره زشت و خلاف‌کاری‌های گذشته خود سرپوش بگذارند و نوسان‌ها و اعمال ضد و نقیض خود را توجیه کنند، و این یک روش حساب شده و خطرناک بود. ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که برخی منافقان از این ترفند استفاده می‌کردند و برخی دیگر به دلیل ترس یا رسوایی حاضر نبودند حتی پیشنهاد شرکت در جنگ را بدهند. ۵. مسلمانان عصر ما نیز با منافقان دو چهره روبه‌رو هستند، و لازم است همچون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دست رد بر سینه آنان بزنند و فریب آنان را نخورند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۵۸ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. به منافقان اجازه ندهید در جبهه حضور یابند و با آنان مبارزه منفی کنید. ۲. سوء سابقه افراد منافق صفت را فراموش نکنید. *** خدای متعال در آیه ۸۴ با اشاره به کفر منافقان، نماز بر مردگان آنان را نیز تحریم کرده و می‌فرماید: ۸۴. «وَلَمَّا تَصَلَّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ؛ و هرگز بر هیچ یک از آن (منافق) ان که بمیرد، نماز [و دعا] نخوان! و (برای طلب آمرزش) بر قبرش نایست؛ [چرا] که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند؛ و مردند در حالی که آنان نافرمان‌بردار بودند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نمی‌توانست به طور رسمی دستور قتل و پاک‌سازی منافقان را از محیط جامعه اسلامی صادر کند؛ زیرا آنان در ظاهر مسلمان بودند؛ از این رو، با آنان مبارزه منفی می‌کرد و حتی نماز بر مردگان آنان را تحریم نمود. ۲. هر فرد مؤمن راستین در حال حیات و پس از

مرگ احترام دارد، و از این رو است که غسل، کفن، نماز و دفن مسلمانان با تشریفات محترمانه‌ای همراه است و حتی پس از مرگ نیز در کنار قبر او می‌آیند و برایش آموزش می‌خواهند. در آیه فوق انجام مراسم نماز، دعا و حضور بر سر قبر منافق ممنوع اعلام شده است تا این افراد از جامعه اسلامی طرد و برای دیگران مایه عبرت شوند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۵۹. ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از نزول این آیه بر منافقانی که در ظاهر مسلمان بودند، نماز و دعا می‌خواند و بر سر قبر آن‌ها حاضر می‌شد، ولی پس از نزول آیه فوق این برنامه‌ها تعطیل گردید «۱». ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که ایستادن در کنار قبر مؤمنان و دعا برای آنان جایز است؛ زیرا آیه این کار را برای منافقان منع کرده است؛ بنابراین، این کار برای مؤمنان جایز است. ۵. واژه «لا- تُصَلِّ» یا به معنای لغوی آن است؛ یعنی برای مردگان منافقان دعا مکن، و یا به معنای اصطلاحی آن است؛ یعنی بر مردگان منافقان نماز مگزار؛ معنای اول با برخی احادیث «۲» و معنای دوم با ظاهر آیه سازگار است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۶۰. ۶. آیه فوق خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، ولی در حقیقت تکلیف همه مسلمانان را با منافقان روشن می‌کند. در عصر کنونی نیز مسلمانان می‌توانند از مبارزه منفی علیه منافقان استفاده کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. با مردگان منافق نیز مبارزه منفی کنید و نماز بر آنان را تحریم نمایید. ۲. از مراسم عبادی خود برای مبارزه تبلیغاتی علیه مخالفان اسلام استفاده کنید. ۳. منافقان، کافرکیش فاسق صفت‌اند. *** خدای متعال در آیه ۸۵ اموال و فرزندان زیاد را وسیله عذاب منافقان معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۸۵. «وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ؛ و اموال آن (منافق) ان و فرزندانشان، تو را به شگفت نیارود؛ جز این نیست که خدا می‌خواهد، بدین سبب آنان را در دنیا عذاب کند، و جان‌هایشان بر آید در حالی که آنان کافرند.» نکته‌ها و اشاره‌ها مضمون این آیه در آیه ۵۵ این سوره گذشت و نکته‌ها و اشاره‌ها و پیام‌ها در آن جا بیان شد. تکرار این آیات برای نشان دادن اهمیت مطلب است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۶۱ خدای متعال در آیات ۸۶ و ۸۷ به واکنش منافقان ثروتمند در برابر فرمان جهاد و نادانی آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸۶ و ۸۷. «وَإِذَا أَنْزَلْنَا سُورَةَ الْأَنْزِلَاتِ أَمْنُوا بِاللَّهِ وَجَاهَدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ * رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ؛ و هنگامی که سوره‌ای فرو فرستاده شود که: «به خدا ایمان آورید، و همراه فرستاده‌اش جهاد کنید.» سرمایه‌داران از آن (منافق) ان، از تو رخصت می‌خواهند و می‌گویند: «ما را رها ساز تا با فرو نشستگان باشیم.» * (منافقان) راضی شدند که همراه (خانه) نشستگان باشند؛ و بر دل‌هایشان مهر نهاده شده؛ پس آنان فهم عمیق نمی‌کنند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. ثروت اندوزی «۱» و دنیا دوستی انسان را از وظایف الهی خویش باز می‌دارد، به گونه‌ای که از جهاد دست می‌کشد و خانه‌نشینی را ترجیح می‌دهد. ۲. منافقان افرادی جنگ‌گریز هستند؛ زیرا در حقیقت به دین و اهداف الهی جهاد ایمان ندارند، ولی به جهت ترس و دنیاطلبی راه نفاق را در پیش گرفته و در صف مسلمانان مانده‌اند و برای حفظ ظاهر، از پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۶۲ اجازه می‌گیرند که در جهاد شرکت نکنند، در حالی که هیچ عذری برای ترک جنگ ندارند. ۳. آیه فوق اشاره کرده که منافقان به دلیل بی‌ایمانی و آلودگی به گناه، افرادی نادان هستند و از این رو، از بلند همتی که زاییده فهم و شعور و آگاهی است، بی‌بهره‌اند، و به دلیل همین پست همتی است که حاضرند با کودکان و خانه‌نشینان بمانند و در میدان جهاد شرکت نکنند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مرفه‌ان بی‌درد هنگام جهاد به مرخصی می‌روند و خانه‌نشینی را ترجیح می‌دهند. ۲. منافقان را از جنگ‌گریزی آنان بشناسید. ۳. منافقان دل مرده‌اند و شناخت عمیق ندارند. ۴. منافقان را از پست همتی و ذلت‌پذیری آنان، بشناسید. *** خدای متعال در آیه ۸۸ به صفات و روحیات پیامبر و مؤمنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸۸. «لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيَّتْ لَهُمْ الْخَيْرَاتُ وَأُولِيَّتْكُمْ هُمْ الْمُفْلِحُونَ؛ ولی فرستاده [خدا] و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموالشان و جان‌هایشان جهاد کردند؛ و آنان، همه نیکی‌ها مخصوص آنهاست؛ و تنها آنان رستگارانند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۶۳ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «خیرات «۱»» لفظی عام و جامع

است و تمام خیرها، موفقیت‌ها، سعادت‌ها و موهبت‌های مادی و معنوی را شامل می‌شود که همه آن‌ها برای پیامبر و مؤمنان است. ۲. تعبیرهای دو جمله اخیر آیه فوق انحصار را می‌رساند؛ یعنی فقط پیامبر و مؤمنان رستگار واقعی‌اند و تنها آنان استحقاق هر گونه خیر و سعادت را دارند. ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که اگر ایمان با جهاد همراه شود، هر گونه خیر و سعادت را در پی خواهد داشت و بدون آن‌ها، رستگاری، خیر و برکتی نخواهد بود. ۴. در آیه پیشین، به همت پست منافقان اشاره شد که حاضرند با کودکان در پشت جبهه بمانند، و در آیه فوق به همت بلند مؤمنان اشاره شده است که حاضرند در جهاد با تمام مشکلاتش شرکت کنند تا به رستگاری و سعادت برسند، و این مطلب از روشن‌بینی و بلندهمتی آنان ناشی می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. رستگاری و سعادت تنها در سایه ایمان و جهاد به دست می‌آید. ۲. رهبر اسلام و مؤمنان با همه وجود و جان و مال خود در راه خدا مبارزه کنند. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۶۴ خدای متعال در آیه ۸۹ به پادشاه‌های اخروی مؤمنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸۹. «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ خدا برای آنان بوستان‌های (بهشتی) فراهم ساخته که نهرها از زیر [درختان]ش روان است؛ در حالی که در آنجا ماندگارند؛ این، کامیابی بزرگ است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. «خدا بهشت را برای مؤمنان آماده ساخته است.» این تعبیر نشانه احترامی است که خدا برای مؤمنان جهادگر قائل است و آن‌قدر به آن‌ها اهمیت می‌دهد که بهشت را پیش‌تر آماده قدم آنان می‌سازد. ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که بهشت آفریده شده و نعمت‌های بهشتی هم‌اکنون موجود است (۱). آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پادشاه مجاهدان راه خدا از پیش آماده شده و آن، بهشت برین و کام‌یابی بزرگ است. ۲. اگر بهشت می‌خواهید، با جان و مال جهاد کنید. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۶۵ خدای متعال در آیه ۹۰ حساب افراد معذور از جنگ را از متخلفان منافق جدا می‌سازد و می‌فرماید: ۹۰. «وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ و عذر خواهان از عرب‌های صحرائین (نزد تو) آمدند، تا به آنان رخصت (ترک جهاد) داده شود؛ و کسانی که به خدا و فرستاده‌اش دروغ گفتند، (بدون هیچ عذری در خانه) نشستند؛ بزودی به کسانی از آنان که کفر ورزیدند، عذاب دردناکی خواهد رسید!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مفسران قرآن درباره این که مقصود از «معذوران» در آیه فوق چه کسانی هستند، چند دیدگاه وجود دارد: براساس دیدگاه نخست، مقصود معذوران واقعی هستند که مرخصی می‌خواستند و از این رو، در برابر منافقان از آنان یاد می‌شود. براساس دیدگاه دوم، منظور کسانی هستند که عذرهای واهی و دروغین می‌تراشیدند تا از جهاد فرار کنند، در برابر منافقانی که حتی زحمت عذر تراشی هم به خود نمی‌دادند. براساس دیدگاه سوم، معذوران شامل هر دو گروه است. (۱) در این میان، ظاهر آیه و قرائن کلام با احتمال اول موافق است. ۲. دروغ معمولاً با زبان گفته می‌شود ولی در عمل هویدا می‌شود. شاید مقصود از دروغ‌گویی منافقان در آیه فوق همان دروغ عملی باشد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۶۶ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. در جنگ، حساب معذوران واقعی را از منافقان دروغ‌گو جدا کنید. ۲. دروغ‌گویان فرو نشسته از جهاد که به کفر گریند، فرجامی عذاب‌آلود دارند. ***

چه کسانی از جنگ معاف هستند؟

خدای متعال در آیه ۹۱ به معافیت سه گروه از جنگ اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۱. «لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ بر کم‌توانان و بر بیماران، و بر کسانی که نمی‌یابند چیزی را که (در راه جهاد) مصرف کنند، هیچ تنگی (و تکلیفی) نیست، هنگامی که برای خدا و فرستاده‌اش خیرخواهی کنند؛ بر نیکوکاران هیچ راه (مؤاخذه‌ای) نیست؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهربور است.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق این گونه حکایت شده است که یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله خدمت ایشان عرض کرد: من نابینا (و ناتوانم) و حتی کسی را ندارم که دست مرا بگیرد و به میدان جهاد بیاورد، آیا من معذورم؟ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۶۷

حضرت سکوت کرد و آیه فوق فرود آمد و تکلیف این گونه افراد را روشن ساخت «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق بیان کرده که سه گروه ناتوانان، بیماران و افرادی که وسیله مبارزه ندارند، از شرکت در جنگ معاف‌اند، و این یک قانون عقلی و منطقی است که در اسلام نیز بر آن تأکید شده است. ۲. مقصود از «صُغَمَاء» در آیه فوق افرادی هستند که بر اثر پیری یا نقص عضو و یا نابینایی ناتوان شده‌اند. ۳. واژه «حَرَج» در اصل به معنای مرکز اجتماع چیزی است و از آن‌جا که اجتماع با تنگی و کمبود جا همراه است، این واژه به معنای «تنگی، ناراحتی، مسئولیت و تکلیف» نیز آمده است، و در آیه فوق به همین معنای تکلیف و مسئولیت است. ۴. واژه «نَصْحُوا» کلمه جامعی است که هر گونه خیرخواهی و اقدام مخلصانه و نصیحت را شامل می‌شود. ۵. آیه فوق شرط معافیت این سه گروه و وظیفه آنان را در پشت جبهه چنین بیان کرده است که آنان باید با رفتار و سخنان خود مجاهدان را تشویق کنند و در تضعیف روحیه دشمن بکوشند. ۶. از آیه فوق استفاده می‌شود که به طور کلی هیچ کس از همکاری با مجاهدان راه خدا معاف نیست و هر کس نمی‌تواند اسلحه بردارد، با زبان و تبلیغ و کردار خود پشتیبان رزمندگان باشد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۶۸. ۷. واژه «غُفُور» در اصل به معنای پوشاندن است؛ یعنی خدا به مقتضای این صفت خود، پرده بر کار افراد ناتوان می‌کشد و عذرشان را می‌پذیرد. ۸. واژه «رحیم» به معنای مهربان و مهرورز است که خدا به مقتضای آن، تکلیف مشکل بر عهده کسی نهاده و افراد ضعیف را از جنگ معاف کرده است. ۹. در آیه فوق آمده است که: «راهی برای مؤاخذه و سرزنش نیکوکاران نیست.» این جمله درباره معذوران از جنگ آمده است، ولی مخصوص آن‌ها نیست، بلکه یک قاعده کلی است که قوانین و احکام زیادی از آن در فقه استفاده می‌شود؛ برای مثال، اگر کسی امانتی را نزد انسان امینی بگذارد و بدون افراط و تفریط تلف شود، این شخص امین ضامن نیست؛ زیرا نیکوکار است. ۱۰. در برخی احادیث حکایت شده که هنگام بازگشت سپاه اسلام از تبوک، پیامبر صلی الله علیه و آله در نزدیک مدینه فرمودند: شما در این شهر مردانی را پشت سر گذاشتید که در تمام مسیر با شما بودند. پرسیدند: چگونه با ما بودند با این که در مدینه ماندند؟ حضرت پاسخ داد: به این دلیل که آنان به جهت عذر داشتن نتوانستند در جهاد شرکت کنند (ولی قلب‌های آنان با ما بود). «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. سه گروه ناتوانان، بیماران و ناداران را از حضور در جبهه‌ها معاف کنید. ۲. معاف بودن از مرحله‌ای از مراحل جهاد، به معنای معذور بودن از مرحله‌های آسان‌تر نیست و هر کس به قدر توان خود مسئول است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۶۹. خدای متعال در آیه ۹۲ به معافیت گروه چهارم از جنگ و عشق و اشک آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۲. «وَلَمَّا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَأَجِدَنَّ مِمَّا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضٌ مِّنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ؛» (نیز تکلیفی نیست) بر کسانی که وقتی نزد تو آمدند تا سوارشان کنی، گفتی: «چیزی که شما را بر آن سوار کنم، نمی‌یابم.» (آنان) روی برتافتند در حالی که در اثر اندوه، اشک از چشمانشان سرازیر می‌شد! بخاطر اینکه نمی‌یابند چیزی را که (در راه خدا) مصرف کنند. شأن نزول داستان نزول آیه فوق این گونه حکایت شده که هفت نفر از افراد فقیر مدینه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و تقاضا کردند که وسیله‌ای برای شرکت در جهاد در اختیار آنان بگذارد، اما چون پیامبر صلی الله علیه و آله وسیله‌ای نداشت، پاسخ منفی داد و آنان با چشمان اشک‌آلود از خدمت ایشان خارج شدند و به نام «بُكَائُونَ» یعنی گریه‌کنندگان مشهور شدند «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در این آیه و آیه قبل، چهار گروه از معاف شدگان از جهاد معرفی شده‌اند و گروه چهارم در حقیقت از گروه سوم که در آیه قبل بیان شد، جدا نیستند، ولی به دلیل امتیازهای ویژه‌ای که این گروه داشتند، جداگانه ذکر شدند و از آنان قدردانی شد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۷۰. ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله عاشق جهاد بودند، آن گونه که از معاف شدن خوشحال نمی‌شدند، بلکه از شدت ناراحتی چشمانشان اشک‌آلود می‌گشت. «۱» ۳. براساس آیه فوق، افراد بی‌بهره از توان مالی و وسایل لازم برای شرکت در جنگ، نزد پیامبر می‌آمدند و با اصرار از ایشان وسایل می‌خواستند، و این نهایت علاقمندی آنان به جنگ را نشان می‌دهد و همین مطلب رمز پیروزی مسلمانان در صدر اسلام بود و اکنون نیز می‌تواند سبب سرافرازی مسلمانان شود. ۴. از آیه

فوق استفاده می‌شود که گریه مؤمنان به خاطر عشق به جهاد، آن قدر ارزش دارد که خدا در قرآن از آن یاد کرده است. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که اسلام دین آخرت و دنیاست و حتی برای جنگ و معافیت از آن، قوانین خاصی دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. برخی یاران پیامبر عاشق جهاد بودند. (شما نیز این گونه باشید). ۲. اگر کسانی به جهت کمبود وسایل نتوانند در جنگ شرکت کنند، معاف هستند. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۷۱ خدای متعال در آیه ۹۳ به ثروتمندان بدون درد و بدون عذری اشاره کرده که از شرکت در جنگ معاف نیستند و می‌فرماید: ۹۳. «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَشْتَأُونَ نَفْسَهُمْ وَهُمْ أَعْتَبَاءُ رِضْوَانًا يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ راه (مؤاخذه)، تنها بر کسانی است که از تو رخصت می‌خواهند، در حالی که آنان توانگرند (آنان) راضی شدند به اینکه با (خانه) نشستگان باشند؛ و خدا بر دل‌هایشان مهر نهاده؛ و از این رو نمی‌دانند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از مقایسه آیه فوق با آیه ۸۶ و ۸۷ همین سوره و همسان بودن مضمون آن‌ها، روشن می‌شود که مقصود از گروه فوق، منافقان هستند که با بهانه تراشی و رخصت‌طلبی می‌خواستند از شرکت در جنگ معاف شوند. ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که ثروتمند بودن نه تنها مسلمان را از شرکت در جهاد معاف نمی‌کند، بلکه مسئولیت او را سنگین‌تر می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. انجام ندادن مسئولیت جهاد، سبب کوردلی و بی‌بصیرتی می‌شود. ۲. ثروتمندان (منافق صفت) را از جهاد معاف نکنید. *** خدای متعال در آیه ۹۴ به عذر تراشی بدون ثمر منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۴. «يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَاتَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ آخِرِ أَرْكَمٍ وَسَيَّرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۷۲ هنگامی که به سوی آن (منافق) ان باز گردید، از شما عذرخواهی می‌کنند؛ بگو: «عذرخواهی نکنید، (ما سخن) شما را تصدیق نخواهیم کرد! [چرا] که خدا ما را از اخبار شما با خبر ساخته؛ و بزودی خدا و فرستاده‌اش، عملتان را می‌بینند؛ سپس به سوی دانای نهان و آشکار باز گردانده می‌شوید؛ و [او] شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید، با خبر می‌سازد.» شأن نزول آیه فوق در مورد گروهی از منافقان است که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بازگشت از جنگ تبوک دستور داد کسی با آنان نشست و برخاست نکند و سخن نگوید، این گروه منافق که حدود هشتاد نفر بودند، در فشار شدید اجتماعی قرار گرفتند، و در مقام عذرخواهی برآمدند. آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و پیشاپیش از حال آنان خبر داد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. تعبیر «يَعْتَذِرُونَ» فعل مضارع است و از آن استفاده می‌شود که خدا پیش‌تر به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان خبر داده بود که منافقان برای عذرخواهی به زودی نزد شما می‌آیند و شیوه پاسخ‌گویی به آنان را نیز به مسلمانان آموزش داد. ۲. مفسران درباره جمله «سَيَّرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ» دو احتمال بیان کرده‌اند: نخست آن که راه توبه و بازگشت به سوی منافقان باز است و دیگر آن که در آینده نیز خدا و فرستاده‌اش از اعمال و نقشه‌های منافقان آگاه می‌شوند «۲». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۷۳ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. نسبت به عذر تراشانی که در جهاد شرکت نمی‌کنند، با قاطعیت برخورد کنید و عذر آنان را نپذیرید. ۲. خدا در دنیا و آخرت علیه منافقان افشاگری می‌کند. ۳. خدا از پنهان و آشکار آگاه است. *** خدای متعال در آیه ۹۵ به سوگندهای منافقان اشاره کرده و با دستور به روی گردانی از آن‌ها، به شدت به آنان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۹۵. «سَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لَتُعَرِّضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجِسٌ وَمِأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ هنگامی که به سوی آنان باز گردید، بزودی برای شما به خدا سوگند یاد می‌کنند، تا از آنان صرف نظر کنید (و در گذرید)، پس از آنان روی گردانید؛ [چرا] که آنان پلیدند؛ و به کیفر آنچه همواره کسب می‌کردند، مقصدشان جهنم است!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق واژه «اعراض» به دو معنا به کار رفته است: نخست می‌فرماید: «منافقان از شما می‌خواهند که از آنان اعراض کنید؛ یعنی از آنان در گذرید؛ و سپس می‌فرماید: «شما از آنان اعراض کنید»، یعنی با خشم و انکار از آنان رو برتایید و آنان را نبخشید. این دو تعبیر مشابه با دو معنای متضاد، لطافت و زیبایی خاصی به آیه داده است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۷۴. ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان از مقدسات و حتی نام خدا و سوگند به آن، برای فریب مسلمانان استفاده

می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. فریب سوگندهای دروغین منافقان را مخورید. ۲. منافقانی را که بدون عذر به جبهه نمی‌روند، تحریم کنید. ۳. منافقان پلید و ناپاک‌اند. (زیرا نفاق سبب آلودگی روح انسان می‌شود). ۴. دوزخ نتیجه عمل کرد خود انسان است. ***

خدای متعال در آیه ۹۶ به نافرمانی منافقان و ناخشنودی خدا از آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۶. «يَخْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِن تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَإِيْرَضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»؛ برای شما سوگند یاد می‌کنند تا از آنان راضی شوید؛ و اگر [شما] از آنان راضی شوید، پس حتماً خدا از گروه نافرمان‌داران راضی نخواهد شد. نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه پیشین، منافقان برای مؤمنان سوگند یاد می‌کردند تا آنان را عفو کنند و در برابر آنان واکنش نشان ندهند؛ اما در این آیه می‌خواهند مسلمانان را با سوگند، از خود راضی کنند تا قلباً هم از آن‌ها ناراحت نباشند، بلکه خشنود باشند. ۲. منافقان برای خشنودی مسلمانان اهمیت چندانی قائل نبودند، ولی می‌خواستند کدورت‌های قلبی مؤمنان را بشویند تا در آینده از عکس‌العمل‌های آنان در امان بمانند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۷۵. ۳. آیه فوق به مسلمانان هشدار می‌دهد که منافقان فاسق و نافرمان‌بردارند؛ بنابراین، رضایت و خشنودی از آنان صحیح نیست؛ زیرا این دام فریبی است که بر سر راه مؤمنان پهن می‌کنند. ۴. منافقان و روش‌های آنان در همه عصرها وجود دارند، پس چه نیکو است مسلمانان همواره مواظب باشند تا منافقان با همان نیرنگ‌ها و دام‌ها، مقاصد شوم خود را پیاده نکنند. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان در پی جلب نظر مردم و رضایت آن‌ها هستند و کاری به رضایت خدا ندارند، در حالی که خدا از آنان ناخشنود است؛ بنابراین، اگر کسی رضایت خدا را بخواهد، نباید از منافقان راضی شود و گرنه از راه خدا جدا افتاده است. ۶. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: «هر کس به قیمت خشم مردم، در پی رضایت خدا باشد، خدا از او راضی می‌شود و مردم را نیز از او راضی می‌سازد، و هر کس با خشم خدا در پی جلب رضایت مردم باشد، خدا از او ناراضی می‌شود و دل مردم را نیز از او خشمگین و ناراضی می‌کند.» (۱) آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان در پی رضایت مردم‌اند، ولی شما در پی رضایت خدا باشید. ۲. خدا از منافقان راضی نیست؛ زیرا فاسق و نافرمان‌بردارند. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۷۶ خدای متعال در آیه ۹۷ منافقان صحرانشین را سرزنش می‌کند و می‌فرماید: ۹۷. «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ عرب‌های صحرانشین، در کفر و نفاق شدیدترند؛ و به ناآگاهی از حدود آنچه خدا بر فرستاده‌اش فرو فرستاده، سزاوارترند؛ و خدا دانای فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیات پیشین مطالبی درباره افکار و نقشه‌های شوم منافقان داخل شهر مدینه بیان شد و بدین جهت که مسلمانان نپندارند منافقان تنها این گروه هستند، به منافقان خشن صحراگرد اشاره کرده است که بارها مسلمانان را مورد هجوم قرار دادند. ۲. قرآن کریم در محیط جاهلی جزیره العرب ظهور کرد که به تمدن و شهرنشینی اهمیتی نمی‌داد؛ اما اسلام اهمیت ویژه‌ای برای عوامل تمدن‌ساز مانند شهرنشینی قائل شد و از این رو است که در آیه فوق می‌خوانیم: افرادی که در نقاط دور افتاده زندگی می‌کنند، از نظر معلومات و ایمان مذهبی عقب‌ترند. و در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «به مراکز بزرگ [جمعیت پیوندید؛ زیرا دست خدا با جماعت است.» (۱) تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۷۷. ۵. واژه «اعرابی» به معنای «صحرانشین» (۱) در برابر شهرنشین، در فرهنگ اسلامی یک مفهوم ارزشی شده است که چندان به مکان جغرافیایی وابسته نیست، بلکه نشان دهنده منطقه فکری و طرز تفکر انسان‌هاست و از این رو است که در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: هر کس از شما از دین خود به طور عمیق آگاه نشود، اعرابی است (۲). و یا امام علی علیه السلام خطاب به برخی اصحاب عصیان‌گرش فرمود: «بدانید که شما بعد از هجرت اعرابی شدید.» (۳) بنابراین، ممکن است کسی در شهر زندگی کند، ولی اعرابی و صحرانشین عقب افتاده و جاهل به شمار آید، و ممکن است کسی در بیابان‌ها و روستاها زندگی کند، اما به خاطر فرهنگ، دانش و ایمانش، انسانی شهرنشین و متمدن به شمار آید. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اگر کفر و نفاق با جهل و دوری از فرهنگ همراه شود، انحراف شدیدتر می‌شود. ۲. صحرانشینی یکی از عوامل جهل و ناآگاهی نسبت به فرهنگ دینی است. (پس با مراکز علمی و دینی ارتباط برقرار کنید) *** تفسیر قرآن مهر (ویژه

جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۷۸ خدای متعال در آیه ۹۸ به صفات برخی صحرائشینان منحرف اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۸. «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ و از عرب‌های صحرائشین کسانی هستند که آنچه را (در راه خدا) مصرف می‌کنند، زیان می‌شمارند؛ و برای شما حوادثی انتظار می‌کشند، حادثه بد، بر (خود) آنان است؛ و خدا شنوای داناست.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق اشاره شده که اعراب بادیه‌نشین، به دلیل نفاق، کفر، بخل و تنگ نظری‌شان، هر گونه خدمت مالی در راه خدا را ضرر می‌پندارند «۱» و حسادت آنان سبب می‌شود که همواره در انتظار بروز مشکلات و مصیبت‌هایی برای دیگران باشند، «۲» در حالی که مؤمنان مصرف مال در راه خدا را تجارتی پر سود می‌دانند و برای دیگران آرزوی خیر و نیکی دارند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مصرف اموال در راه خدا را ضرر نپندارید. ۲. منافقان منتظر حوادث تلخ باشند. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۷۹ خدای متعال در آیه ۹۹ به گروه مؤمنان صحرائشین اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۹. «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَّا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و از عرب‌های صحرائشین کسانی هستند، که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند؛ و آنچه را (در راه خدا) مصرف می‌کنند، [مایه نزدیکی‌هایی در پیشگاه خدا، و دعا‌های فرستاده [او] می‌شمارند؛ آگاه باشید که به راستی این [مایه نزدیکی آنان است. بزودی خدا آنان را در رحمتش در آورد؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیات پیشین حال اعراب صحرائشین منافق صفت بیان شد و برای این که کسی گمان نکند همه اعراب بیابان‌ها این گونه‌اند، در این آیه به صفات اعراب صحرائشین مؤمن و نیکوکار اشاره شده است. آری، این شیوه قرآن است که اگر گروهی را سرزنش می‌کند، خوبان آن‌ها را به فراموشی نمی‌سپارد. ۲. در آیه فوق برای بشارت به مؤمنان صحرائشین، تأکیدهایی پی در پی آورده شده است «۱» تا نشان دهد آنان با بخشش‌های خود در راه خدا به طور حتم به او نزدیک و در رحمت الهی غوطه‌ور می‌شوند، و در پایان آیه نیز به دو صفت آمرزندگی و مهربانی خدا اشاره شده است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۸۰. ۳. واژه «قُرْبَات» جمع «قُرْب» به معنای نزدیکی است، و در این جا جمع آمده است تا نشان دهد مؤمنان صحرائشین از انفاق خود، نزدیکی‌ها به سوی خدا می‌جویند؛ اما مقصود از نزدیکی به خدا، نزدیکی مکانی نیست؛ زیرا خدا جسم نیست تا در مکانی باشد، بلکه مقصود نزدیکی مقامی یعنی رفتن به سوی او است که کمال مطلق می‌باشد و منظور آن است که صفات جمال و جلال خدا بر صفحه فکر و جان انسان پرتو افکند. ۴. از آیه فوق استفاده می‌شود که اعتقادهای صحیح و قصد قربت افراد در مصرف اموالشان، در نزدیکی آن‌ها به خدا موثر است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مؤمنان صحرائشین را در کارهای خیر تشویق کنید. ۲. خدا مؤمنانی را که اموالشان را با قصد قربت در راه خدا می‌بخشند، غرق در رحمت خویش می‌سازد. ***

اقسام پیروان اسلام

خدای متعال در آیه ۱۰۰ به پیش‌گامان اسلام و پیروان راستین آنان و پاداش‌هایشان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۰۰. «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ و پیش‌گامان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که (به شایستگی) در نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از آنان خوشنود گشت، و آنان (نیز) از او خوشنود شدند؛ و بوستان‌هایی (بهشتی) برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر [درختان]ش روان است؛ در حالی که جاودانه در آن ماندگارند، این کامیابی بزرگ است!» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۸۱ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق اشاره شده است که خدا از مهاجرین، انصار و تابعین خوشنود می‌باشد؛ زیرا آنان ایمان و اعمال شایسته داشته‌اند. ۲. در آیه فوق آمده است که مهاجرین و انصار و تابعین نیز از خدا خوشنود هستند؛ زیرا هر چه می‌خواهند، خدا به آنان بخشیده و پاداش‌های فوق‌العاده‌ای به آنان ارزانی داشته است. ۳. مهاجرین و انصار پیش‌گامان انقلاب

اسلامی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که در هنگام تنهایی، محاصره و خطرات، به یاری او شتافتند. مهاجرین با تحمل شکنجه‌ها و تهمت‌ها، با عشق سوزان و اراده آهنین کنار پیامبر ماندند و خانه و بستگان خود را رها و به مدینه هجرت کردند. انصار نیز با آغوش باز از پیامبر و مهاجرین استقبال نموده، به آنان مسکن و غذا دادند و با تمام وجود از آنان دفاع کردند. ۴. واژه «احسان» ممکن است بیان وصف برنامه‌هایی باشد که تابعین از آن‌ها پیروی می‌کردند؛ یعنی تابعین از برنامه‌های نیکوی مهاجرین و انصار پیروی می‌کردند. همچنین امکان دارد «احسان» بیان وصف چگونگی پیروی باشد؛ یعنی تابعین به صورت شایسته‌ای از مهاجرین و انصار پیروی می‌کنند (۱). این احتمال نیز وجود دارد که مقصود آیه هر دو معنا باشد؛ یعنی پیروی تابعین نباید در حرف و ادعا خلاصه شود، بلکه باید پیروی نیکویی در زمینه عقاید، افکار و اعمال شایسته آنان باشد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۸۲. ۵. مقصود از «تابعین» همه گروه‌هایی است که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله یا زمان‌های بعد به اسلام پیوستند و هجرت کردند و یا مهاجرین را پناه دادند و از اسلام حمایت می‌کردند. و از برنامه و اهداف پیش‌گامان اسلام پیروی نمودند؛ به عبارت دیگر، مسئله هجرت، نصرت و تابعیت به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه محدود نمی‌شود، بلکه این مفهوم‌ها امروز نیز در شکل‌های دیگر وجود دارند و در آینده نیز وجود خواهند داشت و هر کس به نحوی در مسیر آن‌ها قرار گیرد، از تابعین خواهد بود (۱). ۶. درباره این که با سابقه‌ترین مسلمان چه کسی بوده است، همه مفسران و مورخان گفته‌اند که نخستین مسلمان زن، خدیجه-همسر فداکار پیامبر صلی الله علیه و آله- و نخستین مرد مسلمان حضرت علی علیه السلام است. (۲) - (۳) گفتنی است برخی دانشمندان اهل سنت از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند: «نخستین کسی که در کنار حوض [کوثر] بر من وارد می‌شود، نخستین کسی تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۸۳ است که اسلام آورده و او علی بن ابیطالب است.» (۱) ۷. بسیاری از صحابه و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله مردانی بزرگ و شایسته بودند، ولی همه آنان معصوم و بدون خطا و اهل بهشت نبوده‌اند، و این مطلب از سه جهت قابل اثبات است: نخست آن که در آیه فوق قید «احسان» درباره تابعین آمده است؛ یعنی تابعین از اعمال و افکار شایسته مهاجرین و انصار پیروی می‌کنند؛ بنابراین، این قید به طریق اولی در خود مهاجرین و انصار نیز هست. دوم آن که در قرآن کریم بارها سخن از منافقان گفته شده که به ظاهر مسلمان و یار پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. و در همین سوره نیز مطالب زیادی درباره آنان بیان شده است و در آیه بعد نیز تذکر داده خواهد شد، و نمی‌توان گفت این افراد معصوم و بهشتی هستند. و سوم آن که از نظر تاریخی ثابت شده برخی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از او مرتد یا منحرف شدند و حتی با امام علی علیه السلام جنگیدند. (۲) بنابراین، هر چند پیامبر صحابه بزرگی همچون علی علیه السلام، ابوذر، سلمان و ... داشت، اصحاب منافق صفت و منحرف نیز داشت که در مورد هر گروه بر اساس افکار و عقایدشان حکم می‌شود (۳). تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۸۴. ۸. در برخی تفسیرهای روایی آمده است که مقصود از «سابقین، مهاجرین و انصار کسانی هستند که ایمان آوردند و تصدیق کردند و بر ولایت علی علیه السلام ثابت ماندند» (۱). آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پیش‌گامی در نهضت یک ارزش است و پیش‌گامان در نزد خدا ارزشمندترند. ۲. پیروی از عقاید و کمالات و کردار نیکوی پیش‌گامان اسلام، یک ارزش است. ***
خداوند متعال در آیه ۱۰۱ به منافقان داخل مدینه و خارج آن و کیفر آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۰۱. «وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُتَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَبَعُدُّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابِ عَظِيمٍ؛ و از اطرافیان شما، برخی عرب‌های صحرائین منافقند؛ و برخی ساکنان مدینه (نیز) به دورویی خو گرفته [و سرکشی کرده‌اند، در حالی که (تو) آنان را نمی‌شناسی، (ولی) ما آنان را می‌شناسیم؛ بزودی آنان را دوبار عذاب می‌کنیم سپس به سوی عذاب بزرگی بازگردانده می‌شوند!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان چنان از حق عاری شده و بر کار خود مسلط و تمرین کرده (۲) بودند، که می‌توانستند خود را در صف تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۸۵ مسلمانان راستین جا بزنند بدون آن که کسی متوجه آنان شود. ۲. در آیه فوق به منافقان داخل و خارج مدینه توجه داده شده و از مسلمانان خواسته شده است که هر دو

گروه را زیر نظر بگیرند و از منافقان خارج شهر غافل نشوند، ولی توجه داشته باشند که منافقان داخل مدینه بر کار خود مسلطتر و خطرناک‌ترند. ۳. مقصود از این که می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله منافقان را نمی‌شناسد، شناخت پیامبر با علم عادی و معمولی است، و گرنه اشکالی ندارد که او از طریق وحی و اخبار غیبی از اسرار منافقان آگاه شود. ۴. مقصود از «عذاب بزرگ» همان مجازات‌های روز رستاخیز است، ولی در مورد دو عذاب دیگری که در آیه بدان‌ها اشاره شده، مفسران دو احتمال داده‌اند که براساس نخستین احتمال، مقصود رسوایی اجتماعی منافقان در دنیا و کیفر آنان هنگام مرگ است و براساس احتمال دوم، مقصود از عذاب دوم، ناراحتی درونی منافقان به جهت پیروزی‌های مسلمانان می‌باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مراقب منافقان داخلی و خارجی باشید. ۲. منافقان داخل شهر مرموزتر و خطرناک‌ترند. ۳. منافقان در دنیا و آخرت گرفتار عذاب می‌شوند. *** خدای متعال در آیه ۱۰۲ به مسلمانان خطاکار توبه کننده امید می‌دهد و می‌فرماید: ۱۰۲. «وَأَخْرُؤْنَ عَذَابًا لِّمَنْ ظَلَمَ وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَزُورٌ رَحِيمٌ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۸۶ و (گروه) دیگری که به پیامدهای (گناهان) شان اعتراف کردند، (و) کار شایسته را با (کار) بد دیگری در آمیختند، امید می‌رود که خدا توبه آنان را بپذیرد؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق این‌گونه حکایت شده که «أبو لبابه انصاری» و چند نفر دیگر از شرکت در جنگ تبوک خودداری کردند، ولی پس از نزول آیات سرزنش کننده، پشیمان شدند و خودشان را به ستون‌های مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بستند و سوگند یاد کردند که تا پیامبر آنان را باز نکند، همان‌جا بمانند. پیامبر صلی الله علیه و آله صبر کرد تا آیه فوق فرود آمد و آنان را از ستون باز کرد؛ سپس آن‌ها به شکرانه این موضوع همه اموال خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه کردند تا آن‌ها را در راه خدا مصرف کند؛ زیرا دل بستگی به آن اموال مانع رفتن آن‌ها به جبهه شده بود، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله صبر کرد تا آیه بعد فرود آمد و قسمتی از آن اموال را پذیرفت (۱). نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «عسی به معنای «شاید» است که معمولاً در مورد امیدواری و احتمال پیروزی و عدم آن گفته می‌شود؛ یعنی زمینه پذیرش توبه آنان وجود دارد، ولی خدا می‌خواهد آنان را در میان ترس و امید نگاه دارد تا مایه تکامل و تربیت آنان شود (۲). تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۸۷. ۲. به باور برخی مفسران، واژه «عسی اشاره به آن است که گناهکاران باید افزون بر توبه و پشیمانی، کارهای نیکی نیز انجام دهند و گذشته خود را جبران کنند تا توبه آنان پذیرفته شود (۱). ۳. آیه فوق درباره أبو لبابه و متخلفان جنگ تبوک فرود آمده است، ولی مفهوم آن وسیع است و شامل تمام افرادی می‌شود که اعمال نیک و بد را به هم می‌آمیزند و پشیمان می‌شوند و از این رو است که در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است: «آیه فوق در مورد شیعیان گناهکار ماست.» (۲) یعنی شیعیان گناهکار نیز از مصادیق آیه قرار می‌گیرند. ۴. هر چند جمع زیادی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله انسان‌های والا گهر و مجاهدان حقیقی و یاوران دین خدا بودند، ولی از آیه فوق استفاده می‌شود که همه آن‌ها عادل و معصوم نبودند و برخی از آنان مرتکب گناه نیز می‌شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اعتراف به گناه در پیش‌گاه خدا، زمینه‌ساز بخشایش الهی است. ۲. اگر لغزشی داشتید، توبه کنید که خدا آمرزنده و مهرورز است. *** خدای متعال در آیه ۱۰۳ به آداب گرفتن زکات و آثار سازنده آن اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۰۳. «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صِلَاتَكَ سَيَكُنْ لَهُمُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۸۸ از اموال آنان بخشش خالصانه (و مالیات زکات) را بگیر، که بوسیله آن، پاکشان سازی و رشدشان دهی؛ و برایشان دعا کن؛ [چرا] که دعای تو، برای آنان آرامشی است؛ و خدا شنوای داناست.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. بر طبق شأن نزولی که ذیل آیه قبل بیان شد، این آیه نیز در مورد أبو لبابه و توبه او است؛ اما این که در آن‌جا گفته شده بود پیامبر یک سوم مال پیش‌کشی او را پذیرفت و در این‌جا از زکات مال سخن که از یک سوم کم‌تر است، شاید بدین جهت باشد که پیامبر مقدار اضافی بر زکات را به عنوان کفاره گناه از آنان گرفت. ۲. واژه «صِدَقَةٌ» در قرآن کریم گاهی به معنای «زکات» می‌آید و این مطلب در سوره‌های مدنی بیشتر است و در آیه فوق یا به معنای زکات و یا به معنای کفاره گناه و یا بخشش مستحبی خالصانه می‌باشد. (۱) ۳. واژه «مِنْ»

در آیه فوق نشان می‌دهد که زکات همواره جزئی از مال است و شامل همه یا قسمت عمده آن نمی‌شود. ۴. واژه «خُذْ» نشان می‌دهد که رهبر مسلمانان و رئیس حکومت اسلامی می‌تواند زکات را از مردم بگیرد و لازم نیست منتظر میل مردم باشد که هرگاه خواستند، زکات را بپردازند. ۵. در آیه فوق بیان شده که زکات پاک کننده است؛ یعنی پرداخت کننده زکات را از رذایل اخلاقی همچون دنیاپرستی و بخل پاک می‌کند و نیز مفاسد و آلودگی‌هایی را که در جامعه به جهت فقر و فاصله طبقاتی به وجود می‌آید، از صحنه اجتماع پاک می‌سازد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۸۹. ۶. در آیه فوق بیان شده که زکات رشد دهنده است؛ یعنی در دل پرداخت کننده زکات، نهال نوع دوستی و سخاوت پرورش می‌یابد و در صحنه اجتماع، پیشرفت اقتصادی به وجود می‌آید. ۷. آیه فوق به پیامبر و ما می‌آموزد که در برابر انجام وظیفه‌هایی واجب مانند زکات نیز از مردم تشکر کنیم، و از طریق معنوی و روانی آنان را تشویق نماییم؛ زیرا که دعا سبب آرامش روحی مردم می‌شود و می‌بینند که اگر در ظاهر چیزی از دست داده‌اند، اما بهتر از آن را به صورت معنوی به دست آورده‌اند. ۸. در احادیث آمده است هنگامی که مردم زکات خود را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آوردند، با عبارت «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِمْ» به آنان دعا می‌کرد «۱». ۹. آیه فوق بر طبق شأن نزول درباره توبه ابولبابه و دوستانش است، ولی مفهومی وسیع دارد و یک قانون کلی را در مورد زکات و آداب گرفتن آن و آثار سازنده‌اش بیان می‌کند، و از این رو است که در برخی احادیث آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «آیا این آیه در زمان‌های بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جاری است؟ حضرت فرمودند: آری.» «۲». ۱۰. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: هنگامی که آیه زکات [آیه فوق فرود آمد، ماه رمضان بود؛ پس پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد شخصی به مردم ندا دهد که زکات مانند نماز بر شما واجب شد و زکات طلا، نقره، شتر، تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۹۰، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش را مشخص کرد و هر سال ماه رمضان مردم با صدای منادی، زکات خود را می‌پرداختند». آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مأموران مالیات اسلامی از مردم تشکر کنند و رابطه آنان عاطفی و معنوی باشد. ۲. پرداخت مالیات زکات از یک سو آلودگی‌های فرد و جامعه را پاک می‌سازد و از سوی دیگر، تکامل آفرین و رشد دهنده آنهاست. ۳. یکی از وظایف رهبر مسلمانان، گرفتن زکات است. *** خدای متعال در آیه ۱۰۴ با بیان این که توبه‌پذیر و گیرنده حقیقی زکات خداست، می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؟ آیا ندانسته‌اند که خدا، خود توبه را از بندگانش می‌پذیرد؛ و بخشش‌های خالصانه (و مالیات زکات) را می‌گیرد؛ و اینکه تنها خدا بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز است؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در شأن نزول دو آیه پیشین بیان شد که ابولبابه و دوستانش که از جنگ تبوک تخلف کرده بودند، اصرار داشتند پیامبر صلی الله علیه و آله توبه و اموال آنان را بپذیرد، ولی آیه فوق اشاره دارد که نه تنها توبه‌پذیری کار خداست، بلکه تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۹۱ گیرنده واقعی صدقات نیز خداست و پیامبر و افراد فقیری که صدقات را می‌پذیرند، در حقیقت نمایندگان خدا هستند. ۲. در برخی احادیث آمده است که پیشوایان معصوم شیعه هنگامی که صدقه می‌دادند، گاهی آن صدقه را می‌بوسیدند و یا صدقه را به فقیر می‌دادند سپس می‌گرفتند و بو می‌کردند و می‌بوسیدند و بر می‌گرداندند، و هنگامی که کسی از ایشان می‌پرسید چرا این گونه می‌کنید: می‌فرمودند: «صدقه به دست بنده نمی‌رسد، مگر این که قبل از آن در دست خدا قرار می‌گیرد و خدا برای انجام هر کاری فرشته‌ای قرار داده است؛ اما صدقه را خودش می‌گیرد.» «۱». ۳. در آیه فوق از «صدقات» سخن گفته شده که زکات و بخشش‌های دیگری را که برای رضای خدا انجام می‌گیرد، شامل می‌شود و این مطلب از احادیثی که ذیل آیه آمده است، به خوبی روشن می‌شود «۲». ۴. هر چند که اسلام کوشش دارد در جامعه اسلامی نیازمند باقی نماند، ولی در هر جامعه‌ای افرادی از کار افتاده، آبرومند و کودکان یتیم و مانند آنها هستند که لازم است از بیت المال یا با صدقات تأمین شوند؛ آیه فوق با اشاره لطیفی به مسلمانان هشدار می‌دهد که صدقه را با ادب و احترام به آنان بپردازید؛ زیرا گیرنده حقیقی آن خداست و این اشاره لطیف قرآن عظمت حکم زکات و صدقه را نیز مشخص می‌سازد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۹۲

آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. توبه‌پذیری مخصوص خداست و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله حق چنین کاری ندارد. ۲. گیرنده حقیقی زکات و صدقه خداست. (پس به بهترین صورت پردازید) *** خدای متعال در آیه ۱۰۵ به دیدن کارها و عرضه اعمال بر خدا، پیامبر و مؤمنان خاص اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۰۵. «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ (ای پیامبر) بگو: «عمل کنید! پس بزودی خدا و فرستاده‌اش و مؤمنان، کردار شما را می‌بینند! و بزودی، به سوی دانای نهران و آشکار، بازگردانده می‌شوید؛ و [او] شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید، با خبر می‌سازد!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آگاهی انسان از این که کسانی اعمال او را تحت نظر دارند، اثر عمیقی در پاک‌سازی اعمال و نیت‌های انسان دارد و سبب می‌شود انسان مواظب رفتار خود باشد، به‌ویژه اگر بداند که خدا، پیامبر و مؤمنان برجسته اعمالش را می‌بینند. ۲. در میان پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، بر اساس بسیاری از احادیث، مشهور و معروف است که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام از همه اعمال امت آگاه می‌شوند و کردارهای مردم از راه‌های خاصی بر آنان عرضه می‌شود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۹۳. ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: تمام اعمال مردم، خوب و بد آن، هر روز صبح بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود؛ پس مواظب باشید. (سپس به آیه فوق استشهاد کردند.) «۱» ۴. آیه فوق مطلق است و شامل همه اعمال نهران و آشکار می‌شود، در حالی که بسیاری از اعمال انسان‌ها معمولاً از مؤمنان دیگر پنهان است و از سوی دیگر، غیر مؤمنان نیز اعمال عادی انسان را می‌بینند، در حالی که تکیه آیه بر مؤمنان است؛ بنابراین، روشن می‌شود که مقصود از مؤمنان در آیه، افرادی خاص همچون حضرت علی علیه السلام هستند که جانشینان به حق پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشند که از نهران‌ها خبر دارند و از این رو است که در برخی احادیث، مقصود از مؤمنان در آیه «ائمه اطهار علیهم السلام» بیان شده است؛ «۲» ۵. در برخی احادیث تنها از عرضه اعمال بر پیامبر صلی الله علیه و آله سخن به میان آمده، و در برخی از امام علی علیه السلام نام برده شده و در برخی نیز تنها عصر پنج‌شنبه را وقت عرضه اعمال معرفی کرده و در برخی دیگر هر روز یا هفته‌ای دوبار یا آغاز هر ماه و یا هنگام مرگ و گذاردن در قبر معین شده است «۳»؛ البته این احادیث ممکن است همگی درست باشند و هر کدام مورد و مصداق خاصی از عرض اعمال را بیان کرده باشد؛ همان‌گونه که در مؤسسات گزارش کارکرد روزانه و هفتگی و ماهیانه و سالیانه وجود دارد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۹۴. ۶. مقصود از «رؤیت» در آیه فوق، علم یا معرفت و یا مشاهده محسوسات است؛ «۱» یعنی خدا که همه جا حضور دارد، همه اعمال را مشاهده می‌کند و بدان‌ها احاطه علمی دارد و مانعی ندارد که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام نیز هنگام عرضه اعمال و آگاهی از آن‌ها، خود اعمال را نیز ببینند و همچون فیلمی آن‌ها را مشاهده کنند. ۷. مراقب باشید پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام از شما ناراحت نشوند. امام عارفان در این مورد می‌فرمایند: «طبق بعضی آیات، «۲» به تفسیر برخی از روایات «۳» اعمال انسان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام عرضه می‌شود و از نظر مبارک آنان می‌گذرد. وقتی که آن حضرت به اعمال شما نظر کنند و ببینند که از خطا و گناه انباشته است، چقدر ناراحت و متأثر می‌گردند؟ نخواهید که رسول خدا ناراحت و متأثر شوند؛ راضی نشوید که قلب مبارک آن حضرت شکسته و محزون گردد...؛ ممکن است در حضور خدای تبارک و تعالی و ملائکه الله خجل گردد...؛ ممکن است خدای نخواسته شما را نفرین کند.» «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اعمال شما زیر نظر خدا و پیامبر و ائمه است (پس مواظب کردار خود باشید). ۲. برای روز بازبینی اعمال آماده باشید. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۹۵ خدای متعال در آیه ۱۰۶ به گروه دیگری از متخلفان اشاره کرده و با معلق کردن سرنوشت آنان می‌فرماید: ۱۰۶. «وَآخِرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِنَّمَا يُعَذِّبُهُمْ وَإِنَّمَا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ (سرنوشت گروهی) دیگر متوقف بر فرمان خداست، یا عذابشان می‌کند، و یا توبه آنان را می‌پذیرد؛ و خدا دانایی فرزانه است.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق دو گونه حکایت شده است؛ براساس برخی احادیث، آیه در مورد کافرانی است که با مسلمانان جنگیدند و افرادی را شهید کردند، سپس از کفر دست کشیدند و مسلمان شدند «۱» و بر طبق

آیه فوق سرنوشت آنان به فرمان الهی بستگی دارد. برخی مفسران نیز بر آنند که آیه فوق در مورد سه نفر از متخلفان جنگ تبوک فرود آمده که داستان کامل آن ذیل آیه ۱۱۸ همین سوره می‌آید «۲». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره دارد که این مسلمانان گناه کار، نه چنان ایمان محکم و اعمال پاکی دارند که بتوانند نجات یابند و نه چنان آلوده و منحرف‌اند که برای همیشه شقاوت‌مند گردند؛ پس به فرمان خدا واگذار می‌شوند «۳» تا بر اساس علم، حکمت خویش با آن‌ها چگونه معامله کند؟ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۹۶. ۲. از گروهی در آیه فوق و از گروهی در آیه ۱۰۲ سوره توبه یاد شد که مسلمان متخلف از جنگ تبوک و توبه کننده بودند و امید بخشش آنان می‌رفت. تفاوت این دو گروه در چند چیز است: یکی آن که گروه قبلی به سرعت توبه کردند و علامت پشیمانی خود را ظاهر نمودند و خود را به ستون مسجد بستند، ولی این گروه چنین نکردند. دوم آن که گروه نخست فقط از جنگ تبوک تخلف کردند، ولی گروه دوم (بر طبق برخی روایات) به گناه بزرگی همچون کشتن حمزه آلوده بودند و این چیزی نبود که بتوانند به آسانی جبران کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. دست خدا در مجازات یا عفو گناهکاران باز است، ولی بر اساس علم و حکمت خویش عمل می‌کند. ۲. درباره سرنوشت مسلمانان (خطاکار) داوری نکنید، بلکه سرنوشت آن‌ها را به خدا واگذار کنید. ***

ماجرای مسجد ضرار

خدای متعال در آیه ۱۰۷ به داستان مسجد ضرار و اهداف منافقان در مورد آن اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۰۷. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَاجًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسَيْنِ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ و (برخی منافقان) کسانی هستند که مسجدی برگزیدند، برای زیان رساندن، و کفر ورزیدن، و تفرقه‌افکنی بین مؤمنان، و کمینگاهی برای کسی که پیش از [آن با خدا و فرستاده‌اش جنگ کرده بود؛ و به طور تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۹۷ قاطع سوگند یاد می‌کنند که: «اراده‌ای جز نیکی نداشته‌ایم.» و [لی خدا گواهی می‌دهد که قطعاً آنان دروغ گویند.]] شأن نزول داستان نزول آیه فوق اینگونه حکایت شده که محرک اصلی ماجرای مسجد ضرار، مردی از اهالی مدینه به نام «ابو عامر» و از راهبان مسیحی و مرتبط با دربار رومیان بود. او در طراحی جنگ احد نیز دخالت داشت و پس از فتح مکه به دربار «هزقل» پادشاه روم رفت تا علیه مسلمانان لشگری بسیج کند و نامه‌ای به منافقان مدینه نوشت و نوید لشکر روم را داد و تأکید کرد که در مدینه پایگاهی برای خود بسازند. منافقان تصمیم گرفتند زیر نقاب مسجد، این برنامه را عملی سازند و از این رو، پیش از جنگ تبوک گروهی از منافقان مدینه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و به بهانه بیماران و پیرمردان اجازه خواستند مسجدی در نزدیکی مسجد قبا بسازند. و از آن حضرت نیز دعوت کردند که خود ایشان آن مسجد را افتتاح کند. پیامبر صلی الله علیه و آله کار را به پس از بازگشت از تبوک حواله کرد. آنان مسجد را ساختند و جوانی مسلمان را به امامت خویش برگزیدند. منافقان پس از بازگشت پیامبر از تبوک نیز آمدند و پیش از ورود ایشان به مدینه، تقاضای خود را بار دیگر مطرح کردند. در این هنگام پیک وحی فرود آمد و آیه فوق و چند آیه بعد را آورد و پرده از اسرار منافقان برداشت. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد مسجد مزبور را آتش زدند و پس از ویرانی، آن را به محل زباله‌های شهر تبدیل کردند «۱». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۹۸ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیات گذشته تاکنون به چهار گروه منافقان و متخلفان اشاره شده است: الف- گروهی از عرب‌های صحرائشین که کفر و نفاق شدیدی دارند «۱». ب- گروهی از منافقان داخل مدینه «۲». ج- گروهی از متخلفان از جنگ تبوک که گناه کردند ولی با اعتراف و توبه و صدقه بخشوده شدند «۳». د- گروهی سه نفری از منافقان یا گروهی از کافران که سبب شهادت بزرگانی همچون حمزه شدند و سرنوشت آنان به فرمان الهی واگذار گردید «۴». اینک، در آیه فوق به گروه پنجم منافقان اشاره شده که با نقشه‌ای ماهرانه به ایجاد پایگاهی برای دشمن در مدینه اقدام کردند. ۲. واژه «ضرار» به معنای زیان رساندن عمدی است؛

یعنی هدف منافقان بر خلاف ادعایشان، ساختن مسجد برای کمک به افراد ناتوان و نمازگزاران نبود، بلکه می‌خواستند به مسلمانان ضرر بزنند و حتی اگر بتوانند، نام اسلام را از صحنه روزگار محو کنند. ۳. مسجد قبا و مسجد ضرار نزدیک هم بود و منافقان قصد داشتند تا مؤمنان را به دو گروه تقسیم کنند و بین آنان تفرقه افکنند، و از تعبیرهای آیه تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۱۹۹ استفاده شده است که نباید فاصله بین دو مسجد آن چنان نزدیک باشد که بر کاهش جمعیت هر یک از آنها اثر بگذارد و جماعت مسلمانان بی‌روتق و بی‌روح شود. ۴. منافقان اهداف شوم خود را در ظاهری زیبا دنبال می‌کردند و قسم می‌خوردند که قصد خیر دارند؛ از این رو، خدا با چهار تأکید «۱» بر دروغ‌گویی آنان گواهی می‌دهد و سوگندهایشان را مردود می‌شمارد. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که نیت در اعمال مهم‌تر از ظاهر عمل است. اگر مسجد نیز با نیت زیان رساندن و تفرقه انداختن بنا شود، ثمری ندارد و باید ویران گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان از مذهب علیه مذهب استفاده می‌کنند (پس مسلمانان نباید به دنبال هر ندایی بروند). ۲. منافقان با ظاهری زیبا و با استفاده از مقدساتی همچون مسجد و سوگند، تبلیغات می‌کنند و اهداف شوم خود را دنبال می‌نمایند (پس مراقب باشید). ۳. مواظب پایگاه‌های داخلی دشمن باشید و اهداف آنها را شناسایی (و خنثی) کنید. ۴. وحدت مسلمانان مهم است و حتی اگر ساختن مسجدی سبب تفرقه مؤمنان شود، آن مسجد نامقدس است. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۰۰ عبادتگاه در قرآن و حدیث در اسلام، عبادت‌گاه مسلمانان «مسجد» نام دارد که احکام و مقررات خاصی برای آن قرار داده شده است. الف- مسجد در قرآن ۱. مساجد برای خدا (و پرستش او) است. (جن، ۱۸) ۲. مسجد محل عبادت و توجه به خداست. (اعراف، ۲۹) ۳. بر قبر اولیای الهی می‌توان مسجد ساخت (تا بنای یادبود باشد) (کهف، ۲۱) ۴. ستم‌کارترین مردم کسی است که مانع ذکر خدا در مساجد شود. (بقره، ۱۱۴) ۵. ایمان به خدا و رستخیز، عامل اساسی آبادی مساجد است. (توبه، ۱۸) ۶. حفظ مساجد و عبادت‌گاه‌های غیرمسلمانان از خرابی و نابودی مهم است. (حج، ۴۰) یادآوری‌ها ۱. در مسجدی که محل توطئه منافقان و دشمنان اسلام شده، نماز نگذارید. (توبه، ۸-۱۰۷) ۲. ثواب سیراب کردن حاجیان و آباد کردن مساجد، همچون ثواب مومنان مجاهد نیست. (توبه، ۱۹) تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۰۱ ب- مسجد در احادیث ۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: مسجدها خانه‌های خدا در زمین است. (بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۸۴) ۲. همو: هر کس مسجدی بسازد، خدا در بهشت برای او خانه‌ای می‌سازد. (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵) ۳. نماز خانه در داخل منزل از امام علی علیه السلام روایت شده است که: در خانه خود اتاق کوچکی قرارداد بود و در آن نماز می‌خواند، و در آن اتاق فقط فرش، شمشیر و قرآن بود. (بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۶۱) و از برخی اصحاب امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت به من نوشتند: دوست دارم در خانه‌ات مسجدی برای خودت قرار دهی. (همان، ج ۸۴، ص ۲۴۴) ج- آداب مسجد ۲. مسجد بر اساس تقوی بنا شود. (توبه، ۱۰۸) ۳. مانع ورود مردم به مسجد و یاد خدا در آن نشوید. (حج، ۲۵؛ مائده، ۲؛ بقره، ۱۱۴) ۴. مسجد را برای نمازگزاران پاکیزه کنید. (بقره، ۱۲۵؛ حج، ۲۶) تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۰۲ ۵. احترام مسجد را نگاه دارید و نزدیک آن جنگ نکنید، مگر این که مجبور شوید. (بقره، ۱۹۱) ۶. در مسجد همه توجه خویش را به پروردگار معطوف کنید. (اعراف، ۲۸) ۷. مشرکان به مسجد نزدیک نشوند. (توبه، ۲۸) ۸. آبادی و تعمیر مساجد بر عهده مومنان است و مشرکان حق این کار را ندارند. (توبه، ۱۷-۱۸) ۹. از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که آبادی مسجد آن است که «صدا در آن بلند نکنید، مشغول مطالب باطل نشوید، در آن خرید و فروش نکنید، و کارهای بیهوده را ترک کنید.» (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۸۵) ۱۰. از امام علی علیه السلام حکایت شده که نماز برای همسایه مسجد نیست مگر در مسجد، مگر این که عذری داشته باشد، یا مریض باشد. از ایشان پرسیدند: همسایه مسجد کیست؟ فرمود: هر کس صدای (موذن) را بشنود. (همان، ج ۸۳، ص ۳۷۹) ۱۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: مسجد را محل عبور و راه قرار ندهید مگر این که در آن دو رکعت نماز بخوانید. (بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۲۸) یادآوری: برخی مطالب که در آیات مربوط به مسجد الحرام بیان شده است، با الغای خصوصیت شامل مساجد دیگر نیز

می‌شود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۰۳ د- مساجد با عظمت ۱. مسجد الحرام قبله مسلمانان است. (بقره، ۱۴۴، ۱۴۹ و ۱۵۰) ۲. مسجد الحرام خاستگاه معراج پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (اسراء، ۱) ۳. مسجد الاقصی مقصد معراج پیامبر و اطراف آن مبارک است. (اسراء، ۱) ۴. در احادیث از مسجد قبا، مسجد کوفه، مسجد سهله به عظمت یاد شده است. (ر. ک: میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۹۸) تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۰۴ خدای متعال در آیه ۱۰۸ با معرفی مسجدی نیکو به مسلمانان، به پیامبر دستور مبارزه منفی با مسجد ضرار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۰۸. «لَاتَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسِجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست! حتماً مسجدی که از روز نخست بر پارسایی (و خود نگهداری) بنیانگذاری شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند؛ و خدا پاکیزگان را دوست دارد.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. به گفته مفسران مقصود از مسجد نیکویی که در آیه فوق بدان اشاره شده، مسجد قبا است که در نزدیکی مسجد ضَرَر قرار داشت و اولین مسجدی بود که در مدینه ساخته شد «۱». البته این احتمال نیز داده شده که مقصود، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه یا هر مسجدی باشد که بر اساس تقوا بنا شود. ۲. واژه «أَحَقُّ» به معنای «شایسته‌تر و سزاوارتر» است، ولی در آیه فوق منظور مقایسه بین شایسته و شایسته‌تر نیست، بلکه مقایسه بین مسجد ضَرَر ناشایست و مسجد قبا شایسته است؛ مانند آن که بگوییم: برای شما پاکی از ناپاکی بهتر است «۲». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۰۵ ۳. مقصود از طهارت و پاکیزگی در آیه فوق معنای وسیع آن است؛ یعنی هرگونه پاک‌سازی روح از شرک و گناه و یا پاکی جسم از آثار آلودگی را شامل می‌شود. ۴. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که به اهل مسجد قبا فرمودند: «شما در هنگام پاک ساختن خود چه کاری انجام می‌دهید که خدا شما را این‌گونه ستایش کرد؟ گفتند: ما آثار مدفوع را با آب می‌شویم.» البته روشن است که این‌گونه احادیث دلیل بر انحصار مفاد آیه نمی‌شود، بلکه بیان یکی از مصادیق آیه است «۱». ۵. از آیه فوق می‌آموزیم که هرگاه چیز بدی را از مردم گرفتیم، چیز نیکویی به جای آن معرفی کنیم؛ اگر نماز در مسجد ضرار ممنوع می‌شود، بی‌درنگ مسجد نیکوی دیگری به جای آن معرفی می‌گردد. آری، این نفی و اثبات روش و شعار اسلام است، یعنی اگر کسی از تفریح‌های ناسالم جلوگیری می‌کند، باید وسایل تفریح‌های سالم را فراهم سازد؛ اگر فحشا و بی‌عفتی ممنوع می‌شود، باید وسایل ازدواج آسان گردد. ۶. از آیه فوق استفاده می‌شود که کانون مثبت دینی، پایگاهی است که دو ویژگی داشته باشد: نخست آن که شالوده و هدف آن از آغاز پاک باشد. دوم این که افراد و حامیان آن، انسان‌هایی درست‌کار و پاک باشند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۰۶ ۷. در آیه فوق به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می‌شود که در مسجد ضرار نماز نگذارد؛ اما مقصود همه مسلمانان هستند و خطاب به آن حضرت از این رو است که وی رهبر و الگوی دیگران می‌باشد. ۸. برخی افراد از آلودگی‌های روحی و جسمی بر اساس فرمان الهی و ترس از جهنم پرهیز می‌کنند؛ اما برخی پاک‌اند؛ زیرا پاکی را دوست دارند، و این خود نوعی کمال برای انسان به شمار می‌رود که در آیه فوق از آن به نیکی یاد شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پایگاه‌های دشمن در شهرهای اسلامی را تحریم کنید، حتی اگر آن پایگاه به نام مسجد بنا شده باشد. ۲. اگر مردم را از رفتن به مراکز فساد باز داشتید، مراکز سالم و شایسته را به آنان معرفی کنید. ۳. علاقه به پاکی نیز خود کمال انسان به شمار می‌رود. ۴. انسان‌های پاک محبوب خداوند. ۵. ارزش هر مسجد به پاک بنیادی و افرادی نیک است که در آن رفت و آمد می‌کنند. *** خدای متعال در آیه ۱۰۹ به مقایسه بین دو گروه مؤمن و منافق و کارهای آنان می‌پردازد و می‌فرماید: ۱۰۹. «أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارٌ بِهٍ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۰۷ و آیا کسی که ساختمانش را بر پارسایی (و خود نگهداری) و خشنودی خدا بنیانگذاری کرده، بهتر است، یا کسی که ساختمانش را بر کنار پرتگاه فرو ریختنی بنیان نهاده است، و او را در آتش جهنم فرو می‌افکند؟ و خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «بُنْيَان» به معنای ساختمان، «شَفَا» به

معنای لبه چیزی و «جُرْف» به معنای کنار نهر یا چاه است که آب زیر آن را خالی کرده باشد و «هار» به معنای شخص یا ساختمان سستی است که در حال سقوط باشد؛ یعنی «نفاق» ظاهری زیبا دارد، ولی محتوا و بنیان آن سست و در حال سقوط است. ۲. تشبیه فوق در نهایت روشنی، بی‌ثباتی کار منافقان و استحکام کار مؤمنان و برنامه‌های آنان را بیان می‌کند. مؤمنان همچون کسی هستند که ساختمان خود را بر زمین محکم و با مصالحی پر دوام ساخته است و منافقان همچون کسی هستند که ساختمان خود را بر لبه رودخانه‌ای که سیلاب زیر آن را خالی کرده و در حال سقوط می‌باشد بنا کرده است. ۳. در آیه فوق اشاره شده که منافقان ستم کارند؛ زیرا با جدایی از قوانین آفرینش و واقعیت‌ها، هم به خود ستم می‌کنند و هم به جامعه، و خدا این‌گونه افراد را هدایت نمی‌کند. ۴. هدایت الهی یعنی فراهم ساختن مقدمات برای رسیدن به مقصد، و این هدایت تنها شامل حال گروهی می‌شود که شایستگی، استحقاق و آمادگی دارند و از این رو، شامل ستم‌کاران نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۵۲۰۸. از آیه فوق استفاده می‌شود که ارزش کارها و مکان‌ها، به نیت‌هایی است که شالوده عمل بر آن نهاده می‌شود. آری، برخی مسجدها انسان‌ها را به خشنودی خدا رهنمون می‌شود و برخی مسجدها حتی بنیان‌گذاران خود را به دوزخ می‌افکند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. بنیاد منافقان بر پرتگاهی سست است. ۲. نفاق و سوء استفاده از مکان‌های مذهبی ستم‌کاری است. ۳. اموری که زیر ساخت آن‌ها تقواست، بر امور دیگر ترجیح دهید. *** خدای متعال در آیه ۱۱۰ به شک آفرینی پایگاه‌های منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۱۰. «لَمَّا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ ساختمانی که آنان ساختند، همیشه (به عنوان سبب) تردید، در دل‌هایشان باقی می‌ماند؛ مگر اینکه دل‌هایشان پاره پاره شود، و خدا دانای فرزانه است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. منافقان به طور دائم در یک حالت حیرانی و سرگردانی و شک بسر می‌برند و حتی کانون نفاق آنان، یعنی مسجد ضرار، به عامل دیگری برای لجاجت و شک آفرینی تبدیل می‌شود و پیامبر صلی الله علیه و آله هر چند مسجد ضرار را تخریب کرد و سوزاند، گویی نقش آن از دل پر تردیدشان از بین نمی‌رود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۰۹. در این آیه اشاره شده که شبهه و تردید، شخصیت انسان را پاره پاره می‌کند و هر بعد آن را به سوی خاصی می‌کشد. آری، شک و شبهه همچون خوره به جان آدمی می‌افتد و تا او را از درون متلاشی نکند، از کار نمی‌ایستد. البته اگر شک عامل حرکت، مطالعه و ژرف‌نگری گردد مفید است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. همیشه پایگاه‌های منافقان، شک آفرین است. ۲. پایگاه‌های شما تردید آفرین و شبهه‌انگیز نباشد (بلکه یقین آور و دانش‌افزا باشد). *** خدای متعال در آیه ۱۱۱، مؤمنان را به معامله‌ای پر سود بشارت می‌دهد و با یادآوری پاداش مجاهدان می‌فرماید: ۱۱۱. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعِدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ الَّتِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ در حقیقت خدا، از مؤمنان جان‌هایشان و اموالشان را خریداری کرده، به (بهای) اینکه بهشت برای آنان باشد؛ (چراکه) در راه خدا پیکار می‌کنند، و می‌کشند و کشته می‌شوند؛ [این وعده حقیقی است، که در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست؛ و چه کسی به عهدش، از خدا وفادارتر است؟! پس بخاطر معامله‌تان، که با او معامله کردید، شادمان باشید؛ و تنها این کامیابی بزرگ است!]» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۱۰. نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق یک تشبیه زیباست و حال مجاهدان و پاداش آنان را با یک مثال تجارت بیان کرده (۱) است؛ به این بیان که در هر معامله یا تجارتي پنج رکن اساسی وجود دارد که عبارت‌اند از: - خریدار که در این جا خدا خریدار جان و مال مؤمنان معرفی شده است. - فروشنده که مؤمنان مجاهد هستند. - کالای مورد معامله که در این جا جان‌ها و اموال مؤمنان است. - بهای کالا- که در این جا بهشت بهایی است که خدا می‌پردازد. خرم آن روز که جان می‌رود اندر طلبت تا بیابند عزیزان به مبارک بادم (سعدی) - سند معامله که در این جا تورات، انجیل و قرآن به عنوان سه سند محکم این معامله معرفی شده‌اند. ۲. در معامله فوق، افزون بر ارائه سند‌های محکم، اشاره شده که خود خریدار، یعنی خدا، وفادارترین شخص نسبت به عهد خویش می‌باشد که از ارائه هر سندی مهم‌تر است. ۳. خدا وفادارترین شخص در وعده‌های خود است؛ زیرا هم قدرت

پرداخت دارد و هم نیازی ندارد تا بهای دیگران را نپردازد، و هم کاری بر خلاف حکمت انجام نمی‌دهد؛ بنابراین، هر چند بهای این معامله بهشت است، خطرهای تجارت نسبه را ندارد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۱۱.۴ در پایان معامله، به خریدار تبریک و مژده می‌دهند که معامله پر سودی کرده و به کامیابی و رستگاری رسیده است. قالب مجروح اگر در خاک و خون غلطد چه باک روح پاک اندر جوار لطف ربّ العالمین (سعدی) ۵. آیه فوق نشان دهنده اوج لطف الهی به انسان است؛ زیرا خدا با آن که مالک همه جهان است و کسی بر او حقی ندارد، مواهبی را که خود به بندگان بخشیده، از آنان می‌خرد و بهایی صد چندان در برابر آن‌ها بر عهده می‌گیرد و می‌پردازد و جهادی را که موجب سربلندی و پیروزی ملت‌هاست، به عنوان کالای معامله از انسان می‌خرد. ۶. در حدیثی آمده است: هنگام نزول آیه فوق پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد بود و حضرت آیه را با صدای بلند خواند و مردم تکبیر گفتند. مردی از انصار پرسید: آیا این آیه بود که فرود آمد؟ حضرت پاسخ داد: آری، و آن مرد گفت: چه معامله پر سودی! نه این معامله را پس می‌دهیم و نه اگر از ما پس خواستند، می‌پذیریم! «۱» نوحه لایق نیست بر خاک شهیدان ز آن که هست کم‌ترین دولت ایشان را بهشت برترین (سعدی) ۷. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «برای بدن‌های شما بهایی جز بهشت نیست، پس خود را به کم‌تر از آن نفروشید.» «۲» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۱۲.۸ از آیه فوق استفاده می‌شود که ارزش مجاهدان و جهاد، مخصوص تعالیم اسلام نیست، بلکه در یهودیان و مسیحیان نیز مطرح بوده است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا خریدار شماست؛ پس خود را به دیگران نفروشید و با او معامله کنید که معامله با خدا پر سود و پرداخت آن یقینی است. ۲. هدف جهاد اسلامی کمک به راه خداست. ۳. بهشت، پاداش مجاهدان است چه شهید شوند و یا زنده بمانند و دشمن را نابود کنند. * * * خدای متعال در آیه ۱۱۲ ویژگی‌های مؤمنان مجاهد را برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۱۱۲. «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهِيُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ (آن مؤمنان)، توبه کنندگان، پرستش کنندگان، ستایش کنندگان، روزه‌داران، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، فرمان دهندگان به [کار] پسندیده، و منع کنندگان از [کار] ناپسند، و پاسداران مرزهای خدایند؛ و مؤمنان را مژده ده!» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. واژه «سائِحون» در اصل به معنای سیاحت، استمرار و جریان است و تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۱۳ مفسران در مورد مقصود آیه فوق چند احتمال داده‌اند: - منظور رفت و آمد در کانون‌های عبادت و مساجد است؛ همان‌گونه که در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «سیاحت امت من در مساجد است.» «۱» - مقصود روزه‌داری است؛ زیرا روزه یک کار مستمر سراسر روز است؛ همان‌گونه که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: «سائِحان روزه‌دارانند.» «۲» - مقصود از سیاحت، گردشگری و جهان‌گردی است. - منظور از سیاحت، حرکت به سوی جهاد و میدان مبارزه است؛ همان‌گونه که در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «سیاحت امت من جهاد در راه خداست.» «۳» - مقصود از سیاحت، سیر عقلی و فکری در مسائل جهان هستی است. البته معنای اول با سیاق آیه سازگارتر است، ولی مانعی ندارد که همه این معانی در آیه فوق اراده شده باشد. ۲. در میان نه صفت که برای مؤمنان مجاهد در آیه فوق شمرده شد، شش صفت اول به جنبه خودسازی و تربیتی افراد مربوط است، و صفت هفتم و هشتم (امر به معروف و نهی از منکر) به وظایف اجتماعی و پاک‌سازی محیط جامعه ارتباط دارد. وقت سخن مترس و بگو آنچه گفتنی است شمشیر روز معرکه زشت است در نیام تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۱۴ صفت نهم (حفاظت از حدود الهی و اجرای قوانین) به مسئولیت‌های همگانی در مورد تشکیل حکومت صالح و شرکت فعال در مسائل مثبت سیاسی مربوط می‌باشد. ۳. همه صفات فوق به صورت اسم فاعل آمده است تا بر ثبات دلالت داشته باشد؛ یعنی رسوخ و ثبات این کمالات در انسان مطلوب است. ۴. بشارت مطرح شده که در آیه فوق به صورت مطلق آمده است و مفهوم وسیعی دارد که شامل هر نوع خیر و سعادت می‌شود. ۵. براساس برخی احادیث، مقصود از کسانی که صفاتشان در آیه فوق شمرده شده، اهل بیت علیهم السلام هستند. «۱» روشن است که این‌گونه احادیث مصداق کامل این آیه را بیان می‌کنند، ولی مفهوم آیه به آنان محدود نمی‌شود.

آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مؤمنان مجاهدی اهل بهشتند که خود را با عبادت بسازند و در برابر مسئولیت‌های اجتماعی نیز از خود واکنش نشان دهند. ۲. در کنار جامعه‌سازی به خودسازی اقدام کنید که هر دو مطلوب اسلام است. *** خدای متعال در آیه ۱۱۳ به ناشایسته بودن طلب آموزش برای مشرکان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۱۳. «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ»؛ برای پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، شایسته نیست که برای مشرکان تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۱۵ - پس از آنکه برایشان روشن گردید که آنان اهل دوزخند - طلب آموزش کنند؛ و گرچه نزدیکان (شان) باشند. «شان نزول داستان نزول آیه فوق این گونه حکایت شده است که گروهی از مسلمانان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عرض کردند: آیا برای پدران ما که در عصر جاهلیت از دنیا رفتند، آموزش می‌طلبی؟ آیه فوق فرود آمد و به همگان هشدار داد که هیچ کس حق ندارد برای مشرکان طلب آموزش و استغفار کند (۱) - (۲). تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۱۶ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. استغفار برای مشرکان ممنوع است؛ از سویی طلب آموزش نوعی اظهار محبت و پیوند با مشرکان است که قرآن کریم بارها آن را ممنوع کرده است، (۱) و از سوی دیگر، این کاری بیهوده است؛ زیرا مشرکان قابلیت آموزش ندارند. ۲. این آیه اشاره دارد که در نظر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و پیروان او، عقاید و مکتب زیر بناست و در مواقع تعارض این زیر بنای اساسی با پیوند خویشاوندی و پیوندهای مشابه، آن را مقدم می‌دارند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. اصل، پیوند مکتبی است و پیوندهای خویشاوندی تحت شعاع آن قرار گیرد. ۲. برای مشرکان طلب آموزش نکنید که کاری بیهوده است و آنان اهل جهنم می‌باشند. *** خدای متعال در آیه ۱۱۴ به طلب آموزش ابراهیم برای آزر و سبب آن اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۱۴. «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَاهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ»؛ و طلب آموزش ابراهیم برای پدر (مادرش یا عموی) ش نبود، جز بخاطر وعده‌ای که آن را به او وعده داده بود؛ و [الی هنگامی که برای او تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۱۷ روشن شد که وی دشمن خداست، نسبت به او، وعده (اش) را کنار گذاشت؛ قطعاً ابراهیم بسیار غمخوار (و) بردبار بود. «نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. سوره توبه در اواخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی در سال نهم هجری فرود آمده و آیه فوق جزو این سوره است؛ از سوی دیگر، مسلمانان در آیاتی دیگر مانند آیه ۴۷ سوره مریم (۱) و آیه ۸۶ سوره شعراء (۲) و آیه ۴ سوره ممتحنه (۳) خوانده بودند که ابراهیم علیه السلام برای آزر استغفار کرد، در حالی که آزر یک مشرک بود؛ از این رو، این پرسش در ذهن‌ها جای می‌گرفت که اگر طلب آموزش برای مشرکان جایز نیست، چرا ابراهیم برای آزر استغفار کرد؟ آیه فوق در پاسخ به این پرسش، توجه داد که وضع پدران مرده شما با آزر متفاوت است. ۲. از آیات فوق استفاده می‌شود که ابراهیم علیه السلام انتظار داشت به وسیله وعده استغفار به آزر، او را به سوی ایمان و توحید جذب کند و در حقیقت استغفار او آن بود که «خدایا گناهان گذشته او را ببخش و او را هدایت نما». اما هنگامی که آزر با حالت شرک از دنیا رفت، دیگر ابراهیم برای او استغفار نکرد (۴). تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۱۸. ۳. از آیه فوق براساس این تفسیر استفاده می‌شود که مسلمانان می‌توانند برای دوستان و بستگان مشرکشان تا هنگامی که در حیات هستند، آموزش مطلبند و برای هدایتشان دعا کنند، ولی پس از مرگ کفرآلود آنان، دیگر جای استغفار باقی نمی‌ماند و از این رو بود که در آیه قبل به مسلمانانی که برای نیاکان خود تقاضای استغفار داشتند، پاسخ منفی داد و آن را ممنوع اعلام کرد. ۴. «آزر» که در قرآن به عنوان پدر ابراهیم از او یاد شده، در حقیقت پدر مادر او یا عمویش بوده است، ولی در فرهنگ عرب گاهی پدر مادر و عمو، پدر نیز گفته می‌شود. بررسی این مطلب ذیل آیه ۷۴ انعام آمده است. ۵. واژه «اواه» در اصل به معنای «ناراحتی» است، و نیز به معنای کسی به کار می‌رود که بسیار دعا می‌کند و کسی که خاشع باشد، و به معنای مهربان، توبه‌کار و بایقین نیز آمده است (۱). آری، ابراهیم علیه السلام فردی دعا کننده، فروتن، مهربان، با یقین و بردبار بود. ۶. از آیه فوق استفاده می‌شود که پیامبران الهی در مورد کافران نیز وفای به عهد می‌کردند و این درسی بزرگ برای همه مؤمنان است. ۷. از آیه فوق استفاده می‌شود که هرگاه مطلب حقی سبب بدگمانی نسبت به برخی کارهای اولیای الهی

شود، لازم است با توضیح و توجیه صحیح بدگمانی برطرف گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پیامبران الهی پیوند مکتبی را بر پیوند خویشاوندی مقدم می‌دارند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۱۹. ۲. با توضیحات مناسب، بدگمانی‌ها را از پیامبران برطرف کنید. ۳. به وعده خویش وفا کنید، اگر چه به مشرکان وعده داده باشید. ۴. هرگاه دشمنی کسی با خدا آشکار شد، از او بیزاری بجوید. *** خدای متعال در آیه ۱۱۵، مجازات قبل از آگاهی‌بخشی را نفی کرده و می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ و خدا هرگز گروهی را بعد از آنکه آنان را راهنمایی کرد، گمراه (و مجازات) نمی‌کند؛ تا آنچه را (باید از آن) خودنگهداری کنند، برایشان روشن بیان کند؛ [چرا] که خدا به هر چیزی داناست.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق دو گونه حکایت شده است: یکی آن‌که آیه در مورد گروهی از مسلمانان است که قبل از فرود آمدن واجبات، از دنیا رفتند و جمعی پنداشتند که شاید گرفتار مجازات الهی شوند، آیه فوق فرود آمد و این مطلب را نفی کرد، «۱» و دیگر آن‌که گروهی از مسلمانان قبل از نزول آیات سابق، برای مشرکان استغفار می‌کردند و اینک نگران اعمال گذشته خود بودند، آیه فرود آمد و به آنان اطمینان داد که به خاطر اعمال گذشته‌ای که ناآگاهانه انجام داده‌اند، مجازات نخواهند شد «۲».

تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۲۰ البته ممکن است هر دو شأن نزول صحیح باشد؛ زیرا قابل جمع است؛ یعنی آیه به دو مناسبت مقارن فرود آمده باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره لطیفی به این حقیقت است که همواره گناهان، سرچشمه گمراهی بیشتر و دور ماندن از مسیر هدایت است. آری، اگر کسی خلاف تقوا عمل کرد، خدا او را رها می‌کند و سرگردان، گمراه و به مجازات الهی گرفتار می‌شود. «۱» ۲. آیه فوق به قانونی اشاره دارد که عقل انسان آن را تأیید می‌کند؛ یعنی تا وقتی قانون‌گذار حکمی را بیان نکرده، نباید کسی را به خاطر آن مجازات کند؛ به عبارت دیگر، مسئولیت و تکلیف پس از بیان قانون است که از این مطلب با عنوان قاعده «قبح عقاب بلا بیان» و اصل «برائت» یاد می‌شود؛ یعنی تا هنگامی که دلیلی بر وجوب یا حرمت چیزی نداشته باشیم، مسئولیتی در برابر آن نداریم و برای ما مجاز است «۲» ۳. در تفسیر آیه فوق، از امام صادق علیه السلام آمده است: «[خدا کسی را مجازات نمی‌کند] تا زمانی که به او بفهماند و معرفی کند که چه چیزهایی موجب خشنودی و چه چیزهایی موجب خشم او است.» «۳» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۲۱ برخی مفسران این حدیث و تعبیرات آیه را شاهد آن گرفته‌اند که آیه فوق شامل بیان مستقلات عقلیه (مانند خوبی عدالت و زشتی ظلم) نمی‌شود؛ زیرا این‌ها موضوع‌های مبهمی نیست تا نیاز به بیان داشته باشد. ۴. در آیه فوق به علم بی‌پایان الهی اشاره شده است؛ یعنی این مطلب از علم الهی سرچشمه گرفته و علم الهی اقتضا دارد تا چیزی را برای مردم بیان نکرده، کسی را در برابر آن مسئول نداند و مؤاخذه نکند. ۵. هدایت و گمراهی انسان از سوی خدا به معنای جبر نیست، بلکه او مطالب را بیان و مقدمات گمراهی و هدایت را برای انسان فراهم می‌نماید و عوامل خودنگهداری و پارسایی را بیان کرده و اتمام حجت می‌کند و این خود انسان است که تصمیم می‌گیرد کدام راه را انتخاب کند، ولی از آن‌جا که این مقدمات از خداست، هدایت و گمراهی به او نسبت داده می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. مجازات، پس از بیان روشن‌گری و اتمام حجت است. ۲. خلاف پارسایی و تقوا عمل نکنید که رها، سرگردان و مجازات می‌شوید. *** خدای متعال در آیه ۱۱۶ به قدرت و حکومت الهی و ولایت منحصر به فرد او اشاره کرده و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ؛ براستی که خدا فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط برای اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ و جز خدا، هیچ سرپرست و یآوری برای شما نیست.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۲۲ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. براساس آیه فوق با توجه به این‌که همه قدرت‌ها در جهان هستی از آن خداست، شما نباید بر غیر او تکیه کنید و با بیگانگان پیوند دوستی برقرار سازید و آنان را پناه‌گاه خود قرار دهید «۱» ۲. مقصود از این‌که سرپرست و یآوری غیر خدا نیست، آن است که بر غیر او به طور مستقل تکیه نکنید و منظور آن نیست که از اسباب طبیعی جهان برای رسیدن به اهداف خود استفاده ننمایید. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. زندگی، مرگ و همه چیز جهان به دست خداست. ۲. هیچ تکیه‌گاهی غیر از خدا ندارید. (پس فقط از او یاری بجوید.)

ماجرای متخلفان از جنگ تبوک

خدای متعال در آیه ۱۱۷ به فداکاری پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در جنگ تبوک و رحمت الهی بر آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۱۷. «لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ؛ مسلماً خدا [با رحمت خویش بر پیامبر و مهاجران و انصار بازگشت، که در هنگامه سختی (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند؛ بعد از آنکه نزدیک بود دل‌های دسته‌ای از آنان، (از حق) منحرف شود؛ سپس [خدا] توبه آنان را پذیرفت؛ [چرا] که او [نسبت به آنان مهربانی مهرورز است. «تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۲۳ شأن نزول به گفته مفسران، آیه فوق درباره جنگ تبوک نازل شده است که مسلمانان در آن جنگ با مشکلات زیادی روبه‌رو بودند؛ به گونه‌ای که گروهی از آنان متزلزل شدند و تصمیم گرفتند بازگردند ولی با لطف و توفیق الهی پا بر جا ماندند. همچنین این آیه درباره «أبو حیثمه» فرود آمده که بر اثر سستی به جنگ تبوک نرفت و در سایه درختی در کنار همسران و آب خنک و غذای نیکویی آسوده بود که ناگهان بیاد پیامبر صلی الله علیه و آله در بیابان‌های سوزان افتاد و به حرکت در آمد و بدون آن که با کسی سخنی بگوید، به سرعت رفت تا در تبوک به سپاه اسلام ملحق شد و پیامبر صلی الله علیه و آله به او خوش آمد گفت و برای او دعا کرد (۱)». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مقصود از توبه خدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشت خدا با رحمت خود و توجه او به بندگان است؛ پس لازمه این سخن، گناه کار بودن پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، بلکه ایشان معصوم بود و گناهی مرتکب نمی‌شد. ۲. در آیه فوق انحراف و تخلف تنها به گروهی از مؤمنان نسبت داده شده است؛ اما توبه الهی شامل همه است، و این نشان می‌دهد که توبه در این جا به معنای پذیرش عذر از گناه نیست، بلکه همان رحمت خاص الهی است که به یاری پیامبر صلی الله علیه و آله و مهاجران و انصار آمد و آنان را در امر جهاد ثابت قدم ساخت. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۲۴. ۳. در آیه فوق، جنگ تبوک «ساعت عُسْرَت» (۱) نامیده شده است؛ زیرا مشکلات زیاد اقتصادی، مسیر طولانی مدینه تا تبوک، بادهای سوزان بیابان‌ها، نداشتن مرکب کافی، فصل گرما و خشک‌سالی، دشمن قوی همچون امپراتوری روم شرقی و کمبود مواد غذایی، رزمندگان اسلام را در فشار قرار داده بود و از این رو، سپاه اسلام در این جنگ «جیش العُسْرَة» نامیده شد، ولی با این همه مسلمانان به سوی دشمن حرکت کردند و درسی بزرگ به همه جهانیان و نسل‌ها دادند. ۵. واژه «زَيْغ» به معنای تمایل و انحراف از حق به سوی باطل است؛ یعنی در میان مسلمانان افراد سست‌عنصری بودند که فکر بازگشت را در سر می‌پروراندند، ولی لطف خدا و روحیه عالی اکثریت مجاهدان، آنان را از این فکر منصرف ساخت. ۶. جنگ تبوک برای مسلمانان چند دستاورد مهم در برداشت: الف- روحیه قوی رزمندگان اسلام به اثبات رسید و آشکار شد که آنان از رویارویی با نیرومندترین ارتش زمان نیز بیمی ندارند. ب- سپاهیان چهل هزار نفری رومیان عقب‌نشینی کردند و با سپاه سی هزار نفری مسلمانان (که ساز و برگ کافی نداشتند) مقابله نکردند و مسلمانان نیز پس از مشورت و در اثر خستگی، بازگشتند و به روم حمله نکردند، اما همین پیمودن راه مدینه تا تبوک، مقدمه لازم برای فتح شام در زمان‌های بعد را فراهم کرد. ج- بسیاری از قبایل و امرای اطراف تبوک به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و با تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۲۵ او پیمان عدم تعرض امضا کردند و فکر مسلمانان از جانب آنان آسوده شد. د- امواج اسلام به داخل مرزهای امپراتوری روم نفوذ و توجه همگان را به خود جلب کرد. ۷. در جنگ تبوک، پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام دستور داد که در مدینه بماند و این تنها جنگی بود که علی علیه السلام در آن حضور نداشت؛ البته این اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله بدین جهت بود که سپاهیان اسلام برای مدت طولانی از مدینه دور می‌شدند و امکان داشت برخی منافقان که در مدینه مانده بودند، با همکاری مشرکان به مدینه حمله کنند و زنان و کودکان را بکشند، ولی وجود حضرت علی علیه السلام سدّی

نیرومند در برابر توطئه آنان بود. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا، پیامبر و رزمندگان را در صحنه‌های خطرناک مورد لطف خاص خویش قرار می‌دهد. ۲. یاران واقعی رهبر کسانی هستند که در شرایط دشوار از او پیروی کنند. ۳. اگر دل‌های شما به سوی انحراف نزدیک شد، بی‌درنگ به خود آید و توبه کنید تا لطف خدا شامل حال شما شود. *** خدای متعال در آیه ۱۱۸ به محاصره اجتماعی متخلفان جنگ تبوک و توبه آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۱۸. «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّمْ يَلْحَظْ مِنْ اللَّهِ إِلًّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۲۶ و (نیز) بر آن سه نفر] که (از شرکت در جنگ تبوک) و مانده بودند، تا آنگاه که زمین با همه پهناوری بر آنان تنگ شد، و آنان از خودشان به تنگ آمدند، و دانستند که هیچ پناهگاهی از (عذاب) خدا جز به سوی او نیست؛ سپس خدا (با رحمتش) به سوی آنان بازگشت، تا توبه کنند؛ [چرا] که خدا بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز است.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق این‌گونه حکایت شده است که سه نفر به نام‌های «کعب بن مالک» و «مراره بن ربیع» و «هلال بن امیه» به خاطر سستی، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به جنگ تبوک نرفتند، و هنگام بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله عذرخواهی کردند، ولی پیامبر پاسخ آنان را نداد و دستور داد دیگران نیز با آنان سخن نگویند و حتی زنان آن‌ها نیز کناره گرفتند و فضای دنیا برای آنان تنگ شد و به کوه‌های اطراف مدینه پناه بردند؛ سپس از یکدیگر نیز جدا شدند و به زاری و توبه روی آوردند و سرانجام پس از پنجاه روز توبه آنان پذیرفته شد و آیه فوق در این باره فرود آمد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. تعبیر «خَلَفُوا» به معنای «پشت سر گذاشته شده» است. این تعبیر اشاره می‌کند که وقتی این افراد سستی می‌کردند، مسلمانان به آنان بی‌اعتنایی کرده، و به سوی جهاد پیش می‌رفتند، و یا اشاره می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله عذر آنان را نپذیرفت و قبول توبه آنان به عقب افتاد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۲۷. ۲. آیه فوق و عمل پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آن سه نفر، یک روش آموزنده برای مبارزه با گناه کاران را به نمایش گذاشته است؛ یعنی برای مجازات مجرمان می‌توان از راه محاصره اجتماعی و قطع رابطه با آنان، دنیا را بر آن‌ها تنگ کرد و آنان را تحت فشار قرار داد و این مجازات از هر نوع زندانی برای آنان سخت‌تر است. این چنین کیفری نه هزینه‌ای در بردارد و نه موجب تنبلی و بدآموزی افراد می‌شود. این مجازات نوعی اعتصاب و مبارزه منفی جامعه در برابر افراد فاسد است که می‌تواند جامعه را از افراد آلوده پاک‌سازی کند. ۳. از آیه فوق استفاده می‌شود که ناامیدی از مردم، زمینه‌ساز توجه به خدا و توبه است. ۴. آیه فوق اشاره دارد که هر توبه انسان با دو توبه خدا همراه است؛ یعنی نخست خدا با رحمت خویش به سوی بنده باز می‌گردد و به او توفیق توبه می‌دهد، سپس بنده توفیق توبه می‌یابد، آن‌گاه خدا توبه او را می‌پذیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. تحریم و مبارزه منفی با خلاف کاران یکی از شیوه‌های تربیتی اسلام است. ۲. توفیق توبه در سایه لطف و عنایت الهی است. ۳. بی‌اعتنایی به جهاد، بی‌اعتنایی کنید و آنان را وانهد. *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۲۸ خدای متعال در آیه ۱۱۹، مؤمنان را به پارسایی و همراهی با راست‌گویان امت فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۱۱۹. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید؛ و با راست‌گویان باشید.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیات متعددی از قرآن کریم ویژگی‌های «صادقان» بیان شده است. آنان افرادی راست‌گو و راست‌کردار هستند که تعهدات خود در برابر ایمان به خدا را به انجام می‌رسانند و تردیدی به خود راه نمی‌دهند و از انبوه مشکلات نمی‌هراسند و با ثبات قدم به فداکاری می‌پردازند «۱».

۲. از برخی احادیث که از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده است، استفاده می‌شود که هر چند مفهوم آیه عام است و همه صادقان امت را شامل می‌شود، در این آیه مقصود مصداق کامل راست‌گویان راست‌کردار، یعنی امام علی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام مرادند. در حدیثی آمده است که پس از نزول آیه، سلمان از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: آیا منظور آیه عام است یا خاص؟ حضرت پاسخ داد: «همه مؤمنان به انجام دستور آیه مأمورند، ولی عنوان «صادقین» مخصوص برادرم علی علیه السلام و اوصیای بعد از او تا روز رستاخیز است.» «۲» در برخی احادیث نیز آمده که امام علی علیه السلام به این مطلب

استناد می‌کرد تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۲۹ و حتی از طریق اهل سنت نیز روایت شده که مقصود آیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت او می‌باشند. «۱» ۳. در آیه فوق دو شاهد بر خاص بودن آن وجود دارد: نخست آن که واژه «مَع» به جای «مِن» استفاده شده است؛ یعنی اگر مقصود از صادقین همه راست‌گویان امت بودند، می‌فرمود: «شما هم از راست‌گویان باشید.» و نمی‌فرمود: «شما با راست‌گویان باشید.» و دیگر این که چون به صورت مطلق به همراهی با صادقین و پیروی از آنان دستور می‌دهد، می‌توان دریافت که صادقین معصوم هستند «۲» و در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشد. ۴. واژه «صادقین» جمع است، و مقصود معصومان اهل بیت علیهم السلام در طول اعصار هستند که در هر زمان وجود دارند و مردم باید همراه و پیرو آنان باشند. ۵. مقصود از همراهی با صادقان این نیست که انسان فقط همنشین آنان باشد، بلکه منظور همگامی با آنان و پیروی از آنان است. ۶. از این که تقوا، پارسایی و حفظ خود از عذاب الهی را با همراهی صادقان آورده است، استفاده می‌شود که این دو در همدیگر اثر دارند؛ یعنی اگر انسان بخواهد واقعاً خود را حفظ کند، لازم است با معصومان همراه شود و هر کس به واقع با معصوم همگام شود، با تقوا و محفوظ می‌ماند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۳۰ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. با صادقان و راست‌کرداران و رهبران معصوم همگام شوید و از آنان جدا نگردید. ۲. ایمان بدون تقوا و رهبران صادق، کافی نیست. *** خدای متعال در آیه ۱۲۰ به پادشاه‌های سختی‌ها و مشکلات مجاهدان اشاره کرده و با هشدار به مسلمانان می‌فرماید: ۱۲۰. «مَا كَانَ لِلْأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ بر ساکنان مدینه و کسانی از عرب‌های صحرائشین که اطراف آنان هستند سزاوار نیست، که از فرستاده خدا تخلف ورزند، و بخاطر (حفظ) جان‌هایشان، از جان او روی برتابند؛ این بخاطر آن است که آنان هیچ تشنگی و رنج، و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد و بر هیچ قدمگاهی که کافران را به خشم آورد، گام نمی‌نهند، و به هیچ هدفی (از ضربه و قتل) از دشمن نمی‌رسند، مگر اینکه بخاطر آن، کار شایسته‌ای برای آنان نوشته می‌شود؛ [چرا] که خدا پادشاه نیکوکاران را تباه نمی‌کند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۳۱ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. در آیه فوق بر حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید و از آن به عنوان یک وظیفه همگانی مسلمانان یاد شده است؛ زیرا رهبر رمز بقا و حیات یک ملت است و تنها گذاردنش او و آیین اسلام و موجودیت مسلمانان را به خطر می‌اندازد. ۲. در آیه فوق به مسلمانان مدینه و اطراف آن دستور داده از پیامبر و جان او محافظت کنند و این، بدین جهت است که در آن عصر مدینه کانون اسلام بوده است، ولی بدان معنا نیست که این حکم مخصوص مردم مدینه و اطراف آن است، بلکه وظیفه اطاعت از رهبری و حفاظت از جان او برای همه مسلمانان و در همه عصرها برقرار است. ۳. در آیه فوق به هفت مورد از مشکلات مسلمانان در جنگ‌ها اشاره شده، ولی این موارد برخی مصادیق آن‌هاست و در حقیقت، تمام سختی‌های جهاد پادشاه دارد. ۴. آیه فوق اصول جنگی زیر را به مسلمانان آموزش می‌دهد: الف- از دستور رهبری تخلف نوزید. ب- از جان رهبر به خوبی حفاظت کنید. ج- در برابر سختی‌ها مقاومت نمایید. د- دشمنان کافر را با عملیات خود به خشم آورید. ه- هر گونه سختی که در جهاد تحمّل کنید، «۱» ثواب کار شایسته‌ای برای شما نوشته می‌شود. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۳۲ آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. هر نوع سختی و ناراحتی را در راه جهاد تحمّل کنید که به عنوان اعمال صالح شما ضبط می‌شود. ۲. رزمندگان اسلام، نیکوکاران واقعی هستند و خدا پادشاه نیکوکاران را تباه نمی‌سازد. ۳. حفظ جان رهبر اسلام را بر جان خود مقدم دارید. ۴. کاری کنید که کافران به خشم آیند. *** خدای متعال در آیه ۱۲۱ به پادشاه‌های دیگر مجاهدان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۲۱. «وَلَا يَنْفِقُونَ نَفْسَهُ صِيغَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ و هیچ هزینه کوچک یا بزرگی را در راه خدا مصرف نمی‌کنند، و هیچ درّه‌ای (و سرزمینی) را نمی‌پیمایند، مگر اینکه برای آنان نوشته می‌شود؛ تا خدا آنان را به [عنوان بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، پادشاه دهد.] نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. تعبیر «أَحْسَنَ» در آیه فوق یا صفت افعال

مجاهدان است که براساس آن، معنا این گونه می‌شود: «خدا این اعمال را به عنوان بهترین اعمالی که مجاهدان انجام داده‌اند، پاداش می‌دهد.» و یا صفت پاداش مجاهدان است که در این صورت آیه این گونه معنا می‌شود: «خدا آن‌ها را بهتر از آنچه انجام داده‌اند، پاداش می‌دهد.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۳۳. این آیه اشاره دارد که کار جبهه‌ها و رزمندگان نزد خدا به طور دقیق حساب شده و ثبت است و همه کمک‌های مالی کوچک و بزرگ و هر گام رزمندگان نوشته می‌شود، تا مورد محاسبه و پاداش قرار گیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. خدا هر گونه کمک مالی به جبهه‌ها و هر گام مثبت را پاداش می‌دهد. ۲. اعمال مجاهدان را ثبت کنید و پاداش دهید. ***

گروهی برای جنگ و گروهی برای علم

خدای متعال در آیه ۱۲۲ به جهاد علمی مسلمانان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۲۲. «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيُنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ و هرگز مؤمنان همگی بسیج نمی‌شوند؛ پس چرا از هر گروهی از آنان، دسته‌ای بسیج نمی‌شوند (و کوچ نمی‌کنند)، تا در دین، فهم عمیق نمایند؛ و تا قومشان را به هنگامی که به سوی آنان باز می‌گردند، هشدار دهند؟! تا شاید (از مخالفت خدا) بیمناک شوند.» شأن نزول داستان نزول آیه فوق سه گونه حکایت شده است: نخست آن که آیه در مورد عرب‌های صحرائین است که همگی برای فراگیری معارف اسلامی به سوی مدینه حرکت کردند و سبب مشکلات اقتصادی مردم شدند. آیه فوق فرود آمد و به آنان دستور داد که همگی دیار تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۳۴ خود را ترک نکنند و اگر گروهی برای کسب معارف اسلامی بیایند و در بازگشت برای مردم خود بازگو کنند، کافی است «۱». دوم آن که آیه فوق در مورد حرکت به سوی جهاد است؛ زیرا پس از سرزنش متخلفان جنگ تبوک، همه مسلمانان مکلف، در جنگ‌ها شرکت می‌کردند و گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه تنها می‌ماند، آیه فوق فرود آمد و دستور داد گروهی در مدینه بمانند و معارف را از پیامبر صلی الله علیه و آله بیاموزند و هنگامی که مجاهدان از جنگ بازگشتند، برایشان بیان کنند «۲». سوم آن که آیه فوق در مورد گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله است که برای تبلیغ اسلام به میان قبایل صحرائین رفتند و مورد استقبال قرار گرفتند؛ اما برخی بر آنان خرده گرفتند که چرا پیامبر را رها کرده و به این‌جا آمده‌اید؟! آنان ناراحت شدند و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشتند؛ آیه فوق فرود آمد و برنامه تبلیغی آنان را تأیید کرد «۳». نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق با توجه به شأن نزول‌هایی که بیان گردید، سه گونه تفسیر می‌شود: نخست آن که «مسلمانان به عنوان واجب کفایی وظیفه دارند که از هر جمعیتی، عده‌ای برخیزند و برای فراگیری معارف اسلامی به مراکز بزرگ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۳۵ اسلامی بروند و پس از یادگیری علوم، به شهر و دیار خود بازگردند و به تعلیم دیگران بپردازند.» «۱» دوم آن که: در هنگام جهاد، گروهی به جبهه بروند و گروهی دیگر بمانند و پس از بازگشت مجاهدان، معارف را به آنان بیاموزند «۲». سوم آن که: گروهی از مسلمانان به عنوان واجب کفایی به جبهه بروند و در صحنه جهاد با تعالیم اسلامی آشنا شوند و آثار عظمت و حقانیت اسلام را با چشم ببینند و بعد از بازگشت، برای دوستان خود بازگو نمایند. «۳» در مجموع تفسیر اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد، ولی تفسیر دوم با سیاق آیات قبل و بعد سازگارتر است و تفسیر سوم جالب و جذاب است؛ البته این احتمال نیز هست که هر سه تفسیر مقصود باشد. ۲. اگر آیه فوق در مورد شرکت گروهی در جهاد باشد، ناسخ و منافی آیات قبل نیست که همگان را به شرکت در جنگ فرا می‌خواند؛ زیرا هر کدام متعلق به ظرف زمانی خاص است؛ یعنی هنگامی که مسلمانان با امپراطوری بزرگ روم روبه‌رو بودند، همه باید در جهاد شرکت می‌کردند، اما در جنگ‌های کوچک باید گروهی در پشت جبهه بمانند و به جهاد علمی بپردازند. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۳۶. مقصود از «تَفَقُّهُوا فِي الدِّينِ» همان فهم و درک عمیق همه معارف دینی است که شامل اصول عقاید، فروع و احکام می‌شود «۱» و اگر در عصر ما واژه «فقیه» به متخصصان فروع دین گفته می‌شود،

یک اصطلاح خاص است، و گرنه از منظر قرآن «فقیه» کسی است که در علوم مختلف اسلامی مانند تفسیر، عقاید، کلام، فقه، اصول، رجال و ... متخصص شود. ۴. مقصود از «دین» مجموعه‌ای از عقاید، احکام و مطالب اخلاقی است که به نام اسلام خوانده می‌شود. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که تحصیل علم و دانش در زمینه همه معارف اسلامی، یک واجب کفایی است؛ یعنی همواره باید گروهی از مسلمانان به تحصیل علم پردازند و برای تبلیغ به اطراف جهان بروند؛ به عبارت دیگر، تحصیل و آموزش معارف دینی هر دو واجب کفایی است. ۶. از آیه فوق استفاده می‌شود که اسلام برای تعلیم و تعلم اهمیت زیادی قائل است، تا آنجا که مسلمانان را به دو گروه جهادگران نظامی و جهادگران علمی تقسیم می‌کند و گروهی از مسلمانان را از خدمت نظامی و سربازی معاف می‌نماید تا به تحصیل علم پردازند. ۷. آیه فوق ریشه تشکیل حوزه‌های علمی و تشکیل نهاد عالمان دین در اسلام است و این آیه شعار تمام روحانیان اسلام در طول اعصار بوده و هست. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۳۷. ۸. از آیه فوق استفاده می‌شود که هدف از تحصیل معارف اسلامی هشدار به مردم و هشیار کردن آن‌ها و نجات از غفلت و بی‌تفاوتی است «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. همه مسلمانان در یک جا نمانند و برخی برای کسب دانش اسلامی سفر کنند. ۲. دانش آموختگان اسلام، پیام حیات بخش خود را به مردم برسانند. ۳. مسلمانان وظیفه دارند به دو صورت جهاد کنند: جهاد نظامی و جهاد علمی. ۴. همه معارف دین را به طور عمیق فراگیرید. ۵. برای تبلیغ کردن مبلغان اسلامی، مردم هم‌وطن مبلغ در اولویت هستند. *** خدای متعال در آیه ۱۲۳ به مؤمنان فرمان می‌دهد که با دشمنان نزدیک‌تر مبارزه کنید و بر آن‌ها سخت بگیرید: ۱۲۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کسانی از کافران که نزدیک شما هستند، پیکار کنید؛ و باید (آنان) در شما سختی (و خشونت) بیابند؛ و بدانید که خدا با پارسایان (خود نگهدار) است.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۳۸ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق دستور می‌دهد که در مبارزه، از دشمنان نزدیک‌تر شروع کنید و این مطلب ممکن است به چند دلیل باشد: الف- خطر دشمنان نزدیک از دشمنان دور بیشتر است. ب- آگاهی ما نسبت به دشمنان نزدیک بیشتر است و این، راه پیروزی را هموار می‌کند. ج- پرداختن به دشمنان دور این خطر را دارد که دشمنان نزدیک از پشت سر حمله کنند. د- هزینه مبارزه با دشمنان نزدیک کم‌تر و پیروزی بر آنان آسان‌تر است. ۲. در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و هنگام نزول آیه فوق اسلام بر جزیره العرب مسلط شده بود؛ بنابراین، احتمال دارد مقصود از دشمنان نزدیک در آن زمان «امپراتوری روم شرقی» بوده باشد. «۱» ۳. قانون فوق ممکن است موارد استثنایی نیز داشته باشد؛ برای مثال، هنگامی که دشمنان دورتر خطرناک‌ترند، لازم است اول به سراغ آنان شتافت. ۴. هر چند آیه فوق در مورد پیکار با دشمن است، روح آیه شامل مبارزات فکری، منطقی و تبلیغاتی نیز می‌شود؛ «۲» یعنی در این موارد نیز باید فاصله‌های معنوی رعایت شود و از دشمنان نزدیک‌تر آغاز گردد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۳۹. ۵. آیه فوق اشاره دارد که در برابر دشمن نمایش قدرت داشته باشید تا آنان از سرسختی، صلابت، خشونت «۱» و آمادگی شما آگاه شوند و همین مطلب موجب عقب‌نشینی و شکست روحی آنان گردد. ۶. در تاریخ اسلام می‌خوانیم هنگامی که مسلمانان برای زیارت کعبه به مکه آمدند، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد هنگام طواف با سرعت بدون تا ورزیدگی خود را به دشمنان نشان دهند و یا در هنگام فتح مکه دستور داد مسلمانان شبانگاهان همگی در بیابان آتش افروزند و در برابر ابوسفیان- بزرگ مکه- رژه روند تا قدرت سپاه اسلام را درک کند. ۷. در پایان آیه فوق بیان شده که خدا با افراد باتقوا، پارسا و خویشتن‌دار است، و این مطلب اشاره دارد که شدت عمل و خشونت با کافران باید همراه با تقوا باشد و از حدود انسانی تجاوز نکند و از همین جهت است که در تاریخ اسلام حکایت شده پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام جنگ سفارش می‌کرد به زنان کافران آسیبی نرسانند و به درختان صدمه نزنند «۲». ۸. برخی مفسران بر آنند که آیه فوق به جهاد آزادی‌بخش اسلامی اشاره دارد و مقصود از آن جهاد دفاعی نیست و از این رو است که صفات رزمندگان اسلامی را بیان می‌کند و شرایط هجوم کافران را بیان نمی‌نماید «۳». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۴۰

آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. برای پیکار با کافران، از دشمنان نزدیک‌تر آغاز کنید. ۲. سپاه اسلام در برابر کافران، صلابت، هیبت، سخت‌گیری و خشونت داشته باشد. ۳. سخت‌گیری و خشونت با دشمنان، با رعایت مرزهای تقوا همراه باشد. ۴. با تقوا باشید که خدا با افراد پارسا و خویشان‌دار است. ***

تأثیرات قرآن

خدای متعال در آیه ۱۲۴ به تأثیرات مثبت قرآن بر دل‌های آماده اشاره کرده و می‌فرماید: «وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيْمَانًا فَآمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيْمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ؛ و هنگامی که سوره‌ای فرو فرستاده شود، پس کسی از آن (منافق) ان می‌گوید: «کدام یک از شما، این (سوره) ایمانش را افزون ساخت؟!» و اما کسانی که ایمان آورده‌اند، پس بر ایمانشان افزوده؛ در حالی که آنان شادی می‌کنند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره دارد که منافقان کفرپیشه می‌خواستند با این سخنان بگویند که قرآن محتوای چشمگیری ندارد و به آیات الهی بی‌اعتنایی کنند. ۲. آیه فوق مردم را به دو گروه تقسیم می‌کند: گروه نخست کسانی هستند که دل‌های آماده و مستعد دارند و از هر سوره قرآن درسی تازه تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۴۱ می‌آموزند و بر ایمان آنان افزوده می‌شود. و گروه دوم بیمار دلانی هستند که قرآن بر آنان تأثیر مثبتی ندارد، و در آیه بعد به سرنوشت آنان اشاره می‌شود. آری، قرآن همچون باران است که در باغ سبزه رویاند و در شوره‌زار خس. ۳. واژه «بشارت» به معنای سرور و شادی است که آثارش در چهره انسان ظاهر گردد. این واژه نشان می‌دهد که آیات قرآن چنان اثر تربیتی در مؤمنان دارد که نشانه‌های شادی در چهره‌هایشان آشکار می‌شود. ۴. در جهان کنونی می‌بینیم که برخی مسلمانان نه تنها خواندن یک سوره در آن‌ها اثر نمی‌کند، بلکه یک ختم قرآن نیز در آنان اثری نمی‌گذارد، در حالی که آیات قرآن اثر خود را از دست نداده است؛ بنابراین، روشن می‌شود که این حجاب‌ها و بیماری دل‌ها و آلودگی‌هاست که مانع نفوذ و تأثیر آیات در قلب‌ها می‌شود. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که ایمان انسان قابل کم و زیاد شدن است. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. یکی از معیارهای شناخت مؤمنان از منافقان، بررسی تأثیرات قرآن بر آن‌هاست. ۲. قرآن مایه افزایش ایمان و شادی مؤمنان است. *** خدای متعال در آیه ۱۲۵ به تأثیرات منفی قرآن بر بیمار دلان اشاره کرده و می‌فرماید: «وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ؛ و اما کسانی که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است، پس آنان پلیدی بر پلیدیشان افزوده؛ و مردند در حالی که آنان کافرنند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۴۲ نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. قرآن در آیه فوق به این حقیقت اشاره می‌کند که برای تأثیر برنامه‌های تربیتی تنها فاعلیت فاعل کافی نیست، بلکه قابلیت قابل نیز شرط است؛ یعنی تنها وجود برنامه سازنده و تأثیرگذاری همچون قرآن برای رشد و تربیت افراد کافی نیست، بلکه روح پذیرش و آمادگی انسان‌ها نیز شرط است. ۲. واژه «رِجْس» در لغت به معنای موجود پلید و ناپاک است که این پلیدی گاهی از نظر غریزه، گاهی از نظر فکری و گاهی از جهت شرعی است؛ یعنی برخی چیزها از نظر غریزه ناپسند و پلیدند و برخی چیزها از نظر فکری و یا شرعی ناپسند می‌باشند. «۱» ۳. در آیه فوق از «نفاق» به عنوان یک بیماری و پلیدی یاد شده است؛ زیرا روح و فکر این‌گونه افراد دو چهره به انحراف‌های روانی و اخلاقی آلوده است و اگر انسان روحیه سالمی داشته باشد، دو چهره نخواهد بود. «۲» ۴. منافقان کفرپیشه نه تنها از قرآن بهره مثبت نمی‌برند، بلکه در برابر هر سوره جدیدی نافرمانی تازه‌ای می‌کنند که این لجاجت‌ها در روح آنان ریشه می‌دواند و سرانجام راه بازگشت آنان را می‌بندد و به حال کفر از دنیا می‌روند. ۵. از آیه فوق استفاده می‌شود که بیماری‌های روحی و نفاق دارای مراتبی است که برخی عوامل، آن را افزایش و گسترش می‌دهد. ۶. قرآن همچون باران رحمت الهی است که اگر بر جسد مرداری در تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۴۳ گودالی بیارد، نه تنها به حال آن مفید نیست، بلکه سبب فساد و بدبویی آن می‌شود و این نه به خاطر باران است بلکه بخاطر آن مردار است. آری: باران که در لطافت طبعش ملال نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس آموزه‌ها و پیام‌ها ۱.

بیمار دلی و نفاق مانع استفاده از قرآن است. ۲. منافقان بدفرجام‌اند و در نهایت با حالت کفر از دنیا می‌روند. ۳. اگر می‌خواهید از قرآن بهره ببرید، نفاق و پلیدی را از خود دور سازید. *** خدای متعال در آیه ۱۲۶ به آزمایش‌های بیدار کننده و هر ساله الهی اشاره کرده که به حال منافقان کفرپیشه تأثیری ندارد و می‌فرماید: ۱۲۶. «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عِيَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ؛ و آیا (منافقان) نمی‌بینند که آنان در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می‌شوند؟! سپس توبه نمی‌کنند، و آنان متذکر (هم) نمی‌گردند.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. مفسران در مورد آزمایش‌های مکرر الهی در مورد منافقان کفرپیشه که در آیه فوق بدان‌ها اشاره شده، دیدگاه‌های متفاوتی دارند و مصادیقی همچون بیماری، گرسنگی، پرده برداشتن از اسرار منافقان و مشاهده آثار عظمت اسلام و حقایق پیامبر صلی الله علیه و آله در پیروزی در میدان جهاد، بر شمرده‌اند، ولی به نظر می‌رسد که امتحان در آیه فوق مفهوم جامعی دارد و همه آن موارد از مصادیق آن است. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۴۴. ۲. آزمایش انسان‌ها از سنت‌های الهی است که در آیات متعددی بدان اشاره شده است؛ اما به نظر می‌رسد که در آیه فوق از آزمایش خاصی برای منافقان کفرپیشه یاد شده است، «۱» به گونه‌ای که خودشان نیز متوجه آن آزمایش‌ها می‌شوند، ولی باز از خواب غفلت بیدار نمی‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. حوادث و آزمون‌های الهی برای بیداری و توبه افراد است. ۲. منافقان اهل بیداری و توبه نیستند. ۳. اهداف آزمایش را برای آزمون دهندگان بیان کنید که موجب بیداری و بازگشت (و جبران گذشته) است. *** خدای متعال در آیه ۱۲۷ به واکنش منافقان در برابر نزول سوره‌های قرآن اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۲۷. «وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُم مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ؛ و هنگامی که سوره‌ای فرو فرستاده شود، برخی آن (منافق) ان به برخی (دیگر) نگاه می‌کنند (در حالی که می‌گویند): آیا هیچ کس شما را می‌بیند؟ سپس منصرف می‌شوند (و بیرون می‌روند)؛ خدا دل‌هایشان را (از رحمت) منصرف ساخته؛ بخاطر آنکه آنان گروهی هستند که فهم عمیق نمی‌کنند.» تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۴۵. نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق اشاره کرده که منافقان از نزول آیات قرآن نگران هستند. این نگرانی یا بدین جهت است که بیم دارند اسرارشان فاش شود و یا به خاطر کوردلی و عدم درک عمیق آن‌هاست. ۲. مفسران درباره جمله آخر آیه فوق دو احتمال داده‌اند: یکی آن که جمله خبری باشد، و دیگر آن که جمله نفرین به منافقان باشد؛ یعنی «خدا دل‌های آنان را از حق منصرف سازد.» ولی احتمال اول مناسب‌تر است. ۳. یکی از نشانه‌های منافقان کفرپیشه آن است که نسبت به نزول آیات الهی ناخشنودند و به یکدیگر نگاه کرده و می‌گویند: آیا کسی شما را می‌بیند؟ «۱» و از جلسات قرآن می‌گریزند. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. منافقان مطالب را به طور عمیق درک نمی‌کنند. (شما این گونه نباشید). ۲. منافقان قرآن گریزند. (شما این گونه نباشید). ۳. از آیات قرآن روی بر متابید و در مورد آن‌ها ژرف‌نگر باشید. *** خدای متعال در آیه ۱۲۸ به دلسوزی و رنج‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای مردم اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۲۸. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ؛ تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۴۶. یقین، فرستاده‌ای از خودتان به سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ (و) بر (هدایت) شما حریص است؛ (و نسبت) به مؤمنان، مهربانی مهرورز است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. برخی مفسران بر آنند که دو آیه آخر سوره توبه، آخرین آیاتی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد، «۱» و در واقع اشاره به تمام مسائلی است که در این سوره گذشت. ۲. در آیه فوق نفرمود: «پیامبر از شماست» بلکه فرمود: «پیامبر از خودتان است.» گویی پیامبر پاره‌ای از جان مردم و روح جامعه است که در شکل فرستاده خدا ظاهر گردیده، و از این رو، با دردها و مشکلات آنان آشنا و شریک غم‌های آنان است. ۳. واژه «حریص» در اصل به معنای شدت علاقه به چیزی است و در آیه فوق می‌خوانیم: «پیامبر بر شما حریص است» یعنی به هرگونه خیر، سعادت و پیشرفت شما عشق می‌ورزد «۲». ۴. آیه فوق اشاره دارد که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله دستورهای مشکل و فرمان جهاد با امپراطوری روم می‌دهد و با کفر و نفاق به شدت برخورد می‌کند، در حقیقت یک نوع محبت و لطف او است و او به آزادی، شرف، عزت و هدایت و پاک‌سازی جامعه شما عشق می‌ورزد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳،

ص: ۲۴۷ ۵. واژه «رئوف» به محبت و لطف مخصوص در مورد فرمان‌برداران اشاره دارد، ولی واژه «رحیم» به رحمت در مورد گناهکاران اشاره می‌کند. البته این دو واژه اگر جداگانه استعمال شوند، ممکن است به یک معنا باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در هدایت مردم سر از پا نمی‌شناخت و غمخوار و دوستدار مومنان بود. (شما نیز این گونه باشید). ۲. رهبر اسلامی، از مردم، غمخوار مردم، علاقمند به مردم و دلسوز مؤمنان باشد. *** خدای متعال در آیه ۱۲۹ به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد و می‌فرماید: ۱۲۹. «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لِمَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ؛ و اگر (مردم) روی برتافتند، پس بگو: «خدایی که هیچ معبودی جز او نیست مرا بس است؛ تنها بر او توکل کردم؛ و او پروردگار تخت بزرگ (جهانداری و تدبیر هستی) است.» نکته‌ها و اشاره‌ها ۱. آیه فوق با اشاره به احتمال سرکشی مردم، به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد خدایی که عرش و عالم بالا و جهان ماورای طبیعت با همه عظمتش در اختیار او است، پیامبرش را تنها نمی‌گذارد «۱». تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۴۸ ۲. از آیه فوق استفاده می‌شود که تکیه گاهی نیکو است که خود تنها باشد و تکیه گاهی نخواهد و افزون بر جهان ماده، جهان ماورای طبیعت نیز در اختیار او باشد. آری، به بیان نورانی امام حسین علیه السلام در دعای عرفه: «هر که تو را ندارد، چه دارد و هر که تو را دارد، چه ندارد؟» «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها ۱. آموزه آیه برای رهبران الهی و مبلغان دینی آن است که سرکشی و رویگردانی مردم در روحیه شما، تأثیر منفی برجای نگذارد. ۲. یک تکیه گاه برای انسان کافی است و آن خدای متعال است. «۲» *** تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۴۹ منابع «کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت، موسسه التمهید، قم، ۱۳۸۳ ش، الطبعة الاولى. ۲. الاتقان فی علوم القرآن، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۳. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحیدی النیشابوری، المكتبة العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۴. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنبازی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، مطبوعه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۴ ش، ۴ جلدی. ۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سید علی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۲۷ ش، ۱۲ جلدی. ۶. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۰ ق، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۵۰ ۸. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق، ۳۰ جلدی. ۹. تفسیر الکاشف، محمد جواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۱۹۸۱ م، ۷ جلدی. ۱۰. التفسیر لکتاب الله المنیر، محمد الکریمی، قم، مطبعة العلمیة، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۱۱. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۱۴۰۴ ق، ۴ جلدی. ۱۲. تفسیر من هدی القرآن، سید محمد تقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۴۰۶ ق، ۱۸ جلدی. ۱۳. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲ ش، ۴ جلدی. ۱۴. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم. ۱۵. نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. ۱۶. تفسیر رومن الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۷۴ ش، ۱۴ جلدی. ۱۷. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۷ ش، ۱۰ جلدی. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۵۱ ۱۸. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۱۳۱۷ ش، ۴ جلدی. ۱۹. تفسیر منهج الصادقین ی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۴۴ ش، ۱۰ جلدی. ۲۰. تفسیر شریف لاهیجی، بهاء‌الدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۳ ش، ۴ جلدی. ۲۱. تفسیر اثنی

- عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۴ جلدی. ۲۲.
- تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۳۸۰ ق، ۱۸ جلدی. ۲۳. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۱۳۴۱ ش، ۷ جلدی. ۲۴. تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجة بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۳۴۵ ش، ۱۰ جلدی. ۲۵. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم ۱۳۹۶ ق، ۲ جلدی. ۲۶. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۱۳۹۷ ق، ۸ جلدی. ۲۷. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۶ ش، ۶ جلدی. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۵۲.
۲۸. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش، ۱۰ جلدی. ۲۹. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۳۰. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳ ش، ۸ جلدی. ۳۱. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی تا، ۵ جلدی. ۳۲. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۳۶۶ ش، ۱۲ جلدی. ۳۳. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ش، ۱۴ جلدی. ۳۴. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۱۳۷۵ ش، ۹ جلدی. ۳۵. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴ ش، ۲ جلدی. ۳۶. التفسیر المنسوب الی الامام الی محمد الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسه الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۳۷. تفسیر الحبري، ابو عبدالله الكوفي الحسين بن الحكم بن مسلم الحبري، (م ۲۸۶) بیروت، موسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق، ۱ جلدی. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۵۳. ۳۸. درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن (منطق تفسیر قرآن)، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۲ ش. ۳۹. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۴۱. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق، ۱۰ جلدی. ۴۲. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۴۳. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرةالمعارف اسلامیة، ۱۴۱۲ ق، ۱ جلد. ۴۴. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش، ۷ جلدی. ۴۵. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق، ۱ جلد. ۴۶. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶ ش، ۱۴ جلدی. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۵۴. ۴۷. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۲ ق، ۱ جلدی. ۴۸. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبه الالفین، ۱۴۰۷ ق، ۶ جلدی. ۴۹. آشنائی با قرآن (۱)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۵۰. آشنائی با قرآن (۲)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هفدهم، ۱۳۸۲ ش. ۵۱. تفسیر تسنیم تفسیر قرآن کریم، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۵۲. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۵۳. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی،

قم، ۱۴۰۴ ق. ۵۴. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی تا. ۵۵. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵۶. المسند، ۱۴۱۵ ق، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۵۵ ۵۷. الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۵۸. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۹. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۶۰. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبه الله، ابن ابی الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۶۱. تفسیر کشف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفه، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۶۲. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۶۳. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۶۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوئه، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۶۵. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۶۶. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۶۷. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۵۶ ۶۸. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۹. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۹۴ ق. ۷۰. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۷۱. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۷۲. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق، چاپ دوم. ۷۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیان، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی تا. ۷۴. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۷۵. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفه، الطبعة الثانية. ۷۶. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمدحسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، چاپ دوم. ۷۷. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۷۸. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۵۷ ۷۹. اهل البيت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعة الصدر ۱۹۹۷ م. ۸۰. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، تهران، المطبعة الاسلامیه، بی تا، چاپ دوم. ۸۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۸۲. تأثیر قرآن در ادب فارسی ۸۳. تحریر الوسیله، روح الله موسوی خمینی (قدس سره)، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا، چاپ دوم. ۸۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹ ش، چاپ سوم. ۸۵. تفسیر سوره حمد، روح الله موسوی خمینی (قدس سره)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱ ش، چاپ هفتم. ۸۶. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق، چاپ دوم. ۸۷. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۸۸. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۸۹. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۹۰. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۵۸ ۹۱. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۹۲. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح الله خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۹۳. چهل حدیث، روح الله موسوی خمینی قدس سره، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول. ۹۴. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ

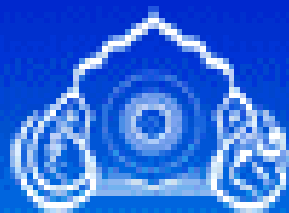
شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۹۵. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۹۶. الدر المنثور فی تفسیر الماتور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۹۷. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود آلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۹۸. روح عرفانی روح الله، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسه توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۹۹. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۰۰. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوه للطباعة و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۵۹ تا ۱۰۱. سیره ابن هشام (السیره النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المكتبة العربیة، ۱۴۱۹ ق. ۱۰۲. شرح دعای سحر، روح الله خمینی، سید احمد فهری زنجانی، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۰۳. صحیفه نور، روح الله موسوی خمینی (قدس سره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۰۴. طب در قرآن، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی، تهران، انتشارات حفظی، بی تا. ۱۰۵. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد آمدی (گردآورنده)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش. ۱۰۶. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۰۷. فی ضلال القرآن، سید قطب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة. ۱۰۸. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۰۹. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۱۰. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، بی تا. ۱۱۱. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۶۰ تا ۱۱۲. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، ۱۹۸۷ م، چاپ دوم. ۱۱۳. کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، احمد بن محمد میدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۴. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۵. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۱۶. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی بر اساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۱۷. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المكتبة الاسلامیة، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۸. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۱۹. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المكتبة الرضویة، ۱۳۳۲ ش. ۱۲۰. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل الله، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۲۱. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۷۷ ش. ۱۲۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۶۱ تا ۱۲۳. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۴. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۱۲۵. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۶۲ صفحه سفید تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان)، ج ۲۳، ص: ۲۶۳ انتشارات تفسیر و علوم قرآن تقدیم می کند: الف: کتاب‌های منتشر شده: ۱. پرسش‌های قرآنی جوانان (۱) ترنم مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۲. پرسش‌های قرآنی جوانان (۲) شمیم مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۳. پرسش‌های قرآنی جوانان (۳) باران مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۴. پرسش‌های قرآنی جوانان (۵) دانش مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۵. پرسش‌های قرآنی جوانان (۶) علوم مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۶. فلسفه احکام (۲) حکمت‌ها و اسرار نماز - احمد اهتمام ۷. آموزه‌های عاشورا - محمدعلی رضایی اصفهانی ۸. تفسیر قرآن مهر، سوره یوسف علیه السلام - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی ب: کتاب‌های در دست

انتشار: ۱. پرسش‌های قرآنی جوانان (۴) - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۲. فلسفه احکام (۳) خداشناسی از راه کیهان‌شناسی - احمد اهتمام ۳. ترجمه آموزشی قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه ۴. ترجمه تفسیری قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه ۵. اعجاز و شگفتی‌های علمی قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی و محسن ملاکاظمی ۶. قرآن و علوم پزشکی - حسن رضا رضایی ۷. قرآن و مدیریت - محسن ملاکاظمی ۸. سیمای سوره‌های قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی یادآوری: مراکز پخش کتاب‌های فوق در صفحه شناسنامه همین کتاب آمده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴ ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ

تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی، بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

